

در صفحات دیگر این شماره:

- جنگ و راد یوهای ضد انقلابی صفحه ۲۵
- ما شاء الله قصاب، همکار خلخالی!! صفحه ۲۵
- مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۱۰) پیام شیخ عزالدین حسینی درباره برخورد آگاهانه صفحه ۱۶
- به جنگ ایران و عراق صفحه ۵
- پاسخ به نامه‌ها صفحه ۱۸

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر
iranische Bibliothek in Hannover

بیکار

۸۲

سال دوم - دوشنبه ۲ آذر ۱۳۵۹ بها ۳۰ ریال

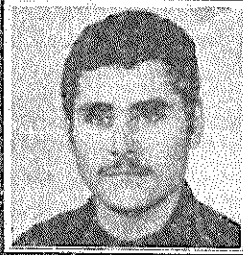
پیام به توده‌های جنگ‌زده ایران و عراق

صفحه ۱۲

صفحه ۲۳



گرامی‌یاه خاطره‌بیکاران شهید رفقا



حمید رحمان پور



حسین نورائی



بهرام شاهوران



غلام سقا

سرمقاله

هئیت حاکمه و اوجگیری جنگ قدرت

در هفته‌های اخیر در بحوحه جنگ ایران و عراق، ما شاهد افزایش درگیریها و شدت یابی بحران درون هئیت حاکمه بوده‌ایم. بالا گرفتن اختلافات در راد یوهای بی‌وزن و کنار گذاشته شدن اسرائیلی‌ها از سوی جناح حزب جمهوری و مسافران با اصطلاح "ساز" قطب راد یو میلیتی اسلامی از کانال دوم تلویزیون و حمله شدید آنتی‌بیه‌جستب جمهوری اسلامی و سردمداران آن، شمه در صفحه ۲

صد و شصت و یکمین
سالگشت تولد
فردریش انگلس
آمورگار کبیر پرولتاریا
گرامی باد!
صفحه ۱۳

تلاش رژیم
برای آزادی گروگانها
تأیید رابو رویونیستها و اپورتونیستها
تنگ‌نای بیکانند
صفحه ۹

آلبانی سوسیالیستی
و دستاوردهای
درخشان سوسیالیسم
صفحه ۱۵

ندیدن
سوسیال امپریالیسم:
نکته‌ای بس مهم
در قضیه سعادت
صفحه ۲۱

عاشورا: نمونه‌ای
از بخدمت گرفتن عزایز
توده‌ها در جهت تخفیف
تضادهای طبقاتی
صفحه ۲۸

روپزیونیستهای فدایی (اکثریت)
به دفاع از سرمایه داری دولتی بر می‌بخیزند!
مروری بر مبارزات کارگران چیت‌ری و موضعگیری
فدائیان (اکثریت)
صفحه ۳

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله...

متعاقبا دستگیری قطب زاده و رها کردن او پس از چند روز تحت فشار لیبرالها، نطق شدید الحن آیت الله خمینی در دیدار فارغ التحصیلان دوره دوم دانشکده افسری علیه لیبرالها و دفاع از روحانیت و جناح حزب جمهوری اسلامی بطور تلویحی و در پوش حفظ وحدت و یکپارچگی، و فردای آن روز در اجتماع عده ای از اهالی قم برای اولین بار حمله کا ملا صریح به لیبرالها بعنوان دشمنان اسلام، روحانیت و جمعیتهای اسلامی و خط و نشان کشیدن برای آنها و دفاع صریح و آشکار از روحانیت و حزب جمهوری و سپس حمله عوامل حزب جمهوری به دفتر روزنامه میزان در روز تاسوعا و همانروز سخنرانی بهشتی در دانشگاه تهران و بی پایه دانستن آنها مآت جناح رقیب به حزب جمهوری اسلامی و دست آخر سخنرانی بنی صدر در میدان آزادی، در روز عاشورا و موضع شیاحمی او علیه حزب جمهوری اسلامی و بطور تلویحی علیه آیت الله خمینی... نموده های با رزی از اختلافات عمیق و تضادهای ریشه دار در جناح هئیت حاکمه یعنی لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد.

موضع شیاحمی بنی صدر در سخنرانی روز عاشورا و در مقابل با جناح رقیب قبیل از هر چیز مبین آنست که لیبرالها که مخصوص در دوره اخیر و از زمان نخست وزیری رجایی به این طرف از سوی جناح رقیب و آیت الله خمینی تحت فشار قرار گرفته اند، تصمیم دارند تا در برابر حمله حزب جمهوری کوتاه نیامده و با دست زدن بیک ضد حمله نه تنها از موجودیت سیاسی خود مومواضع قدرتی که در اختیار دارند، دفاع نمایند، بلکه با تعرض وسیع تر و گسترده تر، به کسب مواضع بیشتری در قدرت سیاسی نایل آیند.

نطق آیت الله خمینی در روز هشتم محرم و سخنرانی بنی صدر در روز عاشورا بسیار نگران کننده نیز هست که لیبرالها و در رأس آنها بنی صدر اینبار در تعرض و تهاجم خود نه تنها حزب جمهوری، بلکه شخص آیت الله را نیز که به صراحت از روحانیت و حزب جمهوری دفاع کرده است، مورد خطاب قرار داده اند و این همان ویژگی ای است که تعرض اخیر لیبرالها را از حرکات قبلی آنها متمایز ساخته و تضادهای در جناح هئیت حاکمه را در سطحی گسترده تر و عمیق تر به نمایش میگذارد.

در پاسخ به این سوال که چه عواملی باعث و موجب تعرض و تهاجم وسیع لیبرالها گشته، باید گفت که اولاً قدرت بایی روز افزون حزب جمهوری و در اختیار گرفتن دست نخست وزیری، برخی از وزارتخانه ها، اکثریت مجلس، شورای عالی قضائی و راديو و تلویزیون و کوشش این حزب برای محدود ساختن هر چه بیشتر قدرت جناح رقیب، لیبرالها را در موقعیت خطیر و در عین

حال تعیین کننده ای قرار داده است، بطوریکه با بیدت تحت فشار جناح مقابل شن به عقب نشینی داده و مواضع کلیدی قدرت را از دست بدهند که البته این معادل با مرگ سیاسی آنها خواهد بود، و یا با تکیه عوامل شیرومندی که در زیربسه آنها قرار گرفته خواهد بود، دست به تعرض متقابل ببل زده و با تحکیم و تثبیت مواضع و موقعیت کنونی خود، زمینه و دستیابی به مواضع جدید قدرت و تضعیف جناح رقیب را نیز فراهم نمایند، لیبرالها در این تعرض خود، آنطور که ظاهراً و در استعدای امر ممکن است تصور شود، آنقدرها هم بی گذار به آب نرفته اند و اگر هم بتوان به آن تماریاسی نام نهاد، آنها برگهای برنده ای را در این بازی در اختیار دارند که جناح رقیب، علیرغم توانائی های بالفعل کنونی و در پشت سر داشتن حامی نیرومندی چون آیت الله خمینی، از دسترس چنین امکانات و برگهای محروم است.

لیبرالها قبیل از هر چیز متکی به ارتش و حمایت آن هستند، ارتش ایران که در اساس خود همان ارتش آریامهری با همان سیستم و همان فرماندهان نا هوشی است، بخوبی نشان داده که میتواند قبیل و بیش از همه در کنار شورزوی لیبرال قرار گرفته و بعنوان ارگان سرکوب شورزوی، نقش خود را در حفظ و بقای سیستم سرمایه داری و وابسته و حاکمیت امپریالیستها برای ایران ایفا کند. دفاع همیشگی و بی چون و برای بنی صدر از ارتش و حمله و به تهاجمی گروهها و نهادهائی که میکوشند به تضعیف آن بپردازند و موضع گیری فرماندهان ارتش به نفع بنی صدر و رقیب، که هم اکنون ارتش میتواند در جنگ ایران و عراق داشته باشد، نشاندهنده آنست که بنی صدر در این ضد حمله خود، بر روی ارتش بنه عنوان یکی از برگهای برنده خود حساب بسیار میکند و میداند که در جنگ قدرت جناحهای رقیب از آن حداکثر استفاده را بنماید. اما مثل دیگری که بنی صدر و لیبرالها روی آن حساب میکنند، بهیچ وجه گسترش روابط ایران و آمریکا بدنبال تصمیم اخیر دولت مبنی بر آزاد ساختن گروگانها و در همین رابطه ارسال سلاح و مهمات جنگی از سوی آمریکا به ایران و تقویت ارتش و امکان ادا مه جنگ با عراق و جلوگیری از شکست قطعی میباشد. آنها را تهاجمی رفسنجانیسی رئیس مجلس در مصاحبه اخیرش با روزنامه لیبنائی "الاسفیر" این مسأله را بخوبی توضیح میدهد:

"ایران علیرغم تحریم صدور کالا از سوی آمریکا که از زمان گروگانگیری در سفارت آمریکا در تهران آغاز شد، همچنان اسلحه دریافت میکند."
وی بدون آنکه توضیح دهد آنها را داشت:
"ما شروع به دریافت چیزهای مورد نیاز کرده ایم". (روزنامه کیهان ۲۵ آبانماه - تاکیدا زمانست.)

نقطه اتکای سوم لیبرالها، توده های وسیع مردمی است که تا کنون و بطور روزمره از حزب جمهوری اسلامی و حتی آیت الله خمینی کنشده شده و متأسفانه بدلیل نبود یک قطب و آلترنا تيو انقلابی، پشت سر لیبرالها که میکوشند تا مانی با ما نیها و بدبختیها را بر سر حزب جمهوری و اعوان و انصارش خراب کنند، جمع میشوند. جمعیت کثیری که در سالگرد هفده شهریور و عاشورای انسان در میدان شهدا آزادی بسای محبت بنی صدر گرد آمدند و استقبال وسیعی که از او بعمل آوردند، و مضافاً حمایت و پشتیبانی سازمان مآهدین خلق از لیبرالها و بنی صدر در مقابله ای افت و کاهش شدید طرفداران حزب جمهوری، میتواند بیهامه مهمی قابل اتکا ئی برای بنی صدر و طرفدارانش بوده و از آن بعنوان برگ برنده قابل اطمینان، در برابر حریف و رقیب خود استفاده نماید.

بهر حال آنچه که قطعی است و تا کنون صورت واقعیت بخود گرفته، تصمیم جدی هر دو جناح به حفظ مواضع قدرت و پیشروی برای کسب مواضع جدید است. هر دو رقیب از این مسأله بخوبی آگاهند و دارند که هرگونه عقب نشینی، به معنی تضعیف قدرت خود و تقویت جناح مقابل است و از همین رو علیرغم تا کیدات لفظی آنها بر روی حفظ وحدت و آثار و عواقب ناشی از تفرقه و اختلاف بویژه در شرایط جنگی (که البته این بهیچ وجه بمعنی نا دیده گرفتن وحدت آنها در سرکوب جنبش و انقلاب نیست)، از هر مکان و ابزاری برای ابراز مخالفت و تعرض و حمله به یکدیگر و دادا شدن حریف به عقب نشینی استفاده میکنند. این جنگ قدرت در گذشته نیز وجود داشته و در آینده نیز وجود خواهد داشت و اگر این درست است که بحران دریا ئین، موجب بحران در بالا میشود، بدون تردید فلاکت ناشی از جنگ و گسترش گران، فقر، بیکاری در میان توده ها و سرکوب با زهم بیشتر آزادیهای سیاسی از سوی رژیم و نتایج تهاجمی بحران اقتصادی و سیاسی جامعه، بمعنی شکاف هر چه بیشتر در بالا و تا نیر متقابل آن دریا ئین و نتایج ترسناک گسترش هر چه بیشتر جنبش توده ای خواهد بود. آنچه در این میان اهمیت دارد، کاروسیعی آگاهان در میان توده های زحمتکش و بویژه کارگران و ارتقاء و شکل مبارزات آنها نیست... هم اکنون جنبش اعتراضی توده ها بویژه در میان آوارگان جنگ در حال شکل گرفتن است و این هنوز ابتدای کار است. تب جنگ ایران و عراق و حرارت ناشی از آن در نزد توده ها بتدریج فروکش میکند و سردی و فلاکت ناشی از این جنگ افزون بر بحران عمیق سیاسی و اقتصادی جامعه که قبیل از جنگ وبدون آن نیز وجود داشته و خواهد داشت، جنبش اعتراضی توده ها را هر چه

بقیه در صفحه ۳۳

بصر قرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

جنبش کارگری



اخراج ۱۲۶ نفر از
کارگران و کارمندان
صنایع فولاد اهواز:
"خیرات" جنگ ارتجاعی

رویزپوئیستهای فدائی (اکثریت) به دفاع از سرمایه داری دولتی بزمیخیزند!

مروری بر مبارزات کارگران چیت ری و موضعگیری فدائیان (اکثریت)

طبقه کارگران در طی مبارزات خلق که منجر به قیام بهمین ماه و سرنگونی رژیم شاه خاثن گردید، اگرچه از ستاد در زنده و اعمال رهبری خود بر جنبش، محروم بود، لیکن تحریباتی بس - گرا نیها کسب نمود که موجب عمیقتر شدن مبارزات کارگری گردید. یکی از این تحریبات که در اینجا سعی خواهیم کرد، به بررسی آن بپردازیم. مبارزات کارگران چیت ری بعد از قیام است. تجربه ای که رویزپوئیستهای "اکثریت" در به - اصطلاح تحلیل آن، ماهیت ضد کارگری و خائنه خویش را بیش از پیش عریان نموده اند. فدائیان "اکثریت" که چایلوسی از سرمایه داران و رژیم مدافعشان را پیشه خود قرار داده اند، در این مبارزات کارخانه به دفاع از ارکان دولتی و ضد کارگری "بنیاد مستضعفین" پرداخته اند، آنها با شیوه ماکیا ولیستی به تحریف واقعیات پرداخته و از جمله رفقای ما را به دفاع از شورای ضد کارگری و کارفرمای سابق کارخانه متهم ساخته اند. ما سعی خواهیم کرد در روند بررسی این تجربه - کارگری ماهیت ضد کارگری رویزپوئیستها را نشان دهیم.

۱ - تا ریخچه مبارزات کارگران چیت بعد از قیام: نخستین اقدام انقلابی کارگران در اردیبهشت ۵۸ بود که طی آن کارگران، خشمگین از اقدامات ضد کارگری رئیس کارگزینی (خان محمدی) و رئیس نگهبانی (شرابی)، بطور دستجمعی به کارگزینی هجوم آورده و خان محمدی را که ظلمهای زیادی به کارگران کرده بود، بیرون انداخته و شرابی را هم دیگر به کارخانه راه ندادند. در این هنگام کارگران درگیر مسئله دیگری هم بودند و آن برگرداندن نماینده سابقه بقشمان "منصور سواتی" به کارخانه بود. سواتی کارگر با سابقه ای بود که حدود ۱۲ سال در کارخانه کار کرده بود. او که به همراه کارگران درس میخواند، بعد از گرفتن دیپلم، ارتقاء یافته و کارمندی کارگزینی گردید. او در گیریهای با برادران

کورس (کارفرمایان کارخانه) بر سر منافع کارگران داشت و در سال ۵۵ بوسیله سواتی و دستگیروزندانی شده بود تا اینکه در جریان قیام آزاد گردید. این امر موجب افزایش شدید محبوبیت وی در میان کارگران شده بود و از همین روتلاش میگردیدند تا او را برگردانند و موفق هم شدند. اما سواتی بعد از ارتقاء موقعیت شغلیش به عنصری سازشکار تبدیل گردید و حتی اختلافش با کورسیا که منجر به زندانی شدنش گشته بود، عمدتاً جنبه شخصی داشت به همین دلیل بعد از برگشتن او به کارخانه، اولین خواهشهای که مطرح کرده بود گرفتن ۲۷۰۰۰۰ تومان غرامت دو سال بیکاریش بود. کارگران که شدیداً نسبت به وی نوه داشتند از خواست او پشتیبانی نمی کردند. تا اینکه سرانجام او پولش را گرفت و بعد از استخدام رسمی بعنوان رئیس شورای وقت (که شورای فرمایشی مشکل از سرپرستان و سرکارگران و عوامل کارفرما بود) بعد از قیام تشکیل شده بود، برگزیده شد. در چنین شرایطی بود که تیروی جدیدی از طرف دولت وارد کارخانه شد. این نیرو که "بنیاد مستضعفین" بود به ادعای ملی کردن کارخانه سعی کردند در میان کارگران نفوذ پیدا کند. البته روشن است که اینگونه "ملی کردن"ها از جانب ارگانهای وابسته به رژیم ارتجاعی، بجز از جانب رویزپوئیستها (که آنرا اقدامی انقلابی میخوانند)، نمیتواند حمایت کارگران را جلب نماید. چرا که این "ملی کردن"ها در واقع جابجایی ثروت از حیطه این دا روده سرمایه دار به حیطه دا روده سرمایه داریست که قدرت را در دست دارد و چرا که این "ملی کردن"ها یعنی حفظ همان وابستگی به امپریالیسم.

"بنیاد برای پیشبرد منافع خود با مانعی چون شورا مواجه نبود. شورا و در آن سواتی که بدنبال منافع خرد بوده و ماهیتی ضد کارگری

بقیه در صفحه ۸

عوارض فلاکت با رنجه کنونی هر روز بیش از پیش گریبانگیر کارگران و زحمتکشان کشور - مان، بخصوص کارگران و زحمتکشان مناطق جنگی میشود. یکی از این عوارض بیکاری کارگران میباشد. بر اثر جنگ ایران و عراق عده زیادی از کارگران مناطق جنگ زده از کار بیکار شده اند، رژیم جمهوری اسلامی در این اوضاع و احوال شرایط را مساعد ندیده تا در کنار با زسازی ارتش ضد خلقی و سرکوبی نیروهای انقلابی و کمونیست و سرکوب خلق کرد، دست به اخراج کارگران بزند و هر کس راه که عتراضی در این باره بکنند تحت عنوان "مدا انقلاب" و "ستون پنجم دشمن" سرکوب نماید.

اخیراً در صنایع فولاد نیز ما شاهد پیاده شدن این سیاست از جانب ایادی رژیم جمهوری اسلامی هستیم. "بسیج جمعه اسلامی مجتمع فولاد گداز" عناصر مزدور و مجتمع تشکیل شده است، اطلاعاتی ما در میگذراند مبنی بر آنکه هر کس بیشتر از ۶ روز غیبت داشته باشد از کارخانه اخراج میگردد. در پی صدور این اطلاعیه در تاریخ ۱۲/۸/۵۹، ۱۲۶ نفر از کارگران و کارمندان شرکت ما نا و ذوب شماره ۱ را از کارخانه اخراج میکنند. در شرایطی که قحطی - گرانی بیش از پیش به کارگران و زحمتکشان فشار وارد میآورد و خانواده هایشان آواره گشته اند و کارخانه نشان ویران شده است، "بسیج مجتمع فولاد" یا همان مزدوران جمهوری اسلامی با اخراج عده ای از کارگران فشار وارد بر آنها را دوچندان کرده و آنها را در معرض فقر و فلاکت قرار داده است و ماهیت ضد کارگری خود را بنمایش گذاشت. رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف ادعا میکند که بخاطر منافع کارگران و زحمتکشان در این جنگ شرکت کرده است. اما از طرف دیگر با اخراج و بیکار کردن آنها، در عمل ثابت میکند که نه تنها بیکاری و گرسنگی هزاران کارگر و زحمتکش برای پیش کمترین ارزشی ندارد، بلکه این منافعی سرمایه داران است که با یستی بر آورده و حفظ شود.

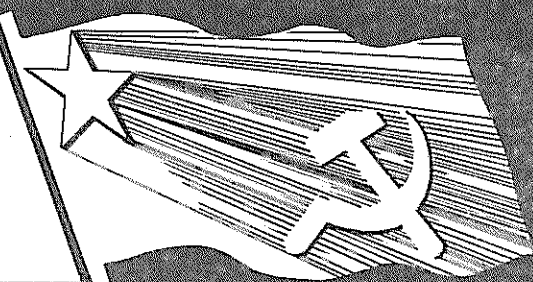
کارگران مبارز!

مسلمانان آخرین اقدام برای اخراج کارگران مجتمع فولاد سمنی باشد، بلکه در آینده ما با زهمشاهد اخراجهای وسیع دیگری هستیم که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بعلت ماهیت ضد خلقی اش و با استفاده از شرایط جنگ انجام

بقیه در صفحه ۷

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

وظایف عملی ما در قبال جنبش کارگری و توده‌ای



تبلیغ از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم (۶)

رویزونیست‌ها، آنارشیست‌ها و آمیختن تبلیغ با توده‌های وسیع

گفتم که با یبعنوان مبلغ، مروج و سازمان ده‌بیمان توده‌ها رفت، ویژگی تبلیغ و اینکه توان یک سازمان یا حزب بستگی تام به نفوذ ایدئولوژیک - سیاسی در میان توده‌های وسیع دارد، رابازگفتم و تاکید کردیم که بدون تبلیغات گسترده در میان توده‌ها، سختی هم از نفوذ گسترده در میان زحمتکشان نمیتوان به میان آورد. اکنون به انحرافات رویزونیستی و آنارشیستی که در ارتباط با پیوند با توده‌ها، میتوانند در مرتب تبلیغ رخ دهد، میپردازیم:

رویزونیست‌ها و دیگر نمایندگان بورژوازی
توجه بسیاری به این اصل تبلیغ از خود نشان میدهند، آنها همیشه میگویند با بدبیمان توده‌ها رفت، آنها خود را مبلغ مثنی توده‌ای میدانند اما آنها معتقد به مثنی توده‌ای - انقلابی در تبلیغ نیستند، آنها برای درآمیختن با توده‌ها دنبال بست ترین عواطف و عقب مانده ترین بخش توده‌ها می افتند. آنها همسواره کمونیست‌ها را از منفرد شدن از توده‌ها میترسانند در حالیکه خود بر ایده‌ها ثی که بورژوازی در میان توده‌های نا آگاه تبلیغ میکند صحنه میگذارند اما با توده‌ها بر مندا آنها برای اینکه دل توده‌ها را بدست آورند، نقش سزاخشی را بازی میکنند که در مقابل نا آگاه‌ها، توهم و عقب ماندگی توده‌ها، مدا مبرابطات نامشایسته‌ها میدهد. مثلا در فرانسه و جمهوری اسلامی، رویزونیست‌ها به بیانه جدا نبودن از توده‌ها، رای آری را تبلیغ کردند. آنها در حقیقت به بیانه توده‌ها درآمیختن با توده‌ها، به تبلیغ شمارهای بورژوازی که در میان توده‌ها طرفدار داشت می بردا خند، رویزونیست‌ها از رفتن بمیان توده‌ها، افتادن به قعر منجلاب نا آگاه‌ها، توهم و عواطف بست توده‌ها را در نظر دارند، چرا که این روحيات توده‌ها بیانی از همه بسود بورژوازی است! کمونیست‌ها به میان توده‌ها میروند تا روحيات انقلابی را در آنان تقویت کنند، آنها را آگاه کرده و تسلط زحمتکشان آگاه به منافع طبقاتی خود، ارتقاء بخشند، در حالیکه رویزونیست‌ها در تبلیغات خود میکوشند از ارتقاء روحيات آتشین توده‌ها جلوگیری و مانع آگاه‌ها

آنان شوند. در ۲۰ ماهه پس از قیام، متاسفانه تبلیغات فدائیان را بنگرید (حتی در همان هنگام که هنوز رویزونیست نشده و انقلابی بودند) آنها در تبلیغات خود تا چه حد میکوشیدند سطح آگاه‌ها را بر علیه امیرالیم و ارتجاع ارتقاء بخشند. تا چه دروحيات توده‌ها را بسود سرکوشی سرما پیداری وابسته برمی - انگیزند. حتی مجاهدین را که یک تیغ سروری انقلابی است، بنگرید، آنها به تبلیغات بسیار بیاداده و توده‌های وسیعی را نیز جذب کرده‌اند. اما آنها با این توده‌ها چه کرده‌اند، آیا آنها را تا سرحد زحمتکشان آگاه به منافع طبقاتی واقعا آموزش داده‌اند، آیا بروحيات آتشین توده‌ها دمیده‌اند، یا برعکس با تبلیغ سحر و سکوت و نوسری خوری جلوی غلبان خشمگین توده‌ها را نیز تا حدی گرفته‌اند، البته، ما تا آن حدی که این نیروها در آگاه‌ها می بخشیدن به توده‌ها کوشش کرده‌اند، ارج میگذاریم، اما مسئله اصلی اینست که آنها بیشتر به جذب توده‌ها توجه داشتند تا ارتقاء توده‌ها، رویزونیست‌ها در میان توده‌ها دست به تبلیغات وسیع میزنند، اما نه برای انقلاب، بلکه برای سوار شدن بر توده‌ها و برای تبدیل آنان به برهه‌های رانی در جهت منافع خود، آنها از میان توده‌ها، رهبران مبارزه طبقاتی را تربیت نمیکنند، تبلیغات آنان توده‌ها را آموزش نمیدهد و نسبت به دشمنان بر نمی انگیزد و آگاه نمیکند. رویزونیست‌ها از منافع توده‌ها حرکت نمیکنند، به بیانه توهم توده‌ها، بر نا آگاه‌ها و روحیه خود توده‌ها دامن میزنند. علاوه بر این رویزونیست‌ها در تبلیغات خود به قشر عقب مانده توده‌ها تکیه می‌کنند، بر مننای روحيات و نیازهای آنان تبلیغات خود را انجام میدهند، یک انحراف رویزونیستی دیگر که بصورت آگونیسم خود را نشان میدهد، تبلیغات فقط در میان کارگران و عدم پیوند با دیگر طبقات است و طبیعی است که آگونیست‌ها در همین تبلیغات نیز فقط به مسائل اقتصادی توجه میکنند.

آنارشیست‌ها، به توده‌ها بی توجهند، در عشق توده‌ها با ظواهر بسوز و کدازند، اما امید انندیانمی -

توانند با توده‌ها پیوندی انقلابی برقرار نمایند، آنها رشیست‌ها نسبت به تبلیغ، در میان توده‌های وسیع بی توجهند و یا تبلیغ را فقط منحصر به قشر بیسرو توده‌ها میدانند، آنها به کار بیورانه تبلیغی برای آگاه کردن توده‌ها اعتقادی ندارند، رفیق بویان را در نظر بگیرید پس از دو ماه کار در کارخانه به این نتیجه میرسد که کارگران، همین هستند و بدر نمیخورند، آنها رشیست‌ها به افشاگریهای سیاسی بعنوان یک نیرو برای تغییر چنان اعتقادی ندارند آنها این حرف‌ها را بهیچ میگیرند که:

"... افشاگریهای سیاسی بخودی خود، یکی از وسائل توانای منطقی ساختن رژیم متخاصم، یکی از وسائل حدانمودن متفقین تصادفی و یا موقتی از دشمن و یکی از وسائل کاشتن تخم تفاق و عدم اعتماد بین شرکت کنندگان دانشی حکومت مطلقه است، در زمان ما حزبی میتواند پیش آهنگ قوای انقلابی گردد که بتواند موجبات افشاگریها را واقعا در برابر ما مردم فراهم سازد. این واژه ما مردم دارای مخموم بسیار وسیعی است." (جدا یاد کرد، تاکیدار خود لین است.)

آنارشیست‌ها از آنجا که به توده‌ها بعنوان یگانه برپا دارندگان انقلاب اعتقادی ندارند یا به جلب توده‌های وسیع از طریق تبلیغات و افشاگریهای گسترده بی اعتناء هستند و یا زمانی هم که دست به تبلیغات میزنند، از آنجا که روحيات توده‌ها را در نظر نمیگیرند و بیانه زهای اساسی آنها نمی برند، تا در به انطباق تبلیغاتشان با توده‌ها نیستند، تبلیغاتشان آنقدر جدا از مسائل توده‌هاست که نمیتوانند با آنها در هم آمیزد و یا چون میزان توهم و نا آگاه‌ها را در نظر نمیگیرند بصورت نا آگاه‌های در میا پدگه توده‌ها را به اعمال عکس العملهای تندتری می انگیزد. در این میان میتوان به مثال استالین در مورد تبلیغات فدائیان برخشی از بلشویک‌ها "چپ‌رو" اشاره کرد که بجای پیوند با توده‌ها، از آنان دور تر میشدند و بحق لقب مبلغ ناشی میگرفتند. انحراف "چپ" و آنارشیستی در تبلیغ میتواند بصورت برخورد "آگونیستی" و روشنفکرانه نیز جلوه‌گر شود که البته خود نشان عقب ماندگی مبلغین نیز هست. مثلا برخی میتینگهای نیروهای کمونیستی در گذشته فاقد خلعت توده‌گیری و انطباق با توده‌ها بود برخی رفقا میتینگ تبلیغی را با کلاس مروجین اشتباه گرفته و با بیانه‌های طویل و غیر تبلیغی خویش سر شرکت کنندگان در میتینگ را بدر میا وردند انگار که نمیخواهند به جذب توده‌های وسیع میا درت کنند.

رویزونیست‌ها توده‌ها را برای زائشده ساختن بورژوازی میخواهند و تبلیغ را در این جهت سازماندهی میکنند ولی آنها رشیست‌ها شمایی به پیوند با توده‌های وسیع از خود نشان

خلق ها و مسئله ملی



اخباری از کردستان

اسامی شهدای کشتار ایندرفاش

- ما خیرقتل عام فجع اهالی روستای ایندرفاش توسط پاسداران رادریکا شماره ۸۱ آوردیم. لیستی که در زیر ملاحظه میکنید با ما می باشد:
- ۱- حاجی مصطفی وهتمان ۱۸- علی بایزید
 - ۲- حسین خدری حاجی ۱۹- ابراهیم پیرسالی
 - ۳- کریم سیدی ۲۰- ما مرحیم
 - ۴- سلیمان کریمی سیدی ۲۱- محمدره
 - ۵- علی قنبری ۲۲- ریوش محمدرسولی
 - ۶- خدری قنبری ۲۳- بایزید (اسماعیل بیگ) برخانه
 - ۷- حسن خدری ۲۴- حاجی خوسه
 - ۸- رسول سیدی ۲۵- حسین خوسه
 - ۹- رحمان موفی ۲۶- ابوبکر خوسه
 - ۱۰- خسرو ما موسی ۲۷- عبداللهرسولی
 - ۱۱- سیدعلی حسینی ۲۸- ما عبدالله
 - ۱۲- کریم علائی ۲۹- پیرما عبدالله
 - ۱۳- استاد حسین ۳۰- سیدعثمان
 - ۱۴- ایرج دریژی ۳۱- عثمان دیواری
 - ۱۵- زبیده علائی ۳۲- عصمت محمددستی
 - ۱۶- محمود بیرونی ۳۳- بلال
 - ۱۷- محمدرسولی ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ - ناشناس

انقلابیون ستیز تظاهرات رژیم را به حرکتی برضد ارتجاع تبدیل کردند

سفر ۱۳/۸/۵۹

در این روز بدعت مزدوران رژیم جنایتکار و نیز فرماندار منفور سقز، قرا رشدرای هیماشی صورت گیرند نیزوهای ضد خلق به سبک قوانین آریا مهری طی ابلاغیه ای به تمام مسددارس و ادارات و بازا را علام کرده بودند که آنها حتما در این تظاهرات شرکت کنند. اما دانش آموزان مبارز جوانان انقلابی شهر برنا مهذا انقلابی مزدوران را به حرکتی برضد رژیم تبدیل کردند. دانش آموزان انقلابی بهنگام حرکت از مدارس خود به طرف محل تظاهرات، با نظمی انقلابی شروع بدادن شعار نمودند. آنها با دادن شعارها "بیروزی هه بزی شورش موقا و مه تی خه لکی کورد" (بیروز با جنبش مقاومت خلق کورد) "بیش مهر گه نوات به رزه دوژمن شه خا تهله زره" (بیشمرگه بلند آوازهای، سمت پشت دشمن را به لرزه در میاورد) و با خواندن سرود (شاهی قیب) برآستی که پشت دشمنان خلق کرد را بلرزدر آوردند. در همین حین جوانان انقلابی

بقیه در صفحه ۶

پیام سید عزالدین حسینی درباره پر خورد آگاهانه به جنگ

کشتار اهالی بیدفاع و ذوق و سایر شهرهای ایران، بدست تحا و زکیران بعث عراق با ننگ و فربا در میاورد، تبلیغات گسترده برآه می اندازد و تگات می کند که جراحان اسلام در مقابل این جنایات سکوت میکنند، اما در همان حال با تعرفات نظامی جدید شهرها و روستا های کردستان مدها نفر از مردم مسلمان کرد از جمله زنان و کودکان بیدفاع را به شهادت رسانیده و دهها هزار نفر دیگر را آواره کرده است... آیا مطمئنی که حکما بمعنی عراق به عنوان یک دولت مهاجم خارجی به مردم خرمشهر، آبادان، اهواز، ذوق و دیگر شهرهای ایران تحمیل کرده است، با وحشیگریهایی که دولت جمهوری اسلامی ایران در داخل کشور خود به هنگام اشغال خونین سنج، سقز، بانه، مریوان، میا باد، و دیگر شهرهای کردستان مرتکب گردیده تها و تسی دارد؟ به گفته سیدی:

ببری مال مسلمان و جو مال ت ببرند با ننگ فربا دیر آری که مسلمان نی نیست؟ حرکات خونخوارانه هیات حاکمه در یکما هه اخیر در کردستان، نشان داده است که این رژیم

بقیه در صفحه ۶

اخیرا سید عزالدین شخصیت ملی و مذهبی خلق کرد در باره توطئه های جدید رژیم ایران و عراق بیانیه ای صادر کرده که در زیر قسمتهاش از آن را بنقل از خبرنا مه کومله شماره ۸۷ مورخه ۹ آبانماه نقل میکنیم:

پیام ما موستا
ما موستا سید عزالدین با انتشار اعلامیه ای در مورد رویدادهای روزهای اخیر بیشترگان جنبش مقاومت را دعوت نمود که با رفتار آگاهانه خود مبارزات عادلانه خلق کرد را همچنان با دوراندیشی و سیاست درست پیش ببرند و بدین طریق با همه توطئه های رژیم ضد خلقی ایران به مقابله برخیزند. در اینجا به قسمتهاش از این پیام اشاره میکنیم:

"... بیشترگان قهرمان کردستان! خلق ستم دیده و مبارز کرد! در حالیکه آتش جنگ دولتهاي ارتجاعی ایران و عراق روز بروز بیشترگان و مسلمان خلقهای دو کشور را بکا مشعله های خانمانسوز خود میکشاند دولت جمهوری اسلامی ایران جنگ کردستان را بیش از پیش و در ایام خونین تری گسترش داده است هیات حاکمه ضد خلقی ایران، از



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۵ انقلابیون ...

بلاکاردهای توهین آمیز نسبت به جنبش مقاومت خلق کرد را با ره کردند. تظاهرات همچنان ادامه یافت. و شعارهای انقلابی "محمل میرزمد، ارتجاع میا برزد" فضای شهر و خیابانها را زیرگمه های خونین مزدوران رژیم بلرزه درآورد و بود.

رژیم از فرط وحشت نیروهای جاس و پاسدار خود را برای شناسائی نیروهای انقلابی و دستگیری آنها بسیج میکند و عده ای از جوانان و مردم انقلابی شهر به توسط مزدوران دستگیر میشوند. به این ترتیب بعد از مدتی با تسلط رژیم بر جو تظاهرات، نیروهای انقلابی از صفوف تظاهرات خارج میشوند و فقط دارو دسته های مزدور در معیت حاشیا و پاسداران در محل باقی میمانند. هم - چنین خائنین به خلق یعنی سازمان جریکهای اکثریت و حزب خائن توده نیز دست در دست خلق، فعالانه در تظاهرات ضد انقلابی مزدوران شرکت میکنند. تظاهرات انقلابی اهالی مبارز سقزی بویژه جوانان انقلابی تاثیر عظیمی بر روحیه مردم گذاشتند و آنها را حرکت نیروهای انقلابی با آغوش باز استقبال نمودند آن روز مردم، در تمام نقاط شهر از تظاهرات و وحشت بی پایان رژیم از همبستگی و بیوند آهنگین خلق کردند سخن میگفتند.

بیروز با جنبش مقاومت خلق کرد!

بانه ۵۹/۸/۹
ضرب شست پیشمرگان
فهرمان به ضد خلق

در این روز ستونی که از نایب طرف روستای "بویین" برای با صلاح یا کسای در حرکت بود مورد حملات شجاعانه پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت قرار گرفت. در این حمله عده ای از اجاشها و پاسداران و ارتشیان به هلاکت رسیدند.

مختصری از اوضاع کردستان

کردستان قهرمان همچنان در اشرفا صره اقتصادی در حال ابتلا به فحطی و گرسنگی تمام عیار است. روستاها تحت شدیدترین فشار اقسا دی قرار دارند. در برخی از روستاها مردم زحمتکش حتی از داشتن نفت برای روشن نگهداشتن لامپها و چراغها نیز محروم هستند. با سداران فذخلق و جاشها از ورود اوراق بهار و سها جلو - گیری میکنند. خبری حاکی است که عده زیادی از منقضیان خدمت ۶۰ رابه کردستان اعزام کرده اند و بخشی از آنها در سقز سقز شده اند. در میان این عده، کسانی نیز دیده شده اند که از شهرهای جنوبی کشور به کردستان اعزام شده اند بدین ترتیب رژیم ارتجاعی علیرغم جنگ بسا عراق، لحظه ای از سرکوب خونین خلق کرد غافل نیست.

آموزش و پرورش کردستان نیز اعلام کرده است که تا با صلاح یا کسای و در حقیقت تصفیه انقلابیون از اداره صورت نگیرد، مدارس باز نخواهد شد. همچنین اخیرا رژیم حقوق معلمین کردستان را که هنوز بعلت یا ز نشدن تمام مدارس سرکار برنگشته اند، قطع کرده است و قرار است فقط حقوق آنها را پرداخت کند. در ضمن قرار است که اگر در خانواده ای دو نفر - کارمند یا معلم وجود داشته باشد، فقط حقوق یکی از آنها پرداخت گردد. با این کار ارتجاع حاکم علاوه بر کشتار خلق کرد، مواضع اقتصادی برای تا مین بودجه های نظامی خود بیش از پیش این خلق زحمتکش را تحت فشار قرار میدهد.

پوزش

"با چشم باز در افق خونین کردستان" خاطرات یک سرباز که ۱۳ قسمت آن در بیکارهای گذشته آمد از این شماره قطع میشود و مجموعا بصورت جزوه در اختیار علاقه مندان قرار خواهد گرفت.

بقیه از صفحه ۷ اتحاد ...

مدیرعامل که حرکت کارگران و کارکنان مبارز اخراجی از یک طرف و پشتیبانی اکثریت کارگران از آنها را دیده بود، مذبحا نه تلات میگرد که به هر نحوی شده این حرکت مبارزاتی را بخواباند. پس از مدتی جریبخت، مدیرعامل متوجه شد که نمیتواند به این سادگی هانیت بلید خود را عملی کند. در نتیجه مخفیا نه با خبر کردن سباه پاسداران کارخانه فولاد شهر وزیرین شهر، سعی در سرکوب این مبارزه نمود. پاسداران که تعداد آنها به ۴۰ نفر میرسد پس از ورود به کارخانه ابتدا به محاصره ساختمان مرکزی که کارگران و کارکنان اخراجی در آن بودند، دست زده و سپس تمام محیط کارخانه را به اشغال نظامی خود درآورد و اجازه خروج به هیچکس نمیدادند تا راحت تر بتوانند به سرکوب و دستگیری کارگران اخراجی بپردازند. آنها با لایحه با زور سرنیزه

ارتش اردن

در شهرهای کردستان عراق

مستقر شد

نیروهای ارتش اردن وارد شهرهای کردستان عراق شدند.

طبق اخبار رسیده از کردستان عراق طی روزهای اخیر رژیم فاشیستی بعث موعیت خود را در شهرهای کردستان بوسیله نیروهای ارتش مزدور اردن تقویت کرده است. قسمتی از این نیرو همراه با عده ای جاش و دیگر نیروهای بعث عراق در شهر قلعه دزه و هم اکنون در تدارک حمله - ای بسوی پایگاههای پیشمرگان اتحادیه میهنی کردستان عراق می باشند. رژیم بعث عراق با وجود آنکه در جنوب ایران وسیعاً درگیر جنگ است از جمله به نیروهای مبارز در کردستان عراق غافل نیست.

طی هفته های گذشته، دوبار بسوی پایگاه های پیشمرگان در شینی بیرونی نمودند که هر بار با مقاومت سرسختانه نیروهای اتحادیه میهنی روبرو گشته و با دادن عده زیادی کشته و زخمی، مجبور به عقب نشینی گردید.

بقیه از صفحه ۵ پیام ...
علیرغم گسترش جنگ ایران و عراق و از دست دادن بخش بزرگی از خاک خود، هنوز هم به سرکوب خلق کرد اهمیت بیشتری میدهد. برنا به جدید هیات حاکمه این است که با بهره گیری از جنگ با عراق، ضمن سرکوب مبارزات سراسری ایران برقراری خفان فاشیستی در کشور و توطئه سکوت در مورد اخبار کردستان، بخال خود، کار سرکوب خلق کرد را، با تشدید نظامی و اقتصادی بیکسره کند. ... پیشمرگان دلیر و فدائکار کردستان شما که تفنگ سرودش و جان بکف، در راه پرافتخار دفاع از خلق رنج دیده کردید قدم گذاشته اند و با موش کشیده هموار راه بیدست صبح انقلابی برنفتگان حاکم باشد. ...

بنا بر این، در اقدام به هر حرکت نظامی باید نتایج سیاسی آن را به خوبی ارزیابی کرده و آگاهانه به آن برخورد کنیم. این رژیم با سار صلح و آشتی ندارد و حاضر به دادن حتی نیست بنا بر این باید مبارزه خود را مبارزه ای طولانی بدانیم که تنها با استکاء توده های مردم و فداکاری و جانبازی شما فرزندان خلق بسه بیروزی خواهد رسید. در این شرایط که دشمن چون گرگ ها در دست به حمله میزند و مردم کردستان با رستگین شهادت عزیزان و سختی و مشقت خانه خرابی و آوارگی را تحمل میکنند، بر شما واجب است که پیش از هر وقت دیگر، نگران جان و هستی مردم و همزمان خود باشید، زیرا برای ادامه این مبارزه سخت و طولانی ما باید تلفات و ویرانیها را به حداقل ممکن برسانیم.

در رابطه با مردم، چه در داخل کردستان و چه در مورد خلقهای دیگر ایران بخصوص مردم مناطق همسایه باید طوری رفتار حسنه و انقلابی داشته باشید که آنان را هر روز بیش از قبل به حقانیت مبارزه و آینده بیروزمندان مطمئن گردانید.

وژ - توانستند کارخانه را فتح کرده و کارگران و کارکنان اخراجی را با ما شینهای خود ببرند. این منطبق همجوامع طبقاتی است که در آن دولت به توسط ارگانهای سرکوبگر خود، منافع طبقات استثماری و رگور در اینجا منافع سرمایه داران و کارفرمایان را پاسدار می کند. پس از اینکه کارگران اخراجی را در دادگاه زمین شهزندان می کنند، بزور از آنها تعهد میگیرند که دیگر در جلو کارخانه تجمع نکنند و سپس آنان را آزاد می نمایند.

کارگران مبارزان می بینیم که مدیرعامل بقیه در صفحه ۸



کارگران چیت ری با افزایش استثمار به پنهان جنگ مبارزه می کنند!

در پی وقوع جنگ و خاموشی های مداوم بعضی از کارخانه ها عملاً خوابیده اند ولی در بعضی کارخانه ها شیفتهای کارزبانان در وقت تعطیل در شب، ساعات کار به سه شیفت تبدیل شده است. این موضوع خطرات فراوانی برای کارگران دارد، ولی سرمایه داران را از اوصفت ترازانند که بفرکارگران باشند.

مهندس ترجمانی (*) نماینده "بنیاد مستضعفین" (همه کاره چیت ری) که به هیچ وجه حاضر به کم کردن ساعت کاری نیست، در شبهای اول جنگ بر اثر خاموشی فنا ریساری به کارگران وارد آورد و سه شیفت در کارخانه برتربین زیرگذاشت: از ۶ صبح تا ۲ بعد از ظهر، از ۲ تا ۱۰ شب و از ۱۰ شب تا ۶ صبح.

کارگران زن که به همراه کودکان خود به کارخانه می آیند، از این بابت نگران بودند، این فشار باعث شده که کارگران بصورت پراکنده و چند نفری جلوی ترجمانی را گرفته و بساها اعتراض میکنند، مهندس ترجمانی در مقابل خواست آنها جواب سریالاً میداد و در جواب کارگرانی که گفته بودند: "مگر تولید فقط روی چیت ری میجرده؟" و "من که با بچه ام به کارخانه می آیم نمی توانم شب در تاریکی آنها را بخواهم ببرم" گفته بود: "ملا به من ربطی ندارد، شما کارگرید و باید ۸ ساعت کار کنید."

کارگران نماینده های خود را بخاطر این موضوع سخت فشار قرار میدهند، بر اثر فشار کارگران، نماینده ها با مهندس ترجمانی جلسه ای برای کم شدن ساعت کاری گذاشتند، ولی از آنجا که نمایندگان مدافع کارگران نبودند مثل همیشه با مهندس به توافق می رسیدند که کارگران باید کار کنند.

کارگران خودشان دست به کار می شوند و شیفتهای دوم کارخانه را تعطیل میکنند. در این هنگام نگهبانان ناآگاه جلوی خروج آنها را میگیرند، ولی کارگران که خشم سراپای وجودشان را گرفته بود با عمیابیت داد میزدند: "نگذار همان بلایی که به سر ترجمانی در خواب آورده سر تو هم بیاید و بریم" و با زور فشار مقاومت نگهبانان را شکسته و روانه خانه هایشان میشوند.

فردای آنروز که ترجمانی از حرکت کارگران (*) همان شخصی است که روی بیونیستهای اکثریت برایش سینه جاک کرده اند.

با خیر می نمود، بوسیله جا سومان خود و نیروی ویژه لیستی از کارگران فعال این جریان تهیه میکند. ۶ نفر اولی که در لیست قرار داشتند از فعالترین کارگران دریا فندکی ۲ هستند. این کارگران قدیمی میباشند و دارای نفوذ زیادی در کارگران هستند. وقتی خبر اخراج این ۶ نفر به گوش بقیه کارگران میرسد، دست به اعتصاب میزنند و سومانها را شینهای با فندکی ۲ را خاموش میکنند و همگی به طرف دفتر مهندس ترجمانی راه می افتند.

خواستهای آنها عبارت بود از:
۱ - کم شدن ساعت کار
۲ - برگشتن اخراجیها به سرکار و در غیر این صورت اعتصاب ادا خواهد داشت.

... ضمناً آنها متذکر شدند تا برآورده شدن خواستهای اینها اعتصاب ادا نخواهند داد.

مهندس ترجمانی وقتی با این حرکت کارگران روبرو میشود، با هدایتی لرزان و رنگی بریده به آنها میگوید: اخراج آنها به شما هیچ ربطی ندارد! که یکی از کارگران زن در جواب میگوید: "به ما چه ربطی دارد؟ توجه حقیق داری که آنها را بیرون می کنی تا این خرج کران، با این فلاکت، شوی این سرمای زمستان حقیقی داشتی که برادرهای ما را بیرون کردی؟ تا وقتی آنها به سرکار برنگردند، ما هم به سرکار نخواهیم رفت!"

مهندس ترجمانی که برای مقاومت نداشت و حرکت متحدانه کارگران را میدید، مجبور شد که کارگران اخراجی را به سرکار برگرداند و از اخراج بقیه نیز برای مدت کوتاهی چشم پوشید. و بعد از ترتیب کار کارگران با ردیگر با مقاومت متحدانه خود، توانستند توطئه های سرمایه داران را نقش بر آب کنند.

حمایت پاداران از مدیران و سرمایه داران

● اخراج کارگران مبارز از ایران کنف

چندی پیش صوفی املشی مدیر عامل ایران کنف که از زمینداران بزرگ املش نیز میباشد، اما می ۷ نفر از کارگران شورا و سه تا مهندس را جلوی در کارخانه میزدند تا از ورود آنها به کارخانه جلوگیری شود.

کارگران مبارز ایران کنف با اطلاع از این موضوع به حمایت از کارگران اخراجی پرداخته و صوفی املشی را که قصد فرار داشت دستگیر و در مقابل تمام کارگران افشا و محاکمه میکنند. در اینجا صوفی مفتخور و ضد کارگر به کارگران میگوید:

"شورای شما فدا انقلاب بوده و خلالگراست و

بقیه از صفحه ۳ اخراج ...

خواهد داد. وظیفه کارگران آگاه و مبارزان است که ماهیت این حرکات ضد کارگری رژیم حاکم را برای سایر کارگران افشا نمایند و آنان را به مقابله با این توطئه فراخوانند و همچنین ماهیت ارتجاعی این جنگ، و غیره را دلالت بودن آن را برای دیگر رفقای خود توضیح بدهند.

بمنقل از اعلامیه مورخ ۵۹/۸/۱۷ سازمان پیگار در راه آزادی طبقه کارگر حوزه آواز

اتحاد کارگران راه مقابله با توطئه اخراج کارگران مبارز "سیمان سپاهان"

چندی پیش ۳۰ تن از کارگران و کارکنان کارخانه "سیمان سپاهان" اصفهان "توسط کمیته "باکازی"، این جناح سرکوب دولت ضد کارگری حکم تعلیق گرفته و در واقع اخراج میشوند. این کمیته لیست بلندبالایی از ۱۳ نفر تهیه کرده بود و برای عوامفریبی در بین این عده کینه عمده کارگران و کارکنان مبارز بودند، چند تن از افراد مطوم الحال و ضد کارگری چون امامی ها و مرتضوی ها (که خود کارگران مبارز هم خواستار اخراجشان بودند) را نیز اخراج میکنند. این عمل ضد کارگری مورد اعتراض کارگران قرار میگردد. از جمله کارگران متحد سیمان سپاهان اصفهان "اعلامیه های افشاگرانه در بین کارگران بخش میکنند که در زیر قسمتی از یکی از اعلامیه ها را نقل میکنیم:

"کارگران مبارز! اجناسی که اطلاع دارید صبح روز شنبه ۲۶ مهر، کارگران و کارکنان اخراجی بدنمال عدم قبول حکم تعلیق و از طریق پشتیبانی کارگران مبارز، وارد کارخانه شده و بدفتر مدیر عامل رفته و خواستار لغو حکم تعلیق خود شدند. بقیه در صفحه ۶

علاوه بر اینها شورا در مصرف کاغذ زیاد روی کرده است و برادر دیوارهای کارخانه شعار نوشته است و با توجه به اینکه آقای بنی صدر گفته شورایی شورا وجود این اخلالگران هم در اینجا زیاد است."

صوفی میخواست با این حرفهای صدمان یک غارتگر روز رژیم جمهوری اسلامی و سرمایه داران تحویل کارگران میدهند، ذهن کارگران را منحرف سازد، اما کارگران مبارز ایران کنف زیر بار بقیه در صفحه ۸

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

بقیه از صفحه ۳ روزیونیسپا...

داشت، دریا فته بود که در مقابل "بنیاد" انحصار طلب، با کورس‌ها بیشتر مستواندگن را آسوده حیب خود را برگزید. از اینجا بود که بشوول معروف "دعوا بر سر لحداف ملانصرالدین" شروع شد؛ از یک طرف سورا که به انگاه توهم کارگران، بشتوانه توده‌ای داشت و از طرف دیگر "بنیاد" که نفوذی در کارگران نداشت و متکی بر ابزارهای سرکوب دولتی بود. بنیاد بدون توجه به نفوذ سماواتی از قدرت دولتی خود استفاده کرده شورا را منحل میکند. این عمل موجب ازدیاد محیوسات سماواتی و شورا می‌گردد. کارگران از این عمل که نماینده‌شان هم در رژیم‌ها و هم در این رژیم موردی حرمتی قرار می‌گیرد، سخت خشمگین می‌شوند. از این پس اوضاع عادی کارخانه بهیچ می‌رسد و هر روز صدای اعتراض کارگران چه بصورت فردی و چه دستجمعی، بلند می‌شود. بخصوص کارگران نسبت با فندگی ۱ که منصور سماواتی سالها در آنجا کار کرده و بیشترین نفوذ را داشت، هر روز دست از کار کشیده و با فریادهای "منصور - منصور" بطرف دفتر رئیس بنیاد (مهندس ترجمان) رفته و خواستار ادا مکه کار شورا بودند. ترجمان که ابتدا در فریب کارگران "بی تحریر" و در کار خود "نا وارد" بود، نمی‌توانست با سخ کارگران را بدهد و توسل اوبه آوردن یک روحانی و سخنرانی در مورد افزایش تولید... نیز، موثر واقع نمی‌شد. تا اینکه ترجمان با کمک عده‌ای که اغلب تحصیل کرده بودند (مانند دانشجویان کمیته فدکا رگری پلی تکنیک و وابسته به انجمن شورا - های اسلامی)، به برنامهریزی جهت نفوذ در میان کارگران پرداخت و افراد خود را بمیان کارگران می‌فرستادند تا با ظاهری دوستانه خواهشهای کارگران را استیال کرده و نظا هر گند که گویا

ترجمان ن قدرسدگی بد آنها را دارد. در این بین میان کارگران جوان و سنیان آگاه که به دست فدکا رگری شورا و سماواتی بی سرده بودند، مدتی نسبت به "بنیاد" دشمنی رنوهم گردیدند. از طرف دیگر روزیونیسپای "اکتربیتی" نیز بدین توجهم دامن می‌زدند. از اینجا بود که دوستی ترجمان کارگران بوجهی منجر به درگیری با بنیاد گردید. از جمله یک روز که خدمت با فندگی ۱ کار را خوابانده بود و با ترجمان صحبت می‌کردند. ناگهان عده‌ای از کارگران که اکثر جوان و بیجه - سال بودند با شعار "مندوق - مندوق" (یعنی رای گیری مجدد) وارد شدند. در این جریان درگیری لفظی بین کارگران در گرفت.

چند روز بعد ترجمان دستور دستگیری سماواتی را داد. بلافاصله افراد مسلح کمیته به کارخانه آمدند و سماواتی و چند کارگر دیگر را با خود بردند. کارگران بخشم آمده و بدفتر با لارفتن شروع به اعتراض کردند. چند نفر که شایعه‌ای پراشیدند، می‌خواستند که ترجمان را از طبقه دوم به پایین بیا نندازند که دیگران مانع شدند. همانجا کارگران متوجه جماعتی شدند که بعدا معلوم شد ترجمان برای استفا ده طرفدارانش جهت سرکوب کارگران، آمده کرده بود. کارگران دیگر ننگه نشندند ترجمان از اطاقش خارج شده و او را بگروگان گرفتند. گفتند تا وقتیکه سماواتی به کارخانه نیاید، ترجمان از اینجا بیرون نمی‌رود. در این هنگام اکثر کارگران کار را تعطیل کرده و نظا ره گسریان بودند. بین طرفداران شورا و طرفداران بنیاد، درگیری شدیدی بوقوع می‌پیوندد که کار به جاکشویی و مضروب شدن چند نفر می‌گردد. جریان گروگانگیری تا صبح فردای آرزو زاده داشت حتی حدود پنج نفر از کارگران با وجود استقرار کمیته و با سداران در کارخانه، حاضر به

ترک آنجا نشده و شب را در کارخانه میمانند. بالاخره ترجمان حاضر شد سماواتی را آزاد کند به شرطی که در دفتر مرکزی (که از کارخانه جدا بود) مشغول بکار گردد. کارگران موقتا موافقت کردند ولی با زهمروی خواست با زکنت سماواتی به کارخانه فشاری می‌کردند و جنبی کارگران تمام با فندگی یک و قسمت شکمبل، مجددا به اعتصاب دست زدند. اغلب سرپرستها و رئیس سالنها که منافعتان را در برابر زکنت سماواتی میدیدند، دامن زنده جریان بودند. در این هنگام بود که مسئله مطالبه سود ویژه از طرف کلیه کارگسران مطرح می‌شود. بنیاد می‌گفت "بول نداریم، سود نداریم" ولی کارگران که نزدیک شدن عمده روز را میدیدند، این بول را سخاوتند. کارگران قسمت با فندگی درخواست با زکنت سماواتی و برداخت سود ویژه را مطرح کرده به اعتصاب دست زدند. مهندس ترجمان که دیگر عاصی شده بود خواست برای همیشه کار سماواتی را یکسره کند، لذا مدارکی جعلی درست کرد مبنی بر ساواکسی بودن سماواتی! و برای تأیید آن کمک طرفدارانش شروع به جمع آوری امضاء نمود. در چنین شرایطی بود که صف بندیها بشدریج مشخص می‌گردد. بگطرف بنیاد دودارودسته‌اش (والبت با پشتیبانی روزیونیسپای (اکتربیتی))، طرف دیگر طرفداران سرسخت سماواتی که تعدادشان کم شده بود، و بالاخره اکثریت کارگران که هر چند بشتر متمایل به شورا بودند، ولی مردد و متزلزل مانده و فقط خواهشها بستان را مطالبه می‌کردند حال در چنین شرایطی ناکتیک عنصر آگاه چه میبایست با شده یا با یدار شورا بر علیه بنیاد دفاع کرد یا نالفکس؟ با اینکه با یدهر دورا افشا نمود و برای رسیدن کارگران به خواهشها بستان و ادا گسه مبارزه راه سومی پیشنهاد کرد؟ (ادا مه ارد)

بقیه از صفحه ۷ حمایت...

با تکبیر خواهش فدکا رگری از یکطرف و دستگاه ها و نیروهای سرکوب کردولت جمهوری اسلامی و از جمله سپاه پاسداران از طرف دیگر، سعی در سرکوب اعتراضات و در نهایت مبارزه با بسیاری جلوگیری از اخراج کارکنان و کارگران در مقابل تمام این قوانین، دستها هنی سرکوب و انواع و اقسام دستجات فدکا رگری، به یک چیز می‌توانیم تکیه نماییم و فقط یک سلاح در دست داریم و آنهم اتحاد کلیه کارگران میباید، اتحادی که خواهد توانست از تمام این توطئه ها جلوگیری کرده و آنها را درهم بکوبد. در پایان، اعلامیه خواستار تشکیل مجمع عمومی کارکنان و کارکنان کارخانه با شرکت اخراجیها تده تا اعضای کمیته "پاکسازی"، مدیرعامل و سایر عناصر فدکا رگر را محاکمه کند و همچنین خواستار زکنت کارگران و کارکنان اخراجی بر کار کرده است. بیروزی سرانجام از آن کارگران و زحمتگسنان است (بیروزی سرانجام از آن کارگران و زحمتگسنان است!

بقیه از صفحه ۶ اتحاد...

حرفهای صوفی فدکا رگر و رفته و یکی از کارگران در جواب او میگوید: "علت اخراج شورا ما آن چیزی نیست که تو می‌گویی، بلکه شورا ما برای گرفتن ۴ تومان اضافه حقوق با رها با شما جلسه داشته است و شما بخاطر اینکه شورا حق ما را می‌خواست بگریه آنها را اخراج کرده اید." صوفی میگوید شما ها بروید سرکار، من ۴ تومان اضافه حقوق شما را میدهم اما کارگران قبول نکرده و همچنان اعتصاب میکنند. پس شورا به صوفی املاشی اجازت بیرون رفتن از کارخانه را میدهد. صوفی املاشی فدکا رگر نیز بکراست به سپاه پاسداران رفته و با ۵ ماه شین با سداروبیک مینی بوس به کارخانه رسید می‌آید در این موقع دوباره کارگران جمع شده و یکی از کارگران سخنرانی میکند، که یکی از پاسداران مزدور لوله‌ز - ۳ خود را روی سینه و قرار داده و تهدیدش میکند که اگر کلمه‌ای حرف بزنی شورا می‌کشم.

سپس با سداران سرمایه، شورای ۷ نفره کارگران و سه نفر مهندس را سوار ماشین کرده و می‌خواهند آنها را ببرند که کارگران جلوی در صف کشیده و با مقاومت قهرمانانه مانع می‌شوند که یکی از افراد اخراجی شورا از کارگران می‌خواهد که اجازه بدهند آنها را ببرند. سرانجام کارگران مبارز و قهرمان ایران کنترازی شده و آنها را می‌برند. بنظر می‌آید که کارگران این بوده که نمی‌توانست با بیست اجازه بدهند که صوفی املاشی فدکا رگر از کارخانه بیرون برود و او را تا آمدن پاسداران میبایستی نگاه دارند و ما هیت کثیف او را برای کارگران افشا کنند. بنظر ما این عمل شورانی از نشان ایمان به قدرت کارگران و یکسری سازشکارینا بوده است و در آخر هم شکست می‌گردد. پاسداران می‌خواهند آنها را ببرند، آنها نمی‌توانست مانع مبارزه کارگران بشوند. (بمنقل از یک جوکا شماره ۶)

جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، کمیابی و فلاکت زحمتگسنان را سازمان دهیم

تلاش رژیم برای آزادی گروگانها قافیه را بر رویونیستها و اپورتونیستها تنگ می کند

● تلاش رژیم برای آزادی گروگانها، سوسیال شوینیستهای خجول فدائی (اکثریت) را بموشاندن ماهیت امپریالیسم آمریکا و دفاع از این "اقدام انقلابی" جمهوری اسلامی میکشاند و اساس سناریوی خیالی رزمندگان و راه کارگرا که گویا امپریالیسم آمریکا با افروختن جنگ ایران و عراق میکوشد، رژیم "مستقل" جمهوری اسلامی را سرتگون سازد. فرومیریزد و سوسیالیسم شوینیستهای خجول ما را دچار محاصره می نماید.

همچنانکه تسخیر لانه جاسوسی، ماهیت واقعی بسیاری از سبورها را که در پس پرده ستاره های دروغین، خود را بنیان کرده بودند، نمایانند، تلاش رژیم برای آزادی گروگانها نیز مستقیماً اپورتونیستها و رویونیستها را بموقع بازمی کند و عمق نادرستی ادعاهایشان را آشکارا می سازد.

تندیج سفارت، آنچنان فداخیان را سه راست کشاند که پس از مدتی (از کار ۵۹ به بعد) به قهر منقلب رویونیسم در غلطیدند. آن فداخیان گروگانگیری و هابیهوی محاکمه گروگانها و عدم سازش با امپریالیسم بر سر گروگانها را مبارزه فدا امپریالیستی نامیده، پشت کردن خود به آرمان برولتاریا را توجیه میکردند و اکنون که دیکسر طبل نوحالی "سازش فدا امپریالیستی" رژیم باره شده است، سکا ره یانفی آنچه که تا دیروز می گفتند به مدح و ستای اقدامات رژیم در مورد آزادی گروگانها و عدم محاکمه آنان می بردارند و شرایط نازل مجلس و هیاهوی بسیار برای هیچ جمهوری اسلامی را بیروزی بزرگ می نامند.

رزمندگان و راه کارگرنیز به توجیه اپورتونیستی نظرات گذشته خود پیرداخته و بسا لطائف الحیل میکوشند و رستگاری "سرتگونی" جمهوری اسلامی توسط آمریکا بعنوان هدف جنگ ایران و عراق "را بیوشانند و برای نیل به این "مقصود" و چنانکه خواهیم دید، از شیوه انگریسیدن میان نظرات ناسخ و منسوخ و حتی دروغ گفتن نیز باغی ندارند.

رویزیونیستهای فدائی (اکثریت): "صلاح مملکت خویش خسروان دانند!"

رویزیونیستها هیچ منطق و اصولی ندارند هدف آنها حفظ منافع بورژوازی است و در این راه هر وسیله ای مجاز است. آنها آماده اند، آنچه را که امروز میگویند، فردا پس بگیرند و بر فداخیان حرف بزنند. آنچه مطرح است سوسیالیسم بورژوازی است و آنها موظفند در هر لحظه اقدامات ارتجاعی بورژوازی را به هزار رنگ بپارایند

حال اگر سیاست بورژوازی به مقتضای منافع هر روز عوض میشود، و رویونیستهای بیچاره چیه کنایه دارند که محبورند سیاستهای خود را منطبق با آن تغییر دهند! مسئله گروگانها مسئله بسیار خائلی است. فداخیان همواره از آن بعنوان دلیلی برای توجیه دنباله روی خود از بورژوازی سود می جستند و در واقع "بیراهن عثمانی" درست رویونیستها و اپورتونیستها برای محسنت مدعای "فدا امپریالیستی بودن رژیم" بود اما اکنون که رژیم برای سازش با امپریالیسم آمریکا میکوشد گروگانها را آزاد کند، با زهم فداخیان با جمهوری اسلامی هم آوازند. هم گروگانگیری مبارزه فدا امپریالیستی است و هم آزادی گروگانها با شرایطی حقیر و زبونانه!، اصلاً هر چه رژیم جمهوری اسلامی انجام میدهد، انقلابی است. سازش علنی با امپریالیسم هم انقلابی است! یکسال جا رو جنگال دروغین فدا امپریالیستی بسیار انقلابی است! پس گرفتن همه قول و قرارهای رژیم بر سر گروگانگیری هم انقلابی است! وقتی یک جریان رویونیستی بود، باید که ارتجاع را انقلاب جا بزند و سرای خوشایند بورژوازی، با ید هر چه انجام میدهد را مورد مدح و ستا قرار دهد. با ز مجبوریم حکایت کهنه سلطان و بادمان را نقل کنیم سلطان کهنه بود و بادمان میخورد، گفت بادمان بسیار رطفا خوبی است. ما عرضم تعلق دربار که حاضر بود، شعری را در وصف این "میوه بهشتی" قی - الیادا هرود، چون سلطان سیر شد و شکمش یاد کرد گفت مزخرفتر از بادمان طعام پیدا نمیشود.

شاعر قی الیادا، ندرضرات این طعام شیطانی ایباتی چند گفت سلطان گفت: این چه حکایتی است چرا اشعارت با هم متنقضی است. شاعر متعلق که راستگوتر از رویونیستهای ما بود گفت: قربان، من نوکر سلطانم، نه نوکر بادمان فدایان نیز نوکر جمهوری اسلامی هستند و چنین است که همه به مدح گرفتن گروگانها می نشینند و هم در شای آزادی گروگانها کاغذ پاره میکنند، چه با که اگر در این میان به مدعای امپریالیسم آمریکا نیز بنشینند ما به همه کسائی که هنوز در

نما صداند، رویونیستها نمینوا شدند - امپریالیسم باننده، مطالعه کار ۸۲ را توصیه میکنیم. فداخیان معتقدند که: "علیرغم برخی نارسائیا و انبساط، تصمیمات مجلس در باره گروگانها با مصالح انقلاب انطابق دارد" آنها به ما زمان فدا انقلابی "مجا هدی انقلاب اسلامی" و جنبای خرده بورژوازی مجلس که خواهان مسکوت گذاردن رسیدگی به مسئله گروگانها بودند و بررسی مسئله گروگانها را بیخار انتخابت با یاری به کار بر میداشتند اعتراض میکنند و بدعا از بورژوازی لیبرال و جناح بورژوازی حزب جمهوری کسد خواهان بررسی مسئله پیش از انتخابات بودند برمی خیزند (گذشته از اعمال اصلی یعنی مداحی بورژوازی، این عمل بخاطر انطابق خواست سوسیالیسم امپریالیسم و رژیم جمهوری اسلامی بر - سرائتخابات کارتر بود). رویونیستها در این ارتباط بدعا از کار تر پیرداخته و میگویند: "این واقعیت است که در هر حال جدید سدا از انتخابات آمریکا تصمیم گیری مستوجه نیل از آن، روی موقعیت کاندیداها به یکسان ناشر نمی گذاشت بنا بر این استدلال کسانیکه فکر میکنند اگر تصمیم گیری بعد از انتخابات آمریکا انجام میدهد، هیچ ارتباطی با مسئله انتخابات آمریکا پیدا نمیکرد، درست نیست چرا که در آن صورت حتماً این تعویق عملاً به سود ریکان یعنی نماینده جنایتکارترین و مرتجع ترین امپریالیستهای آمریکا می نما میشد و بیروزی اولمخ و امنیت جهان را بطور جدی به مخاطره خواهد افکند."

پس اگر ریکان نماینده مرتجع ترین و خیانکارترین امپریالیستهای آمریکائی است، لابد کارتر نماینده جناح "خوب" و بشتر دوست! "امپریالیستهای آمریکاست بدین ترتیب رویونیستها به مدعای جناحی از امپریالیسم آمریکا پیرداخته، در درون امپریالیسم نیز جناحی مورد حمایت می یابند و بسا حمایت از کارتر را پیرداخته و میگویند جناح "خوب" را در درون امپریالیسم تقویت کنند! پس فداخیان چها شرط مجلس را بعنوان پیروزی خلقهای ایران معرفی میکنند، (ما در باره این چها شرط در یادداشتهای سیاسی بیکاره ۸۰، سخن گفته ایم برای مقایسه نظرات ما با دیدگاه رویونیستها، آنرا با کار ۸۲ مقایسه کنید.)

ما فقط برای اینکه نشان دهیم، چگونه رویونیستهای طرفدار سوسیالیسم امپریالیسم روس، نمی توانند فدا امپریالیست باشند و تضادشان با امپریالیسم، از مقوله، وحدت و تضاد جهانی امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم است و وحدت در مقابل انقلاب خلقها، وجد عمده، روابط میان امپریالیستها و سوسیالیسم امپریالیسم است. بیروزی برای امپریالیسم را از دیدگاه

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

تلاش ...

حائزین اکثریت (فدائیان) می آوریم:

"شرط اول بدون تردید از نظر سیاسی حائز اهمیت فراوان است. اگر امیرالایم آمریکا اعلام کند که "از این پس" دیگر در امور ایران دخالت نمی کند، این یک پیروزی سیاسی برای جنبش - های فدا میرا لیستی ایران و جهان خواهد بود (؟) و در افق های چیره منجا و زامیرا لیسم جهانی تاثیر بسزای خواهد داشت ... (!؟) خود سند حکومت امیرالایم خواهد بود. این اعتراف خود به موضع دوستان و حاسوسان امیرالایم آمریکا و لیبرالهایی که در کمن نشسته اند، بسیار ناخوشایند است. آب تظهير بر سر امیرالایم آمریکا بریزند، سخت آسیب خواهد رساند." (اتفاقی جریان اعتراف امیرالایم به گنا هائی را اولین - با رجعت قطب زاده لیبرال امریکایی در وزارت خارجه علم کرد و حال فدائیان خلق شرقی زاده را فریب لیبرالها و امیرالایم جیسی و پیروزی جنبشهای رها شیبش قلمداد میکنند!) رویزونیستهای فدایی آب تظهير بر روی امیرالایم می ریزند و میگویند تا امیرالایم را عا بدکنند و پیروزی بر امیرالایم را نماند، تا بودی ارتجاع داخلی (سرما به داری وابسته، ارتش و دولت حامی آن) بلکه قول و قرارهای امیرالایم بگردنند، تیب مداخلی پیروزی ایران به تظهير امیرالایم آمریکا می انجامد و ما هیت پیروزی فدائیان بیست از پیش آشکار میشود.

راه کارگر - آیا میتوان مچ اپورتونیستهارا بموقع گرفت؟

"با ردیگر سخنان ما ثابت بارووس تا شیب گردیده میگفت مشکل است مچ بکنف - اپورتونیست را بوسیله فرمول گرفت، وی به آسانی هم عقب نشینی مینماید، زیرا اپورتونیسم همانا عبارت است از فقدان اصول معین و ثابت." (لنین حباب دیگر منتخبات آناریکلدی، صفحه ۱۴۶)

ما بی آنکه بخوایم در مورد دیدگاه انحرافی راه کارگر نسبت به حاکمیت مسئله کروکاتیا و ... برخورد کنیم انعکاس گویای رژیم برای آزادی کروکاتیا را بر روی راه کارگر نشان میدهم. تاکید ما بر نشان دادن برخورد اپورتونیستی راه کارگر و رزمندگان بخاطر اینست که گوئیم تا چه حد باید تحلیلها بیجان در مورد جنگ حتی برای خودشان نیز متزلزل است و در برخورد واقعیت، برای خاک پاخیدن به چشم هواداران مادق و انقلابیسان چه ها که نمیکنند:

راه کارگر ۴۷ در آستان، هنگامیکه دیگر با رفتن رجائی به نیویورک زده و پیروزمیرا امیرالایم آشکار شده است در برخورد واقعیتی چون روز روشن میگوید:

وقتی جنگ میان ایران و عراق با هجوم

و جنبان و همد حاضره عراق به خوزستان، اعلام و کروکاتیا نشان آغا رسد، ما گفتیم که آمریکا خواهد کوشید از فشارهای ساتی از جنگ، تندید بحران اقتصادی، هزینه سرمایه و از جنگ و نیاز به لوازم بدکی ارتش کد به سلاحهای آمریکائی مجهز است برای به توافقی رسیدن با جمهوری اسلامی و از جمله برای آزادی کروکاتیا حاسوس استفاده کند." (ناکیدا زماست .)

اگر کسی راه کارگرهای پس از شروع جنگ را نخواسته باشد، به اینکار راه کارگر از بیستی این واقعیت روشن را حدس زده است. آفرین خواهد گفت اما اگر خواننده با شد طبعاً از اینکه نیروهای در درون جنبش کمونیستی تا این حد سقوط کرده

● رفقای راه کارگر هنگامی که تحلیلهای یک نیروی سیاسی در خند مت پیروزی قرار گیرد شیوه های پیروزی فریب تود همارا نیز کار میگیرد و آماد ه است، خرفی را که در پیروز گفته، امروز پس بگیرد این راهی که انتخاب کرده امید، اگر بی آن مبارزه نشود انتهای تلخ - پیون رویزونیستهای فدائی خواهد داشت. هشدار که خطر تزد یک است!

● این اساس تحلیل رزمندگان در مورد جنگ ایران و عراق بود: ضد انقلاب معلوب حمله کرده است امیرالایم درصد سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزین کردن حکومتی کارگزار برای سرکوب بلا واسطه انقلاب است. انقلاب در خطر است، بهما خیزید و بجنگید. اما هنگامیکه مسئله کروکاتیا پیش میاید و هواداران رزمندگان مانند همه تود ه های مردم بند و پست رژیم با امیرالایم را به میان مشاهده میکنند، رزمندگان مانند کبک سرس را در بر طرف میبرد و نغمه ای دیگر ساز میکنند.

مانند که با دروغگوئی و امضاء کردن هر فرمول و با فقدان اصول معین و ثابت روز - امروز اپورتونیسمان با عمق می بخشید، جزئیات و جزئیات برای افشاء این اپورتونیسم کساری نخواهد کرد.

اساس تحلیل راه کارگر در مورد عادلانه دانستن جنگ ایران عراق درست خلاف آن جبری است که اکنون راه کارگر برای فریب هوا دارانش به دروغ ادعا میکند. راه کارگر (و نیز رزمندگان) سوق و کرنا درست گرفته و جنگ ایران و عراق را حرکتی از سوی امیرالایم آمریکا برای سرتگونی جمهوری اسلامی قلمداد کرده بودند. راه کارگر که پیش از این نیز در جنبه تفاهای فاحش نظرات اپورتونیستی خود گمراه شده بود، به صراحت میگفت:

"امیرالایم میدواید و از طریق پیروزی - لیبرالها، رهبران جمهوری اسلامی را رام کند و بتدریج راههای مناسب برای همکاری با جمهوری اسلامی را پیدا کند. اما اکنون می بندد که کمای امیدوارکننده ای در این سمت بر داشته نشده است، آمریکا به شرطی حاضر شده بود تن به استقلال سیاسی ایران بدهد که حکومت اسلامی با بهره مندی از نفوذ توده ای خود بخوی واقع بینانه و با سرعتی متناسب با شرایط سرمایه داری وابسته را تجدید سازمان بدهد ولی اینک می بینید که حکومت اسلامی توانائی کافی و سرعت لازم برای انجام این کار را ندارد، و اگر آنجا که افراش تا رفائی مردم را حکومت نتواند توده ای ساتی سربضیف شده است، امیرالایم

لیسم آمریکا موانع سابق را برای اقدام بدر - نکونی تا حدی بر طرف زده می بیند و شرایط منفی برای سرتگونی را تا حد زیادی موجود و از اینجاست که برای سرتگونی رژیم اسلامی تلاش میکند. امیرالایم آمریکا نکون آن است کد اگر به موقع اقدام نکند، بی کفایتی حکومت اسلامی زمینه را برای قدرت گیری نیروهای انقلابی مستعد سازد. راه کارگر و پیروزمیرا نماند تا روز عراق شماره ۴۳، مقاله تری دفاع از بیستی ویا: "با این مقدمات، توطئه امیرالایم آمریکا برای سرتگونی رژیم اسلامی کاملاً طبیعی است، فقط کسانی میتوانند زخموت امیرالایم لیسم حکومت اسلامی شگفت زده باشند که تصاد

● این اساس تحلیل رزمندگان در مورد جنگ ایران و عراق بود: ضد انقلاب معلوب حمله کرده است امیرالایم درصد سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزین کردن حکومتی کارگزار برای سرکوب بلا واسطه انقلاب است. انقلاب در خطر است، بهما خیزید و بجنگید. اما هنگامیکه مسئله کروکاتیا پیش میاید و هواداران رزمندگان مانند همه تود ه های مردم بند و پست رژیم با امیرالایم را به میان مشاهده میکنند، رزمندگان مانند کبک سرس را در بر طرف میبرد و نغمه ای دیگر ساز میکنند.

مناقص میان نیروهای ضد انقلابی برایشان قابل درک باشد." (همانجا) (همانکدها از ماست .)

از این نقل قولها میتوان دهها مورد دیگر یافت. چرا که اساسی و بیاید تحلیل راه کارگر (و نیز رزمندگان) در کماندن توده ها به جنگ همین تحلیل بوده است. راه کارگر (و چنانکه خواهیم دید، رزمندگان نیز) بی کوششند تا ترسانند توده ها از حکومت جدیدی که گویا امیرالایم در بی این جنگ میکوشد بر سر کار بیاورد، توده ها را بدنبال رهروی از جمهوری اسلامی بکشانند (ما نشان خواهیم داد که منخلق خواندن جمهوری اسلامی در حرف، در عمل طوی دفاع راه کارگر از پیروزی حاکم نگرفته است، چرا که مسلمان حرف و عمل اپورتونیستها، فاصله بسیار است .) اما اکنون که بندوبستهای رژیم امیرالایم بر مسئله کروکاتیا آشکار شده و رژیم میخواهد حتی از آمریکا اسلحه بخرد (آیا جنگ با آمریکا، آنهم با اسلحه آمریکائی که امیرالایم به ایران فروخته باشد، هواداران رزمندگان و راه کارگر در مورد تحلیلهای شگرف آنان به اندیشه نمی برد و اپورتونیسم را آشکار میکنند .) تا که این راه کارگر با قیای فدای حق بحانب سکوند تا اول گفتیم که آمریکا در این جنگ بدنبال توافق با رژیم ایران است و از اول گفتیم که این جنگ با عت آزادی کروکاتیا منسوب (راه - کارگر شماره ۴۷) اما بینیم که پیش از این راه کارگر یعنی در شماره ۴۳ راه کارگر در مورد جنگ و کروکاتیا چه میگفت:

تلاش ...

"جنگ ایران و عراق بی تردید مسئله گروگانها تا تیرخواهد گذشت، و این ظاهرا به نفع آمریکا نیست ولی حکومت آمریکا بیش از آنکه نگران سرنوشت گروگانهای آمریکا بیسی باشد نگران سرنوشت نفوذ خود در ایران است." (راهکار، رگر ۴۲)

یعنی جنگ چون خصومت امپریالیسم و رژیم ایران را افزایش میدهد، چراکه امپریالیسم بزمع راهکارگر میخواد رژیم ایران را سرنگون کند. پس بنفع آزادی گروگانها تمام نمیشود! یا للعجب راهکارگر که از اول گفته بود جنگ گروگانها را آزاد میکند. اما اشتباه نکنید، این از اول گفتن آنها مانند زاول گفتن حزب توده در مورد نژاد است. هنگام انتخاب نژاد لیبرال به ریاست صنعت نفت حزب توده در مردم شما را خود به مدح و شنای این انحصار بجا و بموقع پرداخت و وقتی رژیم جمهوری اسلامی او را برکنار کرد، حزب توده فریاد برآورد که ما از اول گفته بودیم این لیبرالها را نباید به قدرت راه داد.

رفقای راهکارگر!

هنگامی که تحلیلهای یک نیروی سیاسی در خدمت بورژوازی قرار گیرد، شیوه هسای بورژوازی فریب داده ها را نیز بکار میگیرد و آماده است حرفی را که دیروز گفته، امروز بیس بگیرد این راهی که انتخاب کرده اید گریبان مبارزه نشود انتهای تلخ چون رویزیونیستهای فدائی خواهد داشت. هندا رکه خطر نزدیک است! در پایان یک سوال از رفقای راهکارگر داریم: اگر به گفته راهکارگر ۴۷ معتقد هستید و ابورتونیست و ابرای فریب هواداران نتان نگفته اید، دیگر به چه علت جنگ ایران و عراق عادلانه است، شما تا کنون تحلیل میکردید چون امپریالیسم آمریکا میخواد جمهوری اسلامی را سرنگون کند و چون جمهوری اسلامی بهتر از رژیم کارگزار امپریالیسم است، پس با یستی در این جنگ شرکت کرد رفقای ما اگر معتقدید آمریکا با رژیم ایران در صدد توافق است (و اینرا گویا از اول هم میگفتید!!) پس پایه و اساس تمام تحلیلها بیتان در مورد عادلانه دانستن این جنگ فرو ریخته است! راستی فردا این تحلیل فرو ریخته را چگونه رنگ و لعاب خواهد دید؟

رزمندگان و سیاست رویزیونیستی، تحلیل از واقعه ای تا واقعه ای دیگر

"سیاست رویزیونیستی عبارت از تعیین روش خود از واقعه ای تا واقعه دیگر تطبیق حاصل کردن با حوادث روز و با تغییرات وارده در جزئیات سیاسی، فراموش کردن منافع اساسی پرولتاریا و ... (لنین - مارکسیسم و رویزیونیسم - منتهیات یک - جلدی - صفحه ۲۳)

تحلیل مادر مورد جنگ ایران و عراق از ابتدا

روشن بود جنگی نا عادلانه میان سرمایه داران حاکم بر دو کشور ایران و عراق سودا امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم از این جنگ را نیز در همه آنها رخود نشان داده ایم. (رجوع کنید به یادداشت های سیاسی بیکار ۷۵) اما با تقویت گرایش رویزیونیستی رزمندگان بعلت تندپیچ جنگ، آنها نیز مانند راهکارگر صحبت از این کردند که امپریالیسم آمریکا با برافروختن آتش این جنگ قصد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را دارد و بدین ترتیب "چون جمهوری اسلامی ارتجاعی است و چون حکومتی که آمریکا روی کار خواهد آورد، ارتجاعی تر، پس ما باید درقبال ارتجاعی تر، خود را به کام ارتجاع بیاندا زیم" (رجوع کنید به ضمیمه بیکار ۷۹، رزمندگان: ما رگسیسم یا رویزیونیسم)

ما بی آنکه بخواهم بطور مطلق یک کودتای آمریکا را رد کنیم، گفته ایم که سیاست فعلی امپریالیسم آمریکا در واقع حمایت از لیبرالها و تقویت جناح مورد نظر خود در هیئت حاکمه است. ما گفته ایم و میگوئیم که برای نیل به این مقصود امپریالیسم دست به فشاها میزند. اما گفته ایم و خواهم گفت که جنگ ایران و عراق ربطی به سرنگونی جمهوری اسلامی ندارد و همان طور که در بیکار ۷۵ گفته ایم، تنها به تقویت جناح مورد نظر امپریالیسم مدد میرساند. اما رزمندگان تحلیل خود را بر این "تزار استوار کرد که گویا امپریالیسم در صدد سرنگونی جمهوری اسلامی است. ضد انقلاب مغلوب در صدد حاکمیت دویا راه است و مقوله ارتجاعی و ارتجاعی ترو... ما برای زیاد شدن مطلب فقط یک نقل قول رزمندگان را در این مورد می آوریم:

"جمهوری اسلامی... از آنجا که پایگاه مستقیم امپریالیستها نبوده و بویژه جناح خرده بورژوازی آن موافق حضور انحصارات در حاکمیت نیست، با حفظ همین ترکیب نمیتواند، منافع امپریالیسم را تامین کرده و حفاظت از سیستم سرمایه داری و وابسته را بعهده بگیرد از این روست که امپریالیسم و عوامل مزدور و وابسته به آن و بورژوازی خارج از حکومت که ما آن را ضد انقلاب مغلوب میخوانیم، در صدد سرنگونی این حکومت و سرکوب مستقیم و بلاواسطه کارگران و زحمتکشان می باشند." (رزمندگان شماره ۲۳، [تا کید همه جا از ما است]) این اساس تحلیل رزمندگان در مورد جنگ ایران و عراق بود: ضد انقلاب مغلوب حمله کرده است امپریالیسم در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و جایگزین کردن حکومتی کارگزار برای سرکوب بلاواسطه انقلاب است. انقلاب در خطر است، بیبا خیزید و بجنگید. اما هنگامیکه مسئله گروگانها بیش می آید و هواداران رزمندگان مانند همه توده های مردم بندوبست رژیم امپریالیسم را بعین مشاهده می کنند، رزمندگان مانند کبک سرش را در برف فرو می برد و نغمه ای دیگر ساز میکند:

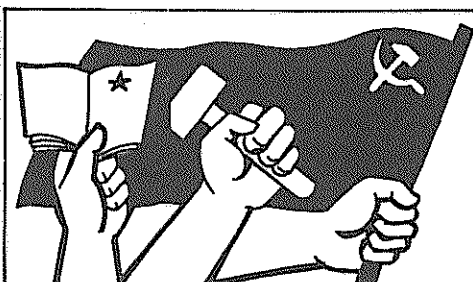
"آمریکا اگر تا کنون نتوانست رژیم حاکم را ساقط کرده و انقلاب ایران را سرکوب نماید،

اما قادر است که با استفاده از جنگ ایران و عراق فشارهایی که این جنگ بر جنبه اقتصادی و نظامی رژیم ایران وارد می نماید، تکا به تقویت بورژوازی ایران در کوتاه مدت جنگ سعی نماید تا رژیم ایران را رام نماید." (رزمندگان شماره ۲۵)

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ناگهان به رام شدن جمهوری اسلامی بدل میگردد و رزمندگان عصبانی از سایش "خرده بورژوازی ضد خلق - ضد امپریالیست" فرمان افتادن خرده بورژوازی را بسرا شیب استحاله به بورژوازی مادری میکند (رزمندگان شماره ۲۷)، تا ترهای ورشکسته رویزیونیستی اش را نجات بخشد. رفقای رزمندگان! تحلیل کردن از این واقعه تا واقعه دیگر مرتب پوست عوض کردن و با هر تغییر جزئی در سیاست، تحلیل دیگر ساز کردن، عبارت از سیاست رویزیونیستی است. چطور شد تا دیروز هدف جنگ سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی بود، ولی پس از تلاش رژیم برای آزادی گروگانها، سخن از رام شدن و توافق جمهوری اسلامی با آمریکا کردید؟ و از آن مهمتر، اگر واقعا اعتقاد دارید، امپریالیسم در صدد سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نیست و دیگر ضد انقلاب مغلوب نمی خواهد حاکم شود، این مسئله چه تاثیری بر تحلیل جنگ شما میگذرد؟ اگر امپریالیسم و رژیم میخواد هندا زش کنند، پس جنگ ایران و عراق ادا مدکدام سیاست است؟ و کمونیستها چه باید میکنند؟ رفقا اگر فردا با زنگمه دیگری ساز نخواهید کرد تا به بورژوازی مددبرسانید و جنگ غیر عادلانه کنونی را بسود جمهوری اسلامی تبلیغ کنید و اگر به گفته خود در رزمندگان ۳۵ معتقدید، بنا بر این تمام گفته های پیشینتان باطل میشود و در این صورت شما باید سخن بگوئید چرا جنگ عادلانه است؟

رفقای رزمندگان!

بسمت ورطه خطرناکی حرکت میکنید، اتخاذ سیاست از این واقعه تا واقعه دیگر، تخرود بورژوازی ضد خلق، ضد امپریالیست، تزلزلات تا در مقابل رویزیونیسم و سوسیالیسم امپریالیسم و ترهای انحرافی تا در مقابل حاکمیت به تدریج شما را به سوی رویزیونیستهای خروشجفی میراند، تنها با طرد انقلابی این ترهسای رویزیونیستی میتوانید، از سقوط خود جلوگیرید.



پیام به نژادهای جنگ زده ایران و عراق

چو غم از دست دادن والدین و فرزندان و حتی خود، آوارگی، بیکاری و فلاکت خویش را به نصرت از سر پایه داران حاکم برد و کشور ایران و عراق و نیروی برای گسترش انقلاب زحمتکشان تبدیل کنیم!

زحمتکشان ن اغدار و جنگ زده ایران و عراق!

میدانیم که در سوگ نشسته اید، میدا نیم که شما را در سوگ نشاندند، در سوگ فرزندان بی گناهی که در جبهه های جنگ غیرعا دلانه زهر دو طرف کشته میشوند، در سوگ کودکان و زنان و مردانی که در میمبارانها و بمب و توپ بستن شهرها و مناطق مسکونی توسط ارتشهای ضد خلقی دو کشور کشته میشوند، میدا نیم که غم آوارگی بی مسکنی، بی غذایی، بیماری شوهینهای - مقامات ارتجاعی کشورهایتان به نژادهای جنگ زده، بیکاری، گرانای و فلاکت چون کوهی بر - سینه های استوارتان سنگینی میکند . آری شما را به سوگ فرزندانانتان نشانده اند پدرتان، همسران، مادرتان یا فرزندان را کشته اند، شما را به فلاکت کشانده اند و به یک کلام، آسیاب جنگ غیرعا دلانه کنونی را با خون شما زحمتکشان گردانده اند و این تمام نصیب شما از این جنگ میان سرمایه داران دو کشور است . **قرنهاست** که آرا به جنگ، توده ها را زیر خود له میکند، از هتنگا می که ما مع به طبقات استعمار - گروا استعمار شونده تقسیم شد، جنگ نیز پدید آمد، ما با اینهمه ما کمونیستها با هر جنگی مخالف نیستیم. جنگها شی هست که بردگان دهقانان، کارگران و زحمتکشان و توده های تحت ستم بر علیه برده داران، فئودالها، سرمایه داران و امپریالیسم برپا کرده اند و میکنند و جنگها شی نیز هست که برده داران، فئودالها، سرمایه داران و امپریالیستها بر علیه هم راه می اندازند. جنگ - های نوع اول عا دلانه است و ما با تمام توان در آن شرکت میکنیم، جنگهای نوع دوم ارتجاعی و غیرعا دلانه است، ما آنرا محکوم میکنیم. در جنگ - های نوع اول زحمتکشان بر علیه ستم و استعمار و برای ورهائی خود از قید طبقات استعمار رگمی - جنگند، چرا که بدون این جنگها، زحمتکشان نمی - توانند دشمنان خود را نابود کنند. جنگ - کارگران روسیه بر علیه سرمایه داران در ۱۹۱۷، جنگ خلقهای چین، ویتنام، آلبانی، کوه و ... بر علیه امپریالیسم مبارزه خلق فلسطین علیه صهیونیسم و امپریالیسم قیام خونین بهمن ۵۷ بر علیه شاهنشاهی و امپریالیسم آمریکا و جنبشهای مقاومت مسلحانه خلق کردا ایران بر علیه جمهوری

این جنگ حزب دیکتای و فلاکت برای شما به ارمغان نیا ورده است. کارگران به بیانه جنگ به افزایش تولید، یعنی افزایش استثماری دعوت میشوند، جوخقان و سرکوب زحمتکشان و انقلابیون در دو کشور تشدید شده است، با رنگین خرید و تسلیحات نظامی بردوش زحمتکشان دو کشور قرار دار دجیره بندی مواد غذایی و سوخت، گرانی - بیش از حد بنزین و کالاهای اولیه زندگی، در زمستان سرد آینه سرما، گرسنگی، فقر و فلاکت بیشتری را به زحمتکشان، تحمیل خواهد کرد .

زحمتکشان ایران و عراق!

بازماندگان و خانواده های قربانیان جنگ!

قاتلان فرزندانانتان در جبهه های جنگ سرمایه داران حاکم بر کشورتان هستند. کشتار کنندگان و عاملین اصلی مرگ توده ها در شهرها و دهات با بطلت میمبارانها و به توب بستن ها، کسانی هستند که این جنگ را بسودا میریالیسم بر فروخته اند، یعنی رژیمهای ضد خلقی بعث عراق و جمهوری اسلامی ایران، عامل اصلی آوارگی و از هستی ساقط شدن شما، بیماری، بی مسکنی و مرگ و میر فرزندانانتان، دولت های حاکم بر ایران و عراقند . جمهوری اسلامی مناطق مسکونی عراق را میمباران میکند و زحمتکشان عراق را میکند و رژیم بعث عراق، خوزستان، غرب کشور و سایر نقاط را با خاک و خون میکشد، این دود دولت، جلادان خلقهای کشور خود و کشور دیگرند . نفرت خود از این جنگ و از اعلان این جنگ را به صورت شیروشی در جهت سرنگونی سرمایه - داری و ابسته در کشور خود در آوریم. غم از دست دادن فرزندان و والدین و هستی خود، آوارگی بیکاری و فلاکت خویش را به نفرت از سرمایه داران حاکم برد و کشور و نیروی برای گسترش انقلاب زحمتکشان تبدیل کنیم .

فریا دخود را بر علیه این جنگ ارتجاعی بلندتر کنیم، دولت های سرمایه داری ایران و عراق، این عاملین جنگ ارتجاعی را نسزد توده ها بیشتر و بیشتر افشا کنیم، جنبش اعتراضی بر علیه این جنگ ارتجاعی و عاملین آنرا تارک ببینیم در جنبش آوارگان جنگ برای بهبود وضع زندگی فعالانه شرکت کنیم. جنبش اعتراضی بر علیه گرانی، بیکاری و فلاکت بیش از پیش زحمتکشان را تارک ببینیم مبارزه علیه جنگ ارتجاعی را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم. سازمان بیکارا در راه آزادی طبقه کارگر به خلقهای ایران و عراق بخاطر از دست دادن هزاران فرزندان تسلیمت میگوید و تاپای جان در جهت منافع زحمتکشان به افشای جنگ ارتجاعی کنونی و عاملین آن به نبرد علیه ارتجاع و امپریالیسمی پرداختد . بقیه در صفحه ۲۲

اسلامی و خلق کرد عراق بر علیه رژیم بعث عراق از این جمله اند. اما جنگهای نوع دوم - برای منافع سرمایه داران و طبقات استثماری انجام میگیرد، مانند جنگهای پادشاهان ایران و روم لشکرکشی ایران به هند، جنگهای ملیتی جنگ - های پادشاهان اروپا با یکدیگر، جنگ جهانی اول، هندو با کستان، ترکیه و یونان، سومالی و تیوی، عراق و سوریه و ... همینطور جنگ ایران و عراق در این جنگها زحمتکشان این - کشورها در جهت منافع سرمایه داران کشور خود به گشت دم توب تبدیل میشوند .

سرمایه داران دو کشور ایران و عراق برای منحرف کردن مبارزات توده هایشان بر علیه ارتجاع و امپریالیسم، برای توسعه طلبی یکی برای ایجاد عراق بزرگ و دیگری برای صدور انقلاب اسلامی، یکی برای صدور ارتجاع بعثی و دیگری برای صدور به اصطلاح انقلاب اسلامی یکی برای لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر که شاه خائن به زور به عراق تحمیل کرده بود و دیگری برای حفظ امتیازاتی که شاه گرفته بود و خلاصه برای حفظ منافع سرمایه داران دو کشور، جنگی - ارتجاعی برپا انداخته اند که سودش به جیب امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم می رود که سلاحهای گران قیمت خود را به قیمت غارت بیشتر زحمتکشان به این دولتها بفروشد و با تقویت جناحهای مورد نظرشان در این دولتها، آنها را بیشتر و بیشتر بخود وابسته سازد و دودش بسسه چشمان توده های تحت ستمان می رود که با یسد با رنگین کشتارها و گرانی و فلاکت بیش از پیش را به دوش بکشند .

زحمتکشان دو کشورتان و ان جنگی را می - بردا زند که ادا مه سیاستهای پیشین طبقات سرمایه دار ایران و عراق است، سیاستهای ارتجاعی که پیش از جنگ نیز در جهت منافع امپریالیسم بود و اکنون نیز بر ضد منافع زحمتکشان است در ادا مه همان سیاستهای پیشین بر علیه زحمتکشان، کارگرانی که تا دیروز بشت استعمار میشدند، امروز کشته میشوند، بیش از جنگ زحمتکشان در کارخانه ها و مزارع برای سرمایه داران حاکم برد و کشور جان می کنند، اکنون در جبهه ها جان میدهند، تا دیروز در کارخانه ها تفنگ و فشنگ می ساختند و امروز آنرا بر سینه براداران طبقاتشان خالی میکنند .

مبارزه علیه جنگ را به اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

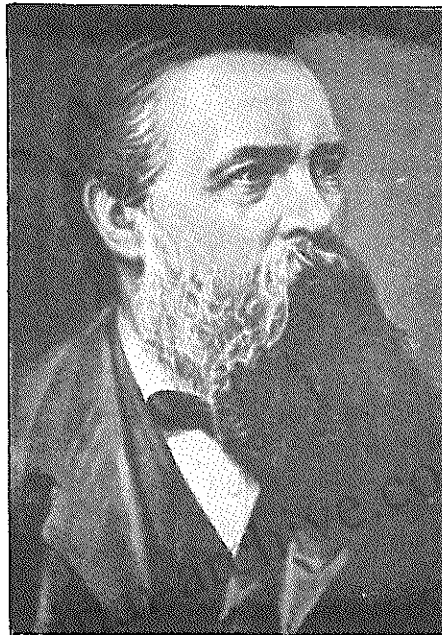
صد و شصت و یکمین سالگشت تولد فریدریش انگلس آموزگار کبیر پرولتاریا گرامی باد!

۱۸۹۵-۱۸۲۰

روز ۲۷ آذر (۲۸ نوامبر) مصادف است با یکصد و شصت و یکمین سالگشت تولد یکی از بنیان گذاران سوسیالیسم علمی: فریدریش انگلس بیش از یک قرن و نیم جنبش کارگری - کمونیستی جهان با نام او مترادف است و لنین کبیر حق داشت که او را "آموزگار پرولتاریا" بنامد، انگلس همراه با کارل مارکس بنیانگذار فلسفه علمی تحسول شگرفی را در روند مبارزه طبقاتی پرولتاریا بوجود آوردند.

انگلس با تفاق مارکس سوسیالیسم علمی را بنیان نهاد و نشان داد که با آن باید چون علم رفتار کرد. او با آثار فلسفی خود ضربات مهلکی بر ایده آلیسم حاکم بر جنبش کارگری و آثار دانشمندان بورژوازی و "رهبران بورژوازی" جنبش کارگری اروپا در آن زمان وارد ساخت انگلس با کتاب "آنتی دورینگ" ژرف بینی ما تریا لیسم دیا لکتیک را نمایانتر ساخت و راهنمای جدیدی در برابر کارگران، روشنفکران پرولتری قرار داد، او و مارکس سوسیالیسم را از تخیل به علم تکامل بخشیدند و آن را چراغ راهنمای پرولتاریای جهان در نبرد تاریخیشان با سرمایه داری تبدیل کردند. انگلس به کارگران سراسر جهان آموخت که برای پیروزی بر سرمایه داران زالوافت، باید سوسیالیسم علمی را فرا گیرند و خود با آثار متعددش ستاره راهنمای آموزش پرولتاریا گشت. انگلس هم رزم کبیر مارکس در کناره رقیبش تدوین کننده بنیان سه جزء اساسی مارکسیسم، فلسفه، اقتصاد و مبارزه طبقاتی است.

اهمیت نقش انگلس در جنبش کارگری و کمونیستی جهان فقط به حیثه تئوریک و تدوین



آثار فلسفی و جمع بندی مبارزه طبقاتی محدود نمی شود. انگلس در کناره هم رزمی مارکس، سازمانده جنبش کارگری جهانی و بنیانگذار انترناسیونال اول و نیز چندین حزب پرولتاریا - یایی در اروپا بود. انگلس نه تنها یک تئورسین برجسته، بلکه یک سازمانده و انقلابی پرشوری بود که از این کشور به کشور دیگر تبعید میشد و با زور همه جا بذرا انقلاب میکاشت. از درون جنبش توده ها، انقلاب را رهبری میکرد و ستاورد - های شکست ها و پیروزی ها را با تکیه بر سوسیالیسم علمی برای کارگران جهان فرموله میکرد. او امروز همین تجربیات و آثار است که راهنمای انقلابهای پرولتری در سراسر جهان

میشد. برای نشان دادن جهرا انگلس بعنوان یک انقلابی پرشور به نقش رهبری کننده اش در انقلاب آلمان اشاره میکنیم. هنگامیکه آتش انقلاب ۱۸۴۹ در آلمان شعله ور میگشت انگلس و مارکس در کناره مارکسیست - های انقلابی آلمان روزنامه "راین جدید" را منتشر میساختند. هنگامیکه نبرد تعیین کننده در برن ۱۸۴۹ نزدیک گردید، لحن روزنامه در هر شماره خشن تر و هیجان انگیز تر شد و آنها بیش از پیش مورد تشاجام "مبرا طوری" قرار گرفتند و بمقابله برداختند:

"در خارج و در داخل امبرا طوری" این تعجب ابراز میگشت که ما چگونه در درون یک قلعه بروسی در جه اول، در مقابل یک یادگان هشت هزار نفری و در روبروی پاسگاه ایمن چنین خونسرد فعالیت خود را ادامه میدادیم لیکن با توجه به هشت تفنگ و سرنیزه و ۲۵۰ فشنگ در اطاق هتایت تحریریه، و کلاه قرمز ژاکوبینی حروف چینی ها، افسران عمارت ما را نیز دژی میشناختند که با تردستی قابل تسخیر نبود. (انگلس: "مارکس و روزنامه راین جدید")

بنابره نوشته لنین، انگلس سه بار راجا بنازانه در صف اول نبردهای خیابانی در کناره پرولتاریا شرکت کرد و نشان داد که رهبران پرولتاریا نه فقط تدوین کنندگان تئوری عملی انقلاب بلکه بیشتازان جبهه نبرد نیز هستند.

امروزه که مارکسیسم لنینیسم تحت پرورش های رویزیونیستی (از سوسیال امپریالیستیهای روسی گرفته تا مرتدان رویزیونیست "سه جانی") و اپورتونیست ها قرار گرفته، بکارگیری درس های ارزنده انگلس، این آموزگار کبیر پرولتاریای سراسر جهان، اهمیت بسزائی در پالایش اندیشه های نیروهای کمونیستی و کارگری از هرگونه انحراف و رویزیونیسم و اپورتونیسم در جلوه های مختلف بروز آنها دارد. بزرگداشت واقعی انگلس، آموزش مارکسیسم لنینیسم انقلابی و بکار بستن درس های ارزنده این رهبر جنبش کمونیستی جهانی است.

بقیه از صفحه ۱۹ پاسخ ...

رفیق طراح - م ۱۹۲ از کرج

دو طرحی که فرستاده اید، از نقطه نظر مواضع سازمان در قبال جنگ موفق بود، اما از لحاظ تکنیکی اشکالاتی داشت که کار بیشتر در جهت واقع گراییی تصویرها را از جانب تو غلب میکند. طرح شماره ۱ که خلقهای عراق و ایران را بشکل خرچ اسلحه تنها حمی رژیمهای دوکشور در جنگ غیرعا دلانه (گوشت دم توپ بودن خلقهای دوکشور) نشان میداد موفق بود.

طرح شماره ۲ خصوصیات سر فایده داران دوکشور از نظر تصویری نشان نمیداد که باید از علاقمندی تصویری از قبیل پرچم، لباس یا نوشته ... در

جهت نشان دادن آنها بهره برد.

باز هم برای ما طرح بفرستید و بیه و اتمع گراییی از نظر تصور توجه کنید. موفق باشید!

* - نام کلیه رفقائی که اسم آنها را در زیر می آوریم، بدستمان رسیده، با تشکر از تمامی آنها نظرات، پیشنهادات و انتقاداتشان را مورد توجه قرار خواهیم داد:

- رفقا: س، ح، از تهران - س، د، از تهران - نیما پ. ب، دانش آموز - ن، الف - ن - م، ی - رفقای گود - ب - ۲۵ - الف - ع، هاهواز - ح - رفیق کشا و زالف - ورا مین - س - م از

بقیه از صفحه ۲ سرمقاله ...

بیشتر دان من خواهدد، زمستان سردا سال، مسا شاه شعله های فروزان و گرما زای جنبش توده های خواهم بود، بکوشیم تا نقش بیستروانده خویش را در برافروختن این شعله ها و گسترش آن، بلشویک - وارا بیا نمائیم!

کمکهای مالی دریافت شده

تهران: بوشهر:	ک	ک	ک
ب	۴۵۰۰	۵۵۰۰	۵۵۰۰
۶۶۰۰	۱۱۷۰۰	۷۰۰۰	۶۲۰۰
۵۰۰۰	۷۰۰۰	۶۲۰۰	۹۰۰۰
۸۰۰۰	۵۹۰۰	۱۳۰۰۰	۹۰۰۰
۱۲۳۰۰	۱۲۳۰۰	۱۰۰۰۰	۱۱۰۰۰
۱۲۳۰۰	۲۶۰۰	۲۵۰۰	۲۳۰۰۰
۱۲۵۰۰	۱۱۳۰۰	۶۵۰۰	۱۱۲۶۰
۷۸۰۰	۶۲۰۰	۱۱۰۰۰	۲۰۰۰
۱۵۵۰۰	۱۱۰۰۰	۲۰۰۰	۶۱۰۱۰
۱۲۲۰۰	۱۲۶۰۰	۱۰۹۰۰	۶۴۰۰
۳۲۹۹۰	۸۸۰۰	۱۹۰۰	

رفقای که بدون کد و اول اسم بر ایمان کمک ارسال کرده اند:

الف - ۱۰۰۰۰ ریال
الف - ۲۰۰۰۰ ریال
الف - ۴۰۰۰۰ ریال
الف - ۲۰۰۰۰ ریال

ب ۹۰۰۰ ریال
ز ۹۰۰۰ ریال
ش ۶۰۰۰ ریال
ش ۴۰۰۰ ریال
Z - ۴۰۰۰۰ ریال
م - ۹۰۰۰ ریال
ک م - ۱۲۰۰۰ ریال
ک ب - ۱۵۰۰۰ ریال

رفیق کارگر م. ۲۵۰۰ ریال
رفیق کارگر ه. ۱۵۰۰۰ ریال
رفقای کارگر ح. ۱۰۰۰۰ ریال
رفیق ۲۷ - ۱۰۰۰۰ ریال
م - ۱۰۰۰۰ ریال
م - ۴۰۰۰ ریال
رفیق سرباز ۲۵۰۰ ریال
مادر مبارز ۱۰۰۰۰ ریال
فریده ۱۰۰۰ ریال
هیوا ۵۰۰۰ ریال
رفیق بزنگ یک با بند ۱۰۰۰ ریال
رفقای بی سیم و شوش ۳۵۰۰ ریال
دانشجویان شرق هدیه تان رسید
اشرفیهات رسید.

رفیق مادر ۱۰۰۰۰ ریال و لباس برای پیشروگان کارمندان شرکت مخبرات ۶۰۰۰۰ ریال
جمعی از دانش آموزان جنوب ۱۸۰۰ ریال
د ز (هدیه یک زحمتکش) ۱۰۰۰ ریال
ر س س آ ۲ هدیهات رسید.
رفیق کارمند ۳۷ - ۱۰۰۰ ریال برای افسای هرچه بیشتر ما هیت ارتجاعی جنگ
رفقای هسته کارگری پتک ۲۰۰۰۰ ریال.

اهواز:
۱- الف ۵۰۰۰ ریال
۲- ر ۵۰۰۰ ریال
۳- رفیق آرام هدیهات رسید.

خرم آباد:
مرا د دانش آموز ۱۰۰۰ ریال.

اصفهان:
ح - ۱۲۴۰۰ ریال

شوشتر - رفقای هوادار ۴۰۰۰ ریال.
لائی - جوانان مبارز ۲۰۰۰۰ ریال.
شیریز - رفیق کارگر قصاب ۵۰۰ ریال.
ترکیه - رفقای هوادار ۶۰۰ دلار.

بروجرد: رفقای دانش آموز (درفش) ضمن ارسال ۶۰۰۰ ریال نامه تبریر برایمان فرستاده اند.
این پول بوسیله عده ای از دانش آموزان هوادا رسیکار در مدرسه راهنمایی "سعید محسن" بروجرد برای سازمان فرستاده شده است که بسا

سرکوب طلاب مبارز قم

طلاب و محصلین "علوم دینی"، با غلب از خانواده های زحمتکش و خرده بورژوازی نشات یافته و برخلاف زعم و مراجع روحانی، نیروهای دمکرات درون نهاد روحانیت از درون طلاب برخواستند. رژیم جمهوری اسلامی میکوشد گرایش های انقلابی و دمکراتیک درون این نهاد را سرکوب نماید. خبرهای زیر نمونه هایی از این سرکوب را نشان میدهد:

* - مدتی پیش دادگاه ویژه روحانیت، که ریاست آنرا آذری غمی بعهده دارد، شهریه (حقوق) ۱۵ تن از طلاب را "بجرم" هواداری از مجاهدین قطع میکند. با مراجعه این ۱۵ نفر و مدرسین آنها به دادگاه ویژه، پاسخ داده می شود که دادگاه حاضر است حقوق آنها را محدودا برقرار کند اگر آنها دوکار را انجام دهند، یکی اینکه اظهارات و متنفر کرده، بگویند مجاهدین منافع هستند تا رسماً منتشر شود. دوم اینکه گروههای مبارز طلبه ها و روحانیون را معرفی کنند. هیچکدام از این شرایط مورد قبول واقع نمیشود. این ۱۵ نفر دارای سوابق مبارزاتی هستند و عموماً در خیزش ۱۵ خرداد ۵۴ فیضیه شرکت داشته اند. یکی از آنها بنا مرمی است که در سالهای ۵۳ - ۵۲ در مساجد قدم فیلم ویتنام را نشان می داده است و بخاطر اینکار از طرف آیت الله مرعشی نجفی تکفیر میشود، و همچنین به ۴ سال زندان در رژیم گذشته محکوم شده بود. فرد دیگری درزی نام دارد عضو یک گروه انقلابی صلح (در زمان شاه) بوده و در رژیم قبلی دوباره اعدام محکوم شده بود.

* - یک نفر از طلاب بنا مالک رقابی را به "جرم" طرفداری از مجاهدین، به خلع لباس، قطع حقوق، یکماه زندان و ۲۵ ضربه شلاق و اقامت اجباری در قم محکوم کرده اند. این شخص در قضا در مجلس ترحیم دومجا هد که در دریا غرق شده بودند کشته بود، یکی از این مجاهدین در برابر رفتن به کردستان (حین سر بازی) مقاومت کرده است.

مهارت و زحمت زیادی بدست آمده است. وما چون فهمیدیم که سازمان احتیاج زیاد به کمک مالی ما دانش آموزان و دیگر رفقای هوادار را در تصمیم به فرستادن این کمکها کردیم. و با زهم منتظر کمکهای مالی دیگر مایاشید. درفش، بی، بی، بی.

اراک:
ر - ع - م - ۱۱۰۰ ریال
تامی ۲۱۰۰ ریال
رفیق ع - مادر ۱۵۰۰۰ ریال

کمکهای مالی بدون اسم و کد:
۲۷۵ دلار و ۳۰۰۰۰ ریال برای کردستان.
۳۰۰ دلار و ۱۰۰۰۰ ریال

توضیح در مورد کمک مالی:
رفقای که برای سازمان کمک مالی ارسال میکنند حتماً کد و یک حرف را فراموش ننمایند. متشکریم.

آمار سخن میگوید!

"رژیم جمهوری اسلامی" بارها ثابت کرده است که از آگاه شدن مردم ما هراس دارد. اخراجها "با کسری" های دسته جمعی معلمین، ناشی از همین هراس رژیم از انتقال آگاهی به دانش آموزان میهن ما است. ارقام زیر که تعداد اخراجیان برخی مناطق را تا نیمه اول آبانماه نشان میدهد خود گویا ترا زهر مطلق، سیاستهای ارتجاعی رژیم را نسبت به فرهنگیان مترقی و متعهد و انقلابی نشان میدهد.

* - در فارس ۱۵۰۰ نفر معلم ممنوع التدریس شده اند (اخیراً ۵۳ نفر را با تعهد به کار برگردانده اند).

* - در استان کرمانشاها، ۵۰۰ نفر معلم را آماده خدمات اعلام کرده اند و منتظر ننگه لایحه پاکسازی به تصویب "مجلس اسلامی" بردن آنها این عده را اخراج نمایند.

* - در شهر صحنه (کرمانشاها) ۵۹ نفر از معلمین را از طریق نامه های بدون تاریخ و امضاء معلق اعلام کرده اند. مردم محنه از معلمین انقلابی پشتیبانی میکنند.

* - در بروجرد، ۱۳۳ نفر از معلمین از کار اخراج شده اند.

* - در شیراز ۱۵۳ معلم از کارشان برکنار شده اند. به تازگی بدانشگاه کاسانی حکم اخراج معلمین مبارز و آگاه را امضاء کرده اند، نمونه ای میاوریم:

درا و جیلانم رئیس هیات پاکسازی "احمد - و تاش" نامدار دارد. وی از اعضای بسیار فعال حزب رستا خیز، کاندیدای حزب رستا خیز در مجلس شاه و از گردانندگان برنامه های "آبان" بود و پس از جنبش تهرانی میز مردم تبریز در سال ۱۳۵۶ بسا وقاحت به توده های انقلابی تبریز حمله کرده است. توضیح این نکته ضروریست که آن عسده از معلمینی که در اثر مبارزه خود و پشتیبانی مردم حکم پاکسازی به کار گرفته اند، همچنان ممنوع التدریس هستند و شغل دفتری به آنها داده اند.

بقیه از صفحه ۲۵ ملاحظیات ...

بود. ولی اگر فکر میکنید که پس از آن همه افشاگری نیروهای انقلابی و مترقی و بس از آفتاب شدن همکاران صمیمانه "ما شاء الله خان" با سیا و جاسوسان آمریکائی، وی با زداشت و احیاناً مجازات شده است، سخت در اشتباه هستید. جوا ب شما را خود ما شاء الله قصاب میدهد:

"رئیس دادگاه از وی پرسید در شرایط حاضر در کجا مشغول هستی؟ ما شاء الله قصاب پاسخ داد جز و پاسداران زندان قصر و زیر نظر آیت الله خلخالی فعالیت میکنم" (گپها، پنجمین شماره ۲۹ آبان، صفحه ۹).

مثل معروفی است که کیو تر با کیو تر، باز با باز. ... همکاران خلخالی قاتل نمیتواند کسانانی حیز خاشنین و جاقو کسانانی جز ما شاء الله قصاب ها باشد، اگر غیر از این میبود جای تعجب داشت!

★ ★ ★

بمناسبت سی و هفتمین سال انقلاب آلبانی

آلبانی سوسیالیستی و دستاوردهای درخشان سوسیالیسم

در آوریل ۱۹۴۹، بدنبال خیانت رژیم فئودال - بورژوازی حاکم، ایالتی فاشیست آلبانی را اشغال کرد. اما خلق دلاور آلبانی بلافاصله سلاح بدست به مقابل با متجاوزین برداشت و برای کسب استقلال و آزادی در راه انقلاب به پیش رفت.

در جریان مبارزه فدائیسوی و بدنبال مبارزات سیاسی - ایدئولوژیک درون جنبش کمونیستی، در ۸ نوامبر ۱۹۴۱ حزب کمونیست آلبانی به رهبری رفیق انور خوجه بوجود آمد. حزب یزودی به ستاد فرماندهی توده‌های انقلابی به سال زمان دهنده مبارزات آزادیبخش و به ایام بخش انقلاب توده‌های آلبانی تبدیل گردید. در جریان مبارزات توده‌های حزب به تشکیل "جبهه‌های بخش ملی" همت گماشته و مبارزات مسلحانه توده‌های را گسترش بخشید. در این مبارزات طبقه کارگر نقش بسیار فعال بازی کرده و رهبر مبارزات را رهائی بخش بود. او با دلاوری تمام توده‌های زحمتکش شهر و روستا را به گرد خود متحد ساخته، پیروزمندان انقلاب دموکراتیک - ضد امپریالیستی را به سرانجام خود رساند و در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۴ قدرت جدید توده‌ای و انقلابی را مستقر ساخت. در چنین تاریخی بود که خلق آلبانی تحت رهبری طبقه کارگر و حزب کمونیست او، سلطه فاشیست و امپریالیستی و ارتجاع خدایی را نابود ساخت و انقلاب توده‌ای را به پیش روی رسانید. طبقه کارگر قهرمان آلبانی پس از این پیروزی با عزمی استوار قدم در راه ساختمان سوسیالیسم نهاد.

دستاوردهای اقتصادی آلبانی

نخستین کنگره حزب کمونیست آلبانی در نوامبر ۱۹۴۸ در تیرانا برگزار گردید. این کنگره وظایف اساسی حزب را در دوران دیکتاتوری پرولتاریا و در آغاز ساختمان سوسیالیسم تعیین نمود. در عرصه اقتصاد، صنعتی کردن سوسیالیستی و سازماندهی نوین کشاورزی بر مبنای سوسیالیستی جهت تبدیل آلبانی از یک کشور کشاورزی عقب مانده، به یک کشور کشاورزی - صنعتی سوسیالیستی در دستور کار قرار گرفت. طی ۶ برنامهای اقتصادی پنجساله، پایه‌های مستحکم اقتصادی مستقل و سوسیالیستی ریخته شد. اقتصادی که هدف برآورده شدن نیازهای کارگران و زحمتکشان را تعقیب می نمود. طی سالهای ۱۹۳۸ تا ۱۹۷۹ سهم تولید صنعتی در کل تولید ۶۷٪ به ۶۴٪ افزایش می یافت و

بدین ترتیب آلبانی از یک کشور عقب مانده به یک کشور مدرن سوسیالیستی تبدیل می شود. در دوره ۱۹۵۱ تا ۱۹۷۰ آهنگ متوسط رشد سالانه اقتصاد توده‌ای در زمینه‌های مختلف به این ترتیب بود: تولید اجتماعی کل ۸٪، درآمد ملی ۷٪، تولید صنعتی ۱۲٪، تولید کشاورزی ۵٪. این سرعت از آهنگ رشد سالانه آن بود که سوسیالیسم زنده و خلاق است. این مسئله بروشنی

می بایست بدرکام بورژوازی سخته کنند. او نمی توانست بفهمد که خلقی کوچک تحت رهبری طبقه کارگر و حزب طبقه‌ای آن قادر به ساختمان سوسیالیسم می باشد. خروشف متعلق به طبقه بوسیده‌ای بود که نقش تاریخی پرولتاریا را هرگز نمی توانست بفهمد. خروشف و شرکای رویزیونیستی، بس از بقدرت رسیدن، تمام کمک‌های بیدریغی که شوروی سوسیالیستی به رهبری رفیق استالین به آلبانی می نمود، خائسانانه قطع نمودند تا آلبانی را زنده بگور سازند. اما آلبانی زنده ماند. آلبانی تحت محاصره اقتصادی امپریالیستهای جهان و رویزیونیستهای خروشفی با امکانات محدود اما با اتکا به دیکتاتوری پرولتاریا به ساختمان سوسیالیسم، پیروزمندان را آماده داد. آلبانی سوسیالیستی در طی دوره ۱۹۷۷-۱۹۶۱ بدون ذره‌ای کمک رویزیونیستهای خروشفی و

- ❖ واقعیت آلبانی سوسیالیستی نشانگر این حقیقت است که سوسیالیسم ذره‌ای احتیاج به امپریالیسم ندارد. امروز آلبانی تنها کشوری در جهان است که بدهی خارجی ندارد.
- ❖ قانون اساسی این کشور هرگونه اخذ وام و اعتبار از کشورهای ارتجاعی و امپریالیستی و سرمایه‌گذاری شرکتها و انحصارات امپریالیستی در آلبانی را ممنوع کرده است.
- ❖ امروز آلبانی دیگر از دیکتاتوری و استبداد و خفقان سرمایه‌داران و امپریالیستهای خبری نیست. در آلبانی دیکتاتوری پرولتاریاست و دیکتاتوری پرولتاریا یعنی دموکراسی کارگری، یعنی آزادی برای توده‌های زحمتکش. دیکتاتوری پرولتاریا را بدیگر بر نهند و وسیعترین، عمیقترین و کاملترین دموکراسی می باشند.
- ❖ معنویت و فرهنگ از نظر سرمایه‌داران یعنی قبول بندگی سرمایه‌داران یعنی پذیرش افکار ارتجاعی و عقب مانده، حال آنکه معنویت برای کمونیستها یعنی عشق و وزیدن برای آزادی خلقها، یعنی عشق و وزیدن به سوسیالیسم و نابودی استثمار انسان از انسان، یعنی عشق و وزیدن به آرمان کمونیسم.

نشان میداد که تنها سوسیالیسم است که نیروهای مولده را بطرز انقلابی رشد داده و نیروی محرکه تاریخ می باشد. در ۱۹۶۰ خروشف خائش می گفت بدون کمک شوروی، آلبانی از گرسنگی میمیرد. اما خروشف که یک بورژوا رویزیونیست فدا انقلابی بود نمی توانست قدرت خلافت طبقه کارگر و حزب کمونیست آلبانی را درک کند. او فکر میکرد که گویا طبقه کارگر و کمونیستها برای زنده ماندن

برزنی تولید سوسیالیستی خود را رشد داد. در آلبانی در این دوره نرخ متوسط رشد سالانه تولید صنعتی ۹٪ بود. حال آنکه در همین دوره این نرخ در کشورهای رویزیونیستی کومکون ۸٪، در اروپای غربی ۳٪ تا ۴٪ بود. علاوه بر این سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۶، آهنگ متوسط رشد سالانه تولید کشاورزی در آلبانی ۵٪ در کومکون ۲٪، در اروپای غربی ۱٪ و در آمریکا ۲٪ بود. آری برخلاف آرزوی خائسانانه رویزیونیستها و امپریالیستها، اقتصاد سوسیالیستی آلبانی رشد کرده و استقلال اقتصادی این کشور را تضمین نمود. این دستاورد بزرگ فقط تحت دیکتاتوری پرولتاریا امکان پذیر می‌توانست باشد. امروز بلنکوهای تبلیغاتی امپریالیستی و رویزیونیستی چنین وانمود می‌کنند که برای داشتن یک اقتصاد دیکتاتوری با ایداز اعتبارات و وامهای امپریالیستی و سوسیالیست امپریالیستی بچهره گرفت، امروز تبلیغات نیروهای خائش و مرتدی چون حزب توده و جریکهای فدا (اکثریت) چنین وانمود می‌کنند، که برای پیشرفت کشورها باید خود را بدامن سوسیالیسم بیاندازند. اما همه این تبلیغات، دروغ و فریبی بیش نیست این تبلیغات جز به تسلیم کشاندن خلقها و



آلبانی ...

پرولتاریای جهانی در برابر امپریالیستها ، هدف دیگری را تعقیب نمی کنند . واقعیت آلبانی سوسیالیستی نشانگر این حقیقت است که سوسیالیسم دره ای احتیاج به امپریالیسم ندارد . امروز آلبانی تنها کشوری در جهان است که بدهی خارجی ندارد . قانون اساسی این کشور هرگونه اخذ وام و اعتبار را ز کشورهای ارتجاعی و امپریالیستی و سرمایه گذاری شرکتها و انحصارات امپریالیستی در آلبانی را ممنوع کرده است . برخلاف سوسیال امپریالیستها ، بورژوا - رویزیونیستهای اروپای شرقی و بورژوا - رویزیونیستهای سه جانی جن که درهای خود را بروی امپریالیستهای غربی گشوده اند ، آلبانی احتیاجی به امپریالیستها ندارد . چرا ؟ زیرا در آنجا سوسیالیسم حاکم است این پرولتاریا است که فرمان میراند .

در آلبانی بیکاری وجود ندارد ، بیکاری بیماری دهشتناکی است که همه کشورهای امپریالیستی ، رویزیونیستی و کشورهای تحت سلطه بدان مبتلا می باشند ، اما در آلبانی نه تنها بیکاری ، بلکه گرسنگی ، ستم و استعمار از بین رفته است . طبقه کارگر و سوسیالیستگان آلبانی از فنارهای اقتصادی ناشی از حاکمیت طبقات ارتجاعی رهایی پیدا کرده اند . آنان در کشوری زندگی می کنند که در آن عدالت سوسیالیستی برقرار است و دیگر از ستمگران و بیعدالتی های طبقاتی خبری نیست .

امروز در آلبانی سطح اختلاف میان دستمزد ها و حقوق ها ۲ به ۱ میباشد (یعنی بالاترین حقوق دوبرابر کمترین حقوق میباشد) تمام مالیاتهای مستقیم از بین رفته اند ، اجاره مسکن فقط حدود ۲ درصد درآمد میباشد . خدمات بهداشتی و آموزشی برای همه محاسنی است ، در تمام روستاها برق ، تلفن ، مدرسه ، خدمات بهداشتی و بهداشتی وجود دارد . در آلبانی زن و مرد دارای حقوق کاملاً برابر میباشند . زنان از سنگینی سم گذشته آزاد شده و امروز ۴۶٪ نیروی فعال کشور را تشکیل میدهند . آنان فعالانه در تمام عرصه های حیات اجتماعی - سیاسی حضور داشته و بیکران در ساختن سوسیالیسم فعالیت می نمایند . آری امروز در آلبانی سوسیالیستی از زندگی نکبت با دیگر کشورهای نیست . رفاه مردم بیش از پیش ارتقا پیدا میکند و مردم عادی برای فردای خود ترس و دلهره ندرند . آنان مطمئن می باشند که فرزندان آنان در نژاد سوسیالیستی بسر خواهند برد و بدبخت و آوار نخواهند شد . آری اینها همه دستاوردهای سوسیالیسم است ، اینها همه فقط تحت رهبری حزب کمونیست میسر است .

سرمایه داری هرگز نمی تواند یک زندگی مطمئن و زیبا به کارگران و زحمتکشان هدیه دهد . زندگی مطمئن و زیبای شده ها فقط در سوسیالیسم امکان پذیر است .

اطلاعیه اخراج یک عنصر اپورتونیست از سازمان

حدود ۵ ماه پیش یعنی دوره قبل از کنفرانس سازمانی یک عنصر مخرب انحلال طلب و فرا کسیونست که تلاش می نمود ، تحولات سازمان خوددیرستانه خویش را در پوشش "جبهه ترین شعارها رنگ آمیزی نموده و حرکات ضدتکلیاتی و مخرب خویش را شوریزه نماید ، سازمان علیه غمگدوره سازی که با او شده بود ، از سازمان تمفید شد . کنکوره سازمان همدریا سخ به شکایت این فرد در مورد تمفیدش ، تقاضا و با اکثریت قریب به اتفاق آراء (غیر از یک رفیق که او نیز هم اکنون حکم بر اخراج او داده است) ، حکم بر تمفید او داد . از آنجا که حرکات سازمان شکنانه و فرا کسیونستی او بعد از ادا مهیبا نمود ، اینبار یکی از سازمان اخراج شد . هم اکنون او با تفاق جنس نفردیگر که یکی عضو ، یکی کاندید عضو و سه رفیق سمیات (که در رابطه با س - د - د - پ قرار داشتند) بودند ، فریبکارانه اعلامیه صیلاخ "گروه اشعایی" از سازمان نموده اند . سازمان اعلام میکند که حرکات این عده با سازمانها با اخراج فرد

معنویت و فرهنگ سوسیالیستی در آلبانی

در سوسیالیسم رفاه مادی زحمتکشان ، در کنار دگرگونی توده های و رفاه معنوی و فرهنگی نامین است . امروز امپریالیستها ، سرمایه داران و تمامی مرتجعین در میان توده ها تبلیغ میکنند که کشور سوسیالیستی یعنی کشور استبدادی ، آنها با این تبلیغات عوام فریبانه میکوشند در میان توده ها نسبت به سوسیالیسم و کمونیسم عدم اعتماد و سوچوآورد و رندو کارگران و توده ها را از سیستم تقیالی سوسیالیسم بیزار نمایند ، تا خود بتوانند به حکومت ستمگرا نه خود ادا مه دهند . در جواب به آنها باید گفت : بله آقا با مرتجع در کشور سوسیالیستی دیکتاتوری وجود دارد ، اما نه برای کارگران و سایر توده های زحمتکش ، بلکه برای سرمایه داران ، زمینداران ، امپریالیستها و همه مرتجعین . در یک کشور سوسیالیستی دگرگونی برای توده ها ست و دیکتاتوری برای مرتجعین می باشد .

امروز در آلبانی دیگر از دیکتاتوری و استبداد دو حقان سرمایه داران و امپریالیستها خبری نیست . در آلبانی دیکتاتوری پرولتاریا است و دیکتاتوری پرولتاریا یعنی دگرگونی کارگری یعنی آزادی برای توده های زحمتکش دیکتاتوری پرولتاریا در برگیرنده وسیعترین عمیقترین ، کاملاًترین دگرگونی می باشد . در این کشور طبقه کارگر و سوسیالیستها در مورد همه مسائل اجتماعی سیاسی و دولتی ایران نظیر میکنند ، کارگران همه امور را تحت کنترل خود

بگذارد صفحه ۱۸ جنگ و ...

باید بدان و جناح حزب جمهوری اسلامی مینماید چرا که ارتش را (بخاطر شایسته گداری ما هیت آن و فرماندهان نش دارد) بخود نزدیکتر می داند . اما زحمتکشان ایران به زوزه های این دشمنان دوست شما وقتی نگذاشته و همچنان که در مبارزه علیه رژیم وابسته نا فقط و فقط به نیرو و توان خود اتکا داشتند ، در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی حساب این دشمنان خود را نیز به گف آنها خواهند نمود ، زیرا توده های آگاه خلق ما میدانند که نه تنها را دیوی رژیم ایران بلکه نماینده های نامبرده مدافع اسارت خلقهای ما می باشند .



مزبور بوده و هیچگونه ربطی به خرده مرزبندیهای که بسیاری از آنها کاذب و دروغ است و بسیاری توحیه حرکت اپورتونیستی خود را داده اند ، ندارد . به این ترتیب از نظر ما حرکت این عده کاملاً اپورتونیستی بوده و سازمان هیچگونه مسئولیتی در برابر اقدامات و حرکات بعدی آنان نخواهد داشت .

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۵۹/۸/۲۰

دارند ، در ادارات مورکشور شرکت دارند و حزب بین از بین در جهت بسط این کنترل و مشارکت میکوشند . روحیه دگرگونی توده های سوسیالیستی در کل زندگی اجتماعی از نوارهای توده های تا مجلس خلقی و دستگاه دولتی و حزبی برقرار است . امپریالیستها و سرمایه داران چنین تبلیغ میکنند که کمونیستها به معنویت اعتقاد دارند این تبلیغات دروغ بیشترانه ای نیست . کمونیستها به معنویت و فرهنگ اعتقاد دارند ، اما معنویت و فرهنگی که برای کارگران و توده ها می باشد . معنویت و فرهنگ از نظر سرمایه داران یعنی قبول بندگی سرمایه داران یعنی پذیرش افکار ارتجاعی و عقب مانده ، حال آنکه معنویت برای کمونیستها یعنی عشق و ورزشیدن برای آزادی خلقها ، یعنی عشق و ورزشیدن به سوسیالیسم و بنا بودی استعمار انسان از انسان ، یعنی عشق و ورزشیدن به آرمان کمونیسم .

در آلبانی توده ها از معنویت و فرهنگ سوسیالیستی برخوردارند . آنان فرهنگ و معنویت سرمایه داران را کاندیده و فاسد میدانند ، در آنجا دیگر سرمایه داران حاکم نیستند که بتوانند توده ها را خفه کرده و از ارتقای فرهنگی - سیاسی آنان جلوگیری نمایند . امروز آلبانی میکوشند تا با بسط فرهنگ سوسیالیستی و دگرگون ساختن مناسبات کهنه ، انسان نوین بدین آورد انسانانی که سرشار از عشق به سوسیالیسم و آرمان کمونیستی میباشند ، انسانانی که از هیچگونه سختی نمی هراسند ، به ما رگسب - لنینیسم مسلح است و استوار در راه استعمار را معاندون تلقات کامبر میدارد .

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و ثواب حق شناس پیرامون تماس با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۵۳ تا ۵۹

(قسمت یازدهم)

پیگار: رفیق روحانی، شما ضمن برشمردن و توضیح مسائلی که مورد بحث شما و آیت الله خمینی بود، از چگونگی نگرش و برخورد آیت الله به مبارزه مسلحانه و قهر انقلابی سخن گفتید، در دنیا مسئله مطلب اگر مسائل دیگری در ملاقات شما با آیت الله مورد بحث قرار گرفته اند، توضیحاتی به ما دربار آنها بدهید.

رفیق روحانی: من قبلا به شما گفتم که آیت الله خمینی در اطمینان نظر خود نسبت به کتاب "اما محسن" از این کتاب و جوانان نیکو آن را تشبیه کرده اند تعریف و تمجید کرد. در این کتاب با ایدها فکرم که از جمله موارد مشخصی که مورد تأکید و تعریف آیت الله قرار گرفت، موضوع "اما محسن" بود من در اینجا نه قصد آن دارم و نه جای آن هست که به تازگی به "اما محسن" و همچنین به مضمون توجیه گرایانه تحلیل آن روزها از این طرح که در کتاب فوق الذکر تبیین شده آمده بود، بپردازم، آنچه که در اینجا مورد توجه من است، استفاده سازشکاران، فرصت طلبان و پاسیفیستها از این رخداد تاریخ اسلامی است. بعنوان نمونه، خود من در طول زندگی مبارزاتی ام در سالهای قبل با عناصر و افراد زیادی از این دست روبرو شده ام که در پاسخ این سؤال که چرا در مقابل رژیم منفرجه پهلوی و بیخاطر دفاع از منافع و خواسته های توده ها سکوت اختیار کرده و حاضر نیستند دست به مبارزه بزنند، طرح "اما محسن" را شاهد آورده و مدعی بودند که شرایط برای مبارزه با رژیم بهیچوجه مساعد نیست، و هرگونه اقدام موقعا لیت علیه رژیم حاکم، اقدام موقعا لیتی غیر اصولی و ماجراجویانه است.

خوب بیا بدانیم که وقتی ما در آن و خاواده های زندانیان سیاسی مجاهدین و هواداران آنها در سال ۵۵ و مقارن با همان زمانیکه من با آیت الله خمینی ملاقات داشتم، نزد آیت الله خواستاری در تهران رفته بودند، و در پاسخ ما در آن و خاواده انقلابیون زندانی که خواستار اقدام فوری وی جهت آزادی زندانیان سیاسی ویا جلوگیری از اجرای احکام اعدام میبایدگانه های رژیم شاه دربار آنها شده بودند، گفته بود که آنها حق ندارند دست به چنین کاری بزنند! زنان قهرمان ما، از فعالیت و اقدام مبارزین و مجاهدین دفاع کرده و در توضیح خود دربار ضرورت مبارزه علیه ظلم و ستم، نمونه بسیار "اما محسن" در مقابل خلیفه ستمگرا موی "یزید" را مثال میاورند. آیت الله خواستاری بلافاصله به آنها میگوید: شما چرا همیشه از "اما محسن" مثال میاورید و از طرح "اما محسن" سخنی نمی گوئید، او هم ما میبود چرا شما راه او را الگو و سرمشق خود قرار نمیدهید؟

هرچند که میان آیت الله خمینی و خواستاری به لحاظ موضع طبقاتی و دربرخوردشان به رژیم شاه اختلافات فاحشی وجود داشت، اما آیت الله خمینی نیز بدلیل ماهیت طبقاتی اش همانطور

که قبلا برای شما توضیح دادم نمیتوانست در مبارزه خود علیه رژیم شاه، دارای بیگسری و قاطعیت باشد. تعریف و تمجید آیت الله خمینی از تحلیل توجیه گرایانه کتاب "اما محسن" از منظر "اما محسن" بهیچوجه نمیتوانست جدا از عدم اعتقاد او به قهر انقلابی و مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم و رژیم شاه باشد، این بسیار طبیعی و روشن است که وقتی آیت الله خمینی تا آخرین روزهای دوران رژیم شاه و در شرایطی کسسه

تکا مل بود، اعتقاد به اصل "تکا مل" و پیدا شدن حیات از ماده و تکامل بیجوده آن به انسان، از ابتدائی ترین و در عین حال اساسی ترین اعتقادات سازمان مجاهدین بود و از همین رو یکی از جزوآت آموزشی سازمان که پس از کتاب "شناخت به اعضا آموزشی داده میشد، جزوه "تکا مل" بود. اعتقاد به اصل "تکا مل" آنچه که به اسناد اصول علمی در این جزوه آمده، در اساس بسیار برداشته را اعتقادات مذهبی (اعم از اسلام و غیر آن)

● آیت الله خمینی بدون آنکه اعتقادات ما را آنطور که امروز مدعی است، "مناقضانه" و "مخالفانه" اسلام بداند و علیرغم آنکه ظاهرا نسبت به سرنویشت ما اظهار تلاقه مینمود و در همین رابطه ما را از اتخاذ موضع صریح و قاطع نسبت به روسا نیون مترجم باین دلیل که ما را "سرمورد" نکند و ضرری به خود قرار ندهند داد، بررهنظر میداشت و حاضر نشد از مجاهدین و یازنده آنها ن سیاسی حمایت و پشتیبانی بعمل آورد.

● وقتی من علت عدم پشتیبانی آیت الله را از زندانیان سیاسی و سجاهدین میپرسیدم که انگار اقدام آنها وجود داشت، جواب شد: آیت الله خمینی در جواب گفت: اگر من درباره آنها چیزی بگویم، وضع آنها بدتر میشود!

توده های میلیونی خلق ما خواستار مسلح شدن و جنگیدن با دشمن بودند، سخن از برداری ارتش آمریکا بی شاه با مردم مسکوت و از تسلیم توده ها و مبارزه مسلحانه آنها با رژیم سرما بکنه داری و بسته حاکم سرما بزمینند، از طرح "اما محسن" و تحلیل توجیه گرایانه آن روزها از این طرح نیز به سخنی طرفداری نماید.

اشتباه نشود، ما کمونیستها مخالف هرگونه صلحی نیستیم، در شرایط ویژه ای، صلح با دشمن بصورت امری ضروری و اجتناب ناپذیر در میآید. امضای معاهده صلح "برسک لیتوفسک" میان شوروی و سویالیستی و آلمان امپریالیستی که توسط لنین کبیر صورت گرفت و همچنین امضای پیمان عدم تجاوز میان شوروی استالینسی و آلمان هیتلری در اوائل جنگ جهانی اول، از جمله این صلحها هستند، اما این بمعنی مصالحه و سازش تاکتیکی و موقتی با دشمن است نه بمعنی مصالحه و سازش استراتژیک ویا اصطلاح صلح طبقاتی، مصالحه تاکتیکی با دشمن، امری فرعی، موقت و مشروط است، درحالیکه مبارزه با دشمن، امری اساسی، دائم و غیر مشروط میباشد. کمونیستها بزرگترین منادیان صلحند، اما نه صلحی که دست غارتگران را برهنستی زحمتکشان با زیگارد، آنها طرفدار صلحی هستند که برپایه حاکمیت کارگران و زحمتکشان و بنا بر مبنای طبقات و ستم طبقاتی باشد.

پیگار: موضع آیت الله خمینی نسبت به مقوله "تکا مل" که در کتاب "اما محسن" مسورد تا شید و تا کید قرار گرفته، چگونه بود؟
رفیق روحانی: از جمله مسائلی که در ملاقات من و آیت الله مورد بحث قرار گرفت، همین مساله

تضاد آشکارا در میان یکی دیگر از التقاطهای موجود در مبانی فکری و ایدئولوژیک آن روزها (و امروز مجاهدین) را تشکیل میداد، اما در مورد موضع آیت الله خمینی نسبت به مقوله "تکا مل" روشن است که آیت الله با توجه به جهان بینی ایدئالیستی و مذهبی اش، بهیچوجه با آنچه که مورد قبول ما بود، موافقت نداشت و مخالفت خود را نیز آشکارا پس از مطالعه کتاب "اما محسن" اظهار داشت.

اختلاف بنیانی میان ما و آیت الله بر سر تکامل الزامات به درکهای مختلف ما و دربار مسائل دیگری از جمله معاد و قیامت نیز کشیده میشود. درک آیت الله در این زمینه نیز گسسته ایدئالیستی و غیر علمی و بیدور از هرگونه التقاط بود. آیت الله خمینی که بر اساس اعتقاد مذهبی و ایدئالیستی اش، به خلق الساعه بودن جهان و انسان باور داشت، بر همین پایه، به ناسودی ناگهانی جهان و انسان و سپس حیات مجدد تمام موجودات و از جمله انسان در یک لحظه که بنا به اراده "ذات باریتعالی" صورت میگردد، اعتقاد داشت. لیکن ما که خواستار ایدئولوژی تحلیل خود را از تکامل و مساله قیامت برداشتن و اصولی علمی متکی سازیم، از یک سو چاره ای جز ندیده گرفتن مبانی و اصول مورد اعتقاد مذهب نداریم و از سوی دیگر بدلیل ایدئالیسم نهفته در تفکر و جهان بینی آن روزها، اصول مورد اعتقاد مذهب را نظیر همین اصل معاد و قیامت و لویبشکل پیچیده تر و التقاطی مورد قبول قرار میدادیم. مجاهدین علیرغم آنکه میکوشند تحلیل خود را در زمینه تکامل (اعم از طبیعی و اجتماعی) در چارچوب

بقیه از صفحه ۲۶ تشدید...

تنها پس از با زسازی کامل سیستم با قدامات آشکار دست بزند، بنی مدر و حزب جمهوری توانا قاتلان خلق کرد، ترکمن و سرکوبگران آزادیهای دموکراتیک و شکنجه در زندان و تیرباران کمونیست ها و انقلابیون هستند و اکنون که تیغ حزب جمهوری میخواهد لیبیرالها را نیز ببرد و قطب - زاده را میگیرد و به میزان حمله میکند، بیساده آزادی افتاده است، اما هنگامیکه خود فرمان کشتار خلق کرد اما در می کند و یا دهها کمونیست و انقلابی دیگر در زندانها تیرباران میشوند و آزادی اجتماعات و مطبوعات برای نیروهای انقلابی قدغن میشود صدایش در نمی آید فریاد "و آزادی" بنی مدر دروغی بیش نیست، او خواهان آزادی لیبرالها در بکف گرفتن کامل قدرت و آزادی سرکوب شده ها و با زسازی سیستم است، نه آزادی مردم!

کلام آخر اینکه هر دو جناح رقیب (لیبرالها و حزب جمهوری) ارتجاعی اند و ما با بیستی به افشای کامل دلائل این جنگ و دعوا پرداخته، توده ها را نسبت به مردم فریبی های دو طرف آگاه کنیم و نگذاریم که از حمایت از یک طرف به طرف دیگر متمایل شوند، آنها را آماده کنیم تا برای پیشبرد امر انقلاب برای مقابله با هر دو جناح متشکل و متحد شوند! این یگانگه راه صحیح و انقلابی است، نه آن راهی که خائنین...

بقیه از صفحه ۲۵ جنگ و...

بود، ولی اگر فکر میکنید که پس از آن همه افشاگری نیروهای انقلابی و مترقی و پس از آفتابی شدن همکاران میماند "ما شاء الله خان" - سیا و حاسوسان آمریکا شی، وی با زداشت و احیانا مجازات شده است، سخت در اشتباه هستید حواس شما را خود ما شاء الله قصاب میدهد:

"رئیس دادگاه از وی پرسید در شرایط حاضر در کجا مشغول هستید؟ ما شاء الله قصاب پاسخ داد جزویا سداران زندان قصر و زیر نظر آیت الله خلیفای فعلی است میگویم (کیهان پنجشنبه ۲۹ آبان صفحه ۹).

رویزیونیست فدائی و توده های در دفاع از حزب جمهوری پیش پای توده ها میگذارد و نه آن راهی که خائنین رویونیست سه جهانی تبلیغ میکنند و مجاهدین نیز هر چند از موضعی دیگر اما بهر حال به تقویت لیبرالها می پردازند، با ایداز این جنگ قدرت برای افشای دو طرف و ارتقاء آگاهی توده ها سود جست، نه برای تقویت یک طرف، با ایدیه توده ها گفت که اینها بر روی اجساد هزاران شهید انقلاب ایران، بر سر تقسیم قدرت و سود حاصل از استثمار رزحمتکنان و جگونگی سرکوب توده ها به جان هم افتاده اند، نه برای دفاع از حقوق توده های خلق!

بقیه از صفحه ۲۵

مثل معروفی هست که کبوتر با کبوتر، باز با باز... همکاران خلیفای قاتل نمیتوانند کسانی جز خائنین و جاقوکتانی جز ما شاء الله - قصاب ها باشند اگر غیر از این می بود جاسای تحسب داشت!؟

ما را دیوینداد "این حنجره مرتجع رژیم عراق در حالیکه اخبار پیروزی های ارتش عربی عراق را سر میدهد، گمان میبرد مردم زحمتکش دزفول، اهواز، خرمشهر، قصر شیرین، کرمانشا و... که شب و روز بمب و موشک مرتجعین عراقی بر سرشان می بارد، با ورخواهند کرد که گویا این بمب ها و راکت ها برای "آزادی" آنان از دست رژیم خمینی - خلیفای "آزادی" آنها به خون میکشد و خانه و آشیانه شان را ویران میکند صدای ارتجاعی رژیم بنفاد با بهره گیری از عناصر ارتش که بدست ارتش عراق اسیر شده اند و با پخش "شو" های رادیویی و سوء استفاده از تکلف میان ارتش و پاسداران، عمده حمله خود را متوجه

بقیه در صفحه ۱۶

مباحثه...

اصول و مبانی علمی استوار کنند (جنبه ما تریالیستی تفکر مجاهدین)، اما در همان زمان این - چارچوب "علمی" را تحت تا شری قطععی و تعیین کنند "از ادها به ریتمالی" قرار میدهند (جنبه ایدالیستی تفکر مجاهدین) که نتیجه است کوچکترین سخنی از علمی بودن و مولی بودن این تحلیل در چارچوب مورد نظر مجاهدین نمیتوانند در میان باشد.

بیکار: نتیجه ملاقات شما با آیت الله خمینی و پس از ساعتی متوالی بحث و مذاکره و توضیح مواضع سازمان مجاهدین و ضرورت پشتیبانی آیت الله از مجاهدین و زندانیان سیاسی چه بود؟ آیا آیت الله خمینی هیچگونه پشتیبانی از مجاهدین و زندانیان سیاسی بعمل آورد؟ رفیق روحانی: هما نظور که قبلا توضیح دادم، من قبل از هرگونه درخواستی از آیت الله، به تشریح مواضع ایدئولوژیک - سیاسی سازمان مجاهدین و فعالیتهای آن پرداختم و پس از توضیح این مسائل بود که ضرورت حمایت آیت الله از زندانیان سیاسی و دادن اعلامیه ای در این زمینه خواستار شدم، آیت الله خمینی بدون آنکه اعتقادات ما را آنطور که امروز مدعی است، "منافقان" و "خلاف اسلام" بدانند و علیرغم آنکه ظاهرا نسبت به سرنوشته ما اظهار علاقه مینمود و در همین رابطه ما را از اتخاذ موضع صریح و قاطع نسبت به روحانیون مرتجع به این دلیل که ما را مورد تکفیر و ضربه خود قرار خواهند داد، بر حذر

میداشت، حاضر نشد از مجاهدین و یا زندانیان سیاسی حمایت و پشتیبانی بعمل آورد، عدم حمایت آیت الله خمینی از مجاهدین در شرایطی بود که در ایران بسیاری از علماء و روحانیون و از جمله آیت الله طالقانی، منتظری و رفسنجانی و دیگران حمایت خود را از مجاهدین اعلام کرده و در این مورد نامه های به آیت الله نوشته بودند، آیت الله خمینی در توجیه عدم پشتیبانی خود از ضرورت شناخت بیشتر از ما را مطرح کرد و از ما خواست که از افرادی که میرده فوق و دیگران که مورد اعتماد آیت الله باشند بخواهیم که در این مورد باز هم نامه برای او بنویسند (و جالبتر از همه اینکه وقتی من علت عدم پشتیبانی آیت الله را از زندانیان سیاسی و مجاهدین که امکان اعدام آنها وجود داشت، جویا شدم، آیت الله خمینی در جواب گفت: اگر من درباره آنها چیزی بگویم، وضع آنها بدتر میشود! من توضیح دادم که آقا مسئله اصلی، دفاع و حمایت از انقلاب و آرمان زندانیان سیاسی است و نه حمایت فردی از این و یا آن زندانی سیاسی که شما فکر میکنید اگر در باره آنها چیزی بگوئید، وضع آنها بدتر میشود، بعلاوه وضع آنها چه در زندان و چه در بیادگاههای رژیم شاه آنقدر بدست که با حرف شما بدتر از آن نخواهد شد.

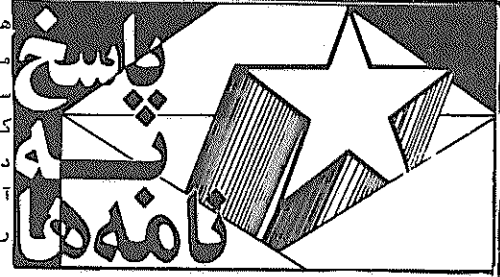
آیت الله خمینی پاسخی در برابر استدلالات من نداشت و نمیتوانست همداشته با شاد و بناچار برای خالی نبودن عریضه در آخرین ملاقات رو بمن کرد و گفت: آقا یان ما جورند و ما میدویم

که در کارشان موفق باشند! عکس العمل من روشن بود، من به صراحت به آیت الله گفتم که مردم ما و مجاهدین خواستار "دعا" نیستند، آنها عمل میخواهند و دعا کردن و صرفاً آرزوی موفقیت نمودن برای آنها دردی را دوا نمیکند.

من از آیت الله جدا شدم و حاصل کوشش و ملاقات من و رفیق تراب تنها این بود که اولاد لایبای برخی از اعلامیه های خود حمایت محدودی از زندانیان ما و تحت عنوان کلی "جوانان مسلمان" بعمل آورد و تا نیا پرداخت بخشی از "وجوهات شرعی" را به خانواده زندانیان سیاسی مجازدانست، اما بد نیست بدانید که شرایط آرزومندانه چنان بوده که مثلا با زاریان هوادار مجاهدین بدون "اذن" آیت الله از با بست "وجوهات شرعی" خود هم به خانواده زندانیان سیاسی و هم به سازمان مجاهدین کمک میکردند.

در سال ۵۴ همین آقای هاشمی رفسنجانی به رفیق تراب درد مشق گفته بود، وضع در داخل کشور طوریست که حتی اگر آقای خمینی هم حرفی بزند تا مجاهدین آنرا تأیید نکنند اجرا شدنی نیست!

من در اینجا سخن خود را با شما، علیرغم آنکه مطالب گفتمی بسیاری وجود داشت که من ناگزیر از تلخیص آنها بودم به پایا من میرم و از رفیق تراب میخواهم تا در باره ملاقاتهای بعدی خود با آیت الله و مسائل دیگری که در ارتباط با آن قرار میگیرد با شما صحبت کند، پیروزی باشید! ادا میدارد.



سخنی درباره سازماندهی تبلیغ بر علیه فلاکت جنگ!

رفقا! هر روز که از اوضاع حادثه‌پسین
مبارزه طبقه‌ای در جامعه می‌گذرد، مسئله‌ای
جدید و وظیفه‌ای جدید پیش پای جنبش کمونیستی
ایجاد می‌شود. اگر دیروز مبارزه برای افشای
تضاد جناح‌های هیات حاکمه مهمترین قسمت
افشاگری و تبلیغات را در بر می‌گرفت، جنگ‌سمت
تبلیغات را در گرو نمود و جنبه عمده تبلیغات
کمونیستی را بزمحور جنگ و عوارض و فلاکت ناشی
از آن و از آنجمله مسأله‌ها و ارگان و گسترش گرانی
و کمبودها بحتاج عمومی، سوق داد.

رفقا! در شرایط کنونی، مسأله گرانی و کمبود
ما بحتاج عمومی یکی از مسائل مبتلابه توده‌ها
و از جمله مسأله‌ای است که با یک کمونیست‌ها روی آن
تکیه کنند. در همین رابطه کلیه رفقا موظفند که
در هر کجا که هستند به تبلیغات وسیع علیه گرانی
و دورنمای فلاکت توده‌ها دست بزنند و در هدایت
و ارتقاء مبارزات توده‌ها بر علیه گرانی، که
حتما گسترش خواهد یافت، بکوشند. در چنین
شرایطی که بحران‌های رژیم روز بروز گسترده‌تر
شده و توده‌ها نسبت به آن ابراز نا رضایتی
بیشتری می‌نمایند، اگر ما در محله حضور پیدا
نماییم، اگر ما سیاست و برنامه خود را برای توده‌ها
توضیح ندهیم، که برای شان ارمغان دمکراسی
رفاه و انقلاب را نوید میدهد، حتما لیبرال‌ها و
کمپرادورها از آن سود خواهند جست. هم‌کنش
مسئله گرانی وصف‌های طویل مواد غذایی
و ما بحتاج روزمره، خوراک تبلیغاتی بسیار
مساعدی برای لیبرال‌ها و دارو دسته‌های ضد
انقلابی دیگر است که از نا رضایتی توده‌ها علیه
رژیم جمهوری اسلامی و در جهت منافع خویشتن
بهره‌گیرند. رفقا در این عرصه مهمی که میتوان
بر سر آن تبلیغات گسترده‌ای صورت داد، هر
گونه سهل انگاری ما در تبلیغ علیه گرانی، در
فقدان حضور در اعتراضات توده‌ای، عملا میدان
را برای لیبرال‌ها خالی گذاشتن است. . . . پس
بکوشیم تا با مقابله با گرانی و . . . مبارزات
توده‌ها را سازماندهی کرده و آلترناتیو انقلاب
را گسترش دهیم!

نامه‌ای از یک کارگر مبارز مکانیک

بنام خدا و خلقهای قهرمان ایران
"در جواب سئوالی که گفته بودید نظر

هواداران در مورد "نشریه پیکار" چیست، من
معتقدم که روزنامه‌های با محتوای مهم، عالی و
ساده‌چاپ کنیده‌ها کارگران و زحمتکشان در محیط
کار و خانه‌ها نشان بخواهند بدون مزاحمت
دیگران بخوانند و بی‌توجهی کنند و اسم‌ها را روی
آن نوشته نشده‌ها بدون ما میداند نیم‌که این
روزنامه‌ها در گمان چه زمانی است.

البته پدرم با اینکه زحمتکش است و خواهان
ویران‌داری همه کار می‌کنند ولی در عین حال
هر وقت با روزنامه‌های که اسم‌ها را نمی‌داند و
کمونیستی داشته‌ها شد مخالفت می‌کنند و حتی
آن را پاره می‌کنند و از طرفی چون من مکانیک
هستم و تمام روز را در کار و از تعمیرگاه می‌روم
روزها اصلا نمیتوانم مطالعه کنم. شب هم که به
خانه می‌روم با عکس‌العمل‌های خانواده روبرو
میشوم و معتقدم که باید مبارزه کرد. خواهشمندم
مرا یاری کنید، بی‌روزی از آن طبقه کارگران است.
مجتبی - ح - مشهد"

دوست گرامی! از اینکه نشریه پیکار را
می‌خوانید و نظر خود را در باره آن برای ما نوشته
اید تشکر می‌کنیم و خوشوقتیم که نشریه
شما نوشته است مورد توجه و علاقه کارگران و زحمت
کشان از جمله شما قرار بگیرد. اینکه خوانندگان
یک نشریه کمونیستی مثل پیکار در محیط کار و
خانه‌ها برای بعضی افراد موجب مزاحمت می
شود، امر عجیبی نیست. ما لباس که سرمایه‌داران
و دشمنان طبقه کارگر بر ضد کمونیست‌ها تبلیغات
کرده‌اند و حتی بسیاری از زحمتکشان را
کمونیست‌ها و هدف‌های آنان را نمی‌شناسند و از
چاره‌های این نیست که ما زمانی و کمونیستی از
روی نشریه برداشته شود، بلکه باید حوصله و
دقت زیاد در مدارا که کرده‌اند و حشمتی را که سرمایه
داران در دل زحمتکشان از کمونیست‌ها ایجاد
کرده‌اند بتدریج از بین ببرند. ما و دیگران
های کمونیستی نیز وظیفه داریم که دردهای
زحمتکشان و راه حل آن را که جز ایجاد حکومت
کارگران و زحمتکشان نیست با زبان هر چه
ساده‌ترین و کنیم و با کارگران نزدیکترین و
صمیمانه‌ترین بیوتده‌ها را داشته‌باشیم.

اما اینکه با توجه به کار روزانه فرصتی برای
مطالعه در روز پیدا کنید و شب هم خوانده‌ها
مطالعه‌ها می‌شوند نظر ما این است که پس از
مشورت با رفقای همفکران با خواننده صحبت
کنید و آنقدر زبان خودشان و با آشنایی و حوصله کافی
آن‌ها را آگاه کنید که نه تنها در کار و مطالعه شما
داخلت نکنند، بلکه با علاقمندی به مطالبی که
شما می‌خوانید گوش دهند، و با شما همفکر گردند.
نشریات کمونیستی بیان دردهای آن‌هاست اگر
از مطالب آن‌ها آگاه بشوند با شما همراه خواهند
گردید.

با زهم برای ما نامه بفرستید. دست شما را
می‌فشاریم.

نامه‌ای از یک مادر مبارز

پیکار کارگران عزیزان ما در دوتن از رفقای

پیکار رگشما هستم. من ما در چار فرزند هستم و
سلام گرم مرا ببیدید. من نمیدانم از کجا برای
شما شروع به نوشتن نامه می‌کنم، چون صحبت کردن
با شما قهرمانانی که در راه عشق به خلقها و طبقه
کارگر، از جان و مال خود گذشته‌ها و ما دقا نه به
خلق خود وفا داده‌اید، براستی مشکل است.

من یک ما در خانه دار هستم، و در ضمن به
کارهای دیگری چون بافندگی و دوزندگی
اشتغال دارم. به شما بگویم که من کمونیست
نیستم ولی عقاید انقلابی و مبارزه جویانه شما
را قبول دارم و در هر حال که از دستم برآید
میخواهم به شما کمک کنم و من هر کجا که بتوانم از
موضع پیکار دفاع می‌کنم و خواهم کرد. و بدانید
که شما در قلب توده‌ها جای دارید و من بعنوان
یک فرد از توده‌های زحمتکش تا پای جان با شما
هستم.

با امید روزی که پیروز باشید، ش. الف
ما در مبارز!

از اینکه عهد بسته‌اید تا پای جان همدوش
سازمان باشید، ما به غرور و سربلندی ما است.
ما در عزیزان شما می‌توانید تبلیغ نظرات سازمان
در میان زنان زحمتکش جمع آوری کمک‌های
مانی برای سازمان، بهترین کمکها را در راه
پیشبرد اهداف سازمان صورت دهید!

پیر وزباشید!
* - رفقای محله‌های آب در پارس به پیرش -
نامه ۲۳ گزارش بسیار مفصل و دقیقی نوشته‌اند
که بسیار قابل بود. رفقا با تهیه جدولی، کلیه
پیکارهای منتشره از شماره ۱ تا شماره آخر را
بررسی نموده‌اند و توضیح داده‌اند که ترکیب
آنها و نقص‌ها و ضعف‌های آنها چه بوده است. از
کوشش و زحمت فراوان این رفقا و سایر رفقای
که با سخنان پیرش نامه ۲۳ را برایمان ارسال
نموده‌اند بسیار سگزاریم.

رفیق ب = ه کارمند

نامه‌ها دست ما رسید و از اینکه نوشته
بودی: "... اگر چه تا بحال نتوانسته‌ام کمک
مالی خود را بطور مایه‌ها به سازمان برسانم
ولی از طریقهای دیگر نسبت به علاقمندان و
موضعگیریهای سازمان در رابطه با اوضاع
سیاسی، اقتصادی، اجتماعی روزمره و بردن آن به
میان توده‌ها، با توجه به وظیفه‌ای که داشته‌ام،
چند مرتبه از وجه در شهرستان کوشیده‌ام (وضمن)
پس از کسر خرج زندگی، ما هیاه مبلغ ۳۰۰۰ ریال
کمک نا چیز خود را به سازمان تقدیم می‌دارم. . . ."
بسیار خوشحال شدیم رفیق! ما نیز بی‌مراهی
تمامی کارگران و زحمتکشان و خلقهای بیاری شما
رفقای پیگیریک دم از مبارزه دست‌بر نخواهیم
کشید و سوگند یاد کرده‌ایم که تا برقراری جمهوری
دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگران
ننشینیم! پیروزی‌ها!



بحران اقتصادی و مبارزه طبقاتی در لهستان

در لهستان رویزیونیست، بحران اقتصادی، سیاسی و اجتماعی همچنان ادامه دارد. حاکمیت بورژوازی و استقرار سرمایه‌داری از یکطرف و وابستگی به سوسیال امپریالیسم شوروی از طرف دیگر، اقتصاد لهستان را به ورطه شکستگی کامل کشانده است. مبارزات کارگری اخیر ضریب است مملکتی برپیکر سرمایه‌داری حاکم زد، بنحوی که این مبارزات دلیرانه تولید بورژوازی را در بخشهای مهمی مواجه با رکورد کرده و دولت حاکم را مجبور نموده تا برای مقابله با قحطی و گرانی روز افزون اقدام به جیره بندی مواد غذایی کند. در همین رابطه "الکساندر کوپیک" معاون نخست وزیر گفت: "این کشور با کمبود گوشت، شکر و سبزیجات مواجه است"، و بعلاده "بین کوفسکی" نخست وزیر لهستان مطرح کرد: "روال عسادی کار تولید در بسیاری از زمینه های اقتصادی کند شده است و دولت سه سال فرصت لازم است تا مجدداً رکودی را که بر اثر انقلاب کارگری چند ماه پیش بوجود آمد مجبران کرد. ما باید آگاه باشیم که دوران سختی در پیش داریم و افزایش دستمزد مایمیتواند مشکل ترین شرایط بازار را برای ما فراهم آورد. بسیاری از مواد غذایی با کمبود تولید در لهستان مواجه است." (کپهان ۲۲ بان) واقعا جدها ملی کارگران را برای افزایش حقوقشان وادار به اعتصاب نمودند و در واقع عامل اصلی بحران همان سرمایه‌داری است. این سرمایه‌داری است که تورم و گرانی را بوجود می‌آورد، این سرمایه‌داری است که لهستان را مواجه با کمبود مواد غذایی میکند، این سرمایه‌داری است که کارگران را تحت فشار اقتصادی - سیاسی قرار میدهد و آنان را به مبارزه میکشاند. لهستان برپا به تازم امپریالیستی روسها یعنی تز "تقسیم بین المللی کار" به نقطه ای رسیده که در زمین کشاورزی نیز مواجه با رکود است. بنحوی که این کشور "نیر" حدوداً از چکسلواکی و "حبوبات" خود را از آلمان شرقی تا مین میکند و بگفته "بین کوفسکی" مرتد امسال مجبور است "۱/۴ میلیار دلار بیشتر از سال گذشته صرف تا مین مواد غذایی و واردات کتسای ورزشی

نماید" (همانجا). البته با بحران فرا تراز آنچه که گفتیم میباید، بورژوازی لهستان برای مقابله با بحران احتیاج به منابع مالی دارد. سوسیال امپریالیسم خود در بحران بر میسرود و نمیتواند فعلاً به بورژوازی لهستان کمک کند. به این لحاظ لهستان مجبور است دست گدائی بسوی امپریالیستهای غرب دراز نکند. اخیراً دولت ارتجاعی لهستان بطور محرمانه مبلغ ۳ میلیار دلار از امپریالیسم آمریکا تقاضای کمک مالی نموده است. البته آمریکا هنوز پاسخی به این درخواست نداده است و بعلاوه امپریالیسم روس بعطت گسترش نفوذ آمریکا در لهستان در مورد این درخواست دچار نگرانی گشته است. میدانیم که لهستان مبلغ ۱۹/۴ میلیار دلار بدهی به کشورهای امپریالیستی غرب بدهی دارد و هر سال ۶ میلیار دلار بابت این بدهی باید بپردازد. حال اخذ وام جدید و افزایش این بدهیها چه نتایجی بیا خواهد آورد؟ آیا نفوذ بیشتر امپریالیسم غرب را در لهستان ببار نخواهد آورد؟ نگرانی شوروی از این مسائل ناشی میشود.

درست‌ترین بحران اقتصادی، بحران سیاسی اجتماعی همچنان ادامه دارد. و کارگران لهستان به مبارزات خود خاتمه نداده اند. بورژوازی که زبر فشار جنبش توده‌ای مجبور به عقب نشینی‌های گریزنده است در پی آن نیست تا به قولهای خود "وفا" کند. و کارگران نیز حاضر نیستند به مبارزات خود پایان دهند. در حال حاضر اینجا و آنجا کارگران دست به اعتصاب می‌زنند و اخیراً ۶٪ از دوازده هزار روبا تمدن‌گر کارکنان رادیو - تلویزیون لهستان به اعتصاب بیون پیوسته اند. در حال حاضر مسئله اساسی جنبش کارگری لهستان رفعدان یک رهبری کمونیستی و نیرومند است. در لهستان کمونیستها ضعیف هستند. "حزب کمونیست لهستان" (مارکسیست - لنینیست) "که بطور مخفیانه به فعالیت است انقلابی مشغول است فاعلاً به توده‌ای گسترده است. بنابراین جنبش کارگری لهستان در شرایط بحران کنونی نمیتواند بطور استوار علیه بورژوازی - رویزیونیستهای حاکم بد پیش رود. به ویژه آنکه نیروهای بورژوازی - لیبرال مخالف حکومت میکوشند تا این جنبش را به سود خود منحرف سازند. در حقیقت در لهستان نیروهای سیاسی مخالف حکومت به دو دسته متضاد تقسیم میگردد: اگر در یک سو مکرانها و انقلابیون کمونیست قرار دارند، در سوی دیگر روشنفکران لیبرال مرتجع طرفدار مکرانسی بورژوازی غرب، روحانیت مرتجع کلیسایی و محافظه‌کاران صهیونیستی لهستانی جای گرفته اند. نیروهای بورژوازی اپوزیسیون میکوشند تا جنبش کارگری را تحت سیطره خود قرار دهند. به این لحاظ کمونیستهای لهستان وظایف سنگینی بدوش دارند. این وظیفه عبارت است از افشا و طرد این نیروهای مرتجع اپوزیسیون و سازماندهی و هدایت جنبش کارگری در جهت سرنگونی

بورژوازی حاکم و تصرف قدرت سیاسی

تلاش‌ها جدید نیروهای امپریالیستی در خلیج

رادبو جبهه خلق برای آزادی عمان، در تاریخ ۲۲ آبانماه بمنقل از سخنگوی رسمی جبهه مزبور چنین گفت:

فعالیت‌های امپریالیسم جهانی بویژه امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج و قیاسوس هند باعدا ت زهای با قضا است. نیروهای آمریکائی و انگلیسی مستقر در جزیره "المفتم" - که خود بصورت یک پایگاه نظامی، مشرف بر تنگه هرمز در آمده است - با همکاری نیروهای رژیم دست - نشاندۀ قابوس، مشغول حفر کانالی از منطقه "نینا" به "حلبین" هستند تا خلیج فارس را مستقیماً به دریای عمان متصل سازند و از این کانال - مال در صورتیکه تنگه هرمز بسته شود استفاده کنند. طول این کانال به ۶ کیلومتر بالغ میگردد. همچنین در ۱۵ ماه و ت گذشته (۲۴ مرداد) یک واحد نیروهای آمریکا، منطقه‌ای به مساحت هزاران متر مربع را مورد بازرسی قرار داده تا تا سیسات نظامی و مراکز برای انبار کردن اسلحه در آنجا بسازند. همینطور یک بندرگاه نظامی در منطقه "نینا" و "حلبین" (متعلق به عمان) تا بسیس نموده اند. تا بتوان از آن برای پهلوگرمین کشتی‌های جدید جنگی و کشتی‌های دریایی استفاده کرد.

اهالی این مناطق ساحلی از فعالیت‌های اقتصادی خود، از ما شیگری گرفته تا حمل و نقل کالا ممنوع گردیده اند. در بنای تا سیسات مورد نظرا ز کارگران محلی نیز استفاده نمیشود و کارگران را صرفاً از خود آمریکا شپها و انگلیسیها و خارجیان استفاده میکنند. نزدیک شدن به این مناطق برای اهالی ممنوع است.

بدین ترتیب منطقه "رتوس الحیسال" (ارتفاعات عمانی مشرف بر تنگه هرمز) بصورت پایگاه‌های جهت بسط تجار و ات و جانیات با زهم بیشتر برای نیروهای امپریالیستی درآمده است.

راهپیمائی عظیم دانشجویان یونانی علیه رژیم حاکم و امپریالیسم آمریکا

۷ سال پیش دانشجویان کمونیست و مبارزان یونان به تظاهرات عظیم و گسترده‌ای علیه دولت نظامی وقت و امپریالیسم آمریکا دست زدند. در این جنبش عظیم که منجر به سقوط دولت نظامی با پادشاه گریس گردید، حداقل ۳۴ نفر کشته و ۱۰۰۰ نفر زخمی شدند. به مناسبت بزرگداشت این جنبش قهرمانانه، هر سال دانشجویان به تظاهرات گسترده‌ای دست می‌زنند. در همین رابطه امسال راهپیمائی عظیمی با شرکت بیش

ندیدن سوسیال امپریالیسم: نکته‌ای بس مهم در قضیه سعادتی

باز هم ارتجاع حاکم زهر خود را علیه نیروهای انقلابی ریخت و ما هم محمدرضا سعادتی را محاکمه و به ۱۰ سال زندان محکوم ساخت. در باب اینکه از زمان مجاهدین خلق باید عنوان یک نهاد انقلابی و دموکراتیک بشمارا می‌کرد بسیار سخن گفته ایم و موضعگیری ما علیرغم اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی با مجاهدین خلق نسبت بدانان مثل روز روشن است.

در این باره نیز که رژیم حاکم تها و آشستی بنا بذیر طبقه تیش را با کمونیستها و نیروهای دموکراتی نظیر مجاهدین هرگز نفرا موش نکرده و یکدم از زهمت زدن، مانعت از فعالیت و سرکوب آنان نماند تا آنجا که توانسته خودداری نکرده است، مقالات متعددی در پیکار آورده ایم، همچنین انتقادات ما به مجاهدین خلق همشامه به یک سازمان انقلابی فدا مپریالیست با رها مطرح شده و نسبت به آنرا فاتی که در مئی سیاسی آنان وجود دارد و در نتیجه گرایش لیبرالی رابر این سازمان غالب گردانیده و به جنبش انقلابی خلقهای مالمطمواردمیآوردیابارها هشدار داده ایم. در باره ما کما سعادتی نیز طی نوشته‌ها و مقالات پیکار هم هدفهای ارتجاعی رژیم را از این قضیه افشا کرده ایم و هم به برخورد لیبرالی مجاهدین و خود سعادتی که در "دفاعیاتش" منعکس است انتقاد نموده ایم.

برخورد لیبرالی مجاهدین و خود سعادتی از نگرشی که آنها نسبت به این رژیم دارند و از موضعی که آنها می‌خواهند به عنوان یک "پوزسیون فانونی" در این رژیم داشته باشند ما به میگیرد. رژیم به آنان تهمت میزند آنها را منافق می‌نامد، دستگیر میکند، ترور میکند و سرکوب مینماید و ملی سیاست کبک وار مجاهدین سردر زیر بر فر و میبرد و میگوید بیبا ما نیست و "انشاء الله گریه است" رژیم می‌گوید آنها را از محتوای انقلابی خالی کند و به لیبرالیسم بیشتتریکشانند، میگوید بگوید کمونیستها نجس اند، "اقتصادی زبان ساده" را قبول نداریم "شناخت" را قبول نداریم "شاید شما را در درون خود بپذیریم" و مجاهدین از کنگره تحقیق درباره اسلام و وحدت اسلامی سخن میگویند و خود را بسا آنها (رژیم) در یک صف میدانند (و در واقع جا میزند) و این در واقع، جمع کشی هواداران و توده‌ها هستند که در توهم می‌مانند و نیرویشان به هدر میرود و این ارتجاع دشمنان خلق اند که سود میبرند، در همه این موارد قبلا بتفصیل سخن گفته ایم.

نکته‌ای که در اینجا روی آن مکت خواهیم کرد کیفیت برخورد و نگرش مجاهدین به سوسیال امپریالیسم شوروی است. سیاست مجاهدین در دوره جدید فعالیت آنها (از ۵۷ بعد) نشان می‌دهد که آنها علیرغم داشتن انتقاداتی به

سیاست شوروی (چنانکه در موضعگیریهایشان در قبال اشغال افغانستان آشکار بود)، آن کشور را حداقل در مرحله کنونی همبمان خود علیسه امپریالیسم امریکا میدانند. اینکه ما هدین بلافاصله پس از قیام ویا فتنه مگانی توده‌ای و موقعیتی سیاسی، به فکر وارد شدن در بده و بیستانهای بین المللی میافتند و ما همبمان امپریالیستی و تها و زکا را نه شوروی را از یاد مپیرند و به تها ریبی که خلقهای رزمنده آسیا، آفریقا و امریکا لاتین از برخورد با شوروی دارند کمبها میدهند و بدان به چشم یک "طبرف

ما ندیدند یا به منافع توسعه طلبانه خود ساخت و یا ختها بیبا امپریالیسم امریکا. ۱- پس از جنگ ژوئن ۶۷ و شکست رژیمهای عربی از اسرائیل، کاسگین در ملل متحد طی نطقی با صلااح از حقوق خلقهای عرب دفاع کرد "محو آثارنا رنجا و زسال ۶۷" و بازگشت نیروهای نظامی به مرزهای قبل از جنگ را خواستار شد. یک پل هوایی بین مسکو و قاهره برای ورود اسلحه برقرار گشت ولی تنها کمونیستها راستین می فهمیدند که این پل، پل نفوذ تسلط بیشتر است و بد هکاری ۱۰ میلیار دلاری مصر به مسکو

یک انقلابی فلسطینی: "روسها وقتی با تو صحبت میکنند یا از تو حرف میکنند یا بتو دستور می دهند. هیچ سخنی از موضع رفیقانه در میان نیست!"
در رابطه با جریان سعادتی، جای یک انتقاد از خود جدی از طرف مجاهدین خلق، خالصی است.

ما مله "مینگرند، حکایت از خطری مهلک برای جنبش انقلابی و دموکراتیک خلقهای ایران می کند. مجاهدین این را ندیده اند که شوروی دیگر یک کشور سوسیالیستی و دوست خلقهای تحت ستم نیست، بلکه خود تحت سرپوش کمک جنبشهای فدا مپریالیستی فدهیونیستی و ضد نژادپرستی و در چها روجوب رقابت با امریکادارکار توطئه و جنگ انداختن برنامه مادی و انسانی این خلقهاست.

یک انقلابی فلسطینی طی یک ملاقات، سیاست شوروی را در برخورد به جنبشهای آزادی بخش چنین خلاصه می کرد:

"روسها وقتی با تو صحبت میکنند یا از تو حرف میگویند یعنی ترا حاسوس خود می بینند و خود را بتو دستور میدهند. هیچ سخنی از موضع رفیقانه در میان نیست!" (۱)

هم اکنون سوسیال امپریالیسم شوروی بر اغلب جنبشهای آزادی بخش خاور میانه خیمه زده و ما به شوم خود را گسترده است. این جنبشها بدلیل ضعفها و آنرا فات درونی خود، و برای مقابله با دشمن خونخواری که حیات و سر نوشتشان را بطور روزمره تهدید میکند (یعنی امریکا و اسرائیل و عمال آنها)، به شوروی "پنا برده اند". تنها چند مثال عینی از واقعیتی که طی سالهای گذشته رفقای ما در منطقه خاور میانه شاهد آن بوده اند، خنده خواننده نشان خواهد داد که آیا سوسیال امپریالیسم شوروی به منافق و مصالح و حقوق این خلقهای تحت ستم و مپسارز

را طی چند سال بدنبال خواهد داشت (۲). آنها درک می کردند که این "دوست بزرگ" پس از مدتها چانه زدن و رفت و آمد مدرسان عرب به مسکو حتی به دادن یک قطعه سلاح تها جمی به اعراب رضایت نخواهد داد و هر چه میدهند و بتقدم بیولش را در یافت میدارد و سلاحهای تها قعی نیست. ما با اعراب "موجودیت اسرائیل" را که مورد توافق امریکا و شوروی است بخاطر بیادانند. بومدین رئیس جمهور سابق الجزایر طی یکی از همین گفتگوها و امرا و چانه زدننها در مسکو در سال ۶۷ آنقدر نا راحت میشود که حلسه را نیمه تمام گذا رده، مسکو را به اعتراض ترک میکند.

عبدالنا مریس از چانه زدنهای زیساد و دادن ضمانت و پرداخت پول نقد که الجزایر و لیبی و... تا مین کردند نتوانست موشکهای سام ۶ را دریافت کند و به جنگ فرسایشی محدود کانال سوئز در سال ۷۰ مبادرت نماید. مسلم است که اشکال کار اعراب در مبارزه علیه امریکا و صهیونیستها نه در داشتن یا نداشتن سلاحهای تها جمی بلکه ناشی از ما هیت بورژوازی و ضد خلقی رژیمهای عربی است که هرگز نمیخواهند و نمی توانند توده‌ها را علیه امریکا و "اسرائیل" بسیج نمایند. همچنین مسلم است که راه اعمال سلطه شوروی علیه خلقهای عرب نه فقط در دادن یا ندادن سلاحهای تها جمی، بلکه از راههای گوناگون منجمله حمایت از رژیمهای بورژوازی دولتی و تقویت و حمایت رویزیونیستهاست. روابط اقتصادی هم خودد استان

(۱) - در حالیکه بین سازمان آزادی بخش فلسطین و شوروی روابطی نزدیک وجود دارد، کم نیستند انقلابیون ما دق که با توجه به تجربه‌شان (بسا دیدی امپریالیستی و نه مرز بندی مشخص ایدئولوژیک) به شوروی اعتماد ندارند.

(۲) - سادات این نماینده بورژوازی کمپرادور مصر، همین قضا با ربا نه سقوط خود بد استان امریکا و "اسرائیل" و توجیه آن نزد توده‌ها قرار داد.



دیگری دارد.

منظور ما از آوردن مثالهایی از خرید سلاح و غیره صرفاً نشان دادن نمونه‌هایی از برخورد سوسیال امپریالیسم شوروی با مسائل است که خلقهای تحت ستم با آن دست بگریبان اند.

۲- رفقای ما که طی جنگ در غنا را با انقلابیون عمانی تماس نزدیک داشته‌اند نقل میکنند که سلاحهایی را که انقلابیون از طریق بلوک شرق بدست می‌آورند عموماً با قطعات بدکی همراه نبود بطوری که مثلاً مسلسل خدوهای "دونکا" پس از مدتی کار کردن، با شکسته شدن یک پیچ و مهره کوچک به باره‌آهنی تبدیل میشد که در جنگ هیچ مصرفی نداشت. دادن سلاح و ندادن قطعات بدکی به نیروها یا کشورها، بهترین وسیله برای درگیر داشتن ریش طرف خریدار از سوی توری است. در مورد صنایع هم همین مسئله و نیز وجود مستشاران بنحوی رزی وجود دارد، همانطور که در مورد کشورهای امپریالیستی غرب داریم

۳- شاید کمتر کسی بداند که انقلابیون فلسطینی بندرت کمک تسلیحاتی بلاعوض از شوروی گرفته‌اند و هر چه دارند پولش را نقد پرداخته‌اند. البته این، بدین معنی نیست که شوروی، زمانی که منافعش ایجاب کند "کمک" تسلیحاتی بلاعوض نمی‌کند بلکه همانطور که در انگولا دیده شده و یا در اتیوپی و افغانستان، حاضر است لشکرکشی هم بکند.

۴- از بین ده‌ها مورد افشاگرانه راجع به رابطه شوروی با فلسطین قضا یا بی نظیرها جسرت یهودیان روسی به فلسطین اثنالی وجود دارد که بخصوص بخاطر صلاحیتها و کارآئیهای علمی و تکنیکی شان در تحکیم موقعیت صهیونیستها تا تیر فراوان دارند. سابقاً در "پیکار" در این باره اشاراتی داشته‌ایم و در اینجا فرصت پرداختن بیشتر بدان نیست.

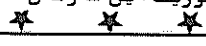
۵- تلاش برای وابسته کردن کشورهای منطقه و نیز نیروهای انقلابی آن، به سیاست شوروی، از طریق وابستگی تسلیحاتی، شیوه‌ای است که مسکو برای تامین هژمونی و پیشبرد نفوذ خود بکار میبرد. کمتر تحریک نظامی در منطقه‌ها و رمیانه میتوان یافت که با موافقت مسکو همراه نباشد. دیدارکا سیگین در یکی دوروز قبل از دخالت نظامی سوریه در لبنان جهت سرکوب جنبش مقاومت فلسطین و لزوم جلب موافقت مسکو حتی برای استقرار نیروهای سوریه در منطقه "بقاع" لبنان نمونه‌ای از تلاش سلطه طلبانه شوروی علیه خلقهای تحت ستم است.

۶- حمایت شوروی از رژیم‌های بورژوازی دولتی بر اساس تژدها انقلابی و ضدما رکیستی "راهدر شعبه سرما به داری" و در حالیکه این رژیم‌ها به سرکوب فاشیستی کارگران و زحمتکشان کشور خود مشغول اند نمونه‌ای دیگر از برخورد سوسیال امپریالیسم شوروی با مبارزات خلقهای تحت ستم میباشد. حمایت شوروی از عراق و سوریه بعشیه‌ها، از اتیوپی‌ها یا یلامریم، از سودان

شمیری و سوسیالی زیاد باره (در گذشته) مثالهایی در این زمینه هستند. در اینجا بهمین مثالها بسنده میکنیم (۳) و به برداشت توهم آمیز و انحرافی مجاهدین نسبت به شوروی بر میگردیم و تا کید میکنیم که این توهم برداشت انحرافی مجاهدین در زمینه سیاست خارجی جدا از تزلزل و ناسیجیری طبقاتی و ایدئولوژیک مجاهدین نیست، بلکه دقیقاً انعکاس آن است. وقتی مجاهدین تلگراف "جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین" برهبری نائف حواشمه خطاب به خودشان که در واقع کارگزار شوروی در جنبش فلسطین است در صورت روزنامه مجاهد چاپ میکنند توده‌ها را نسبت به شوروی و کارگزارانش به توهم بیشتری می‌اندازند. این برداشت غلط و انحرافی را به همان دلیل طبقاتی و ایدئولوژیک در زمان آزادیبخش فلسطین نیز میتوان دید.

باری، مجاهدین نه تنها این برخسورد انحرافی خود را تاکنون نپذیرفته و از خود انتقاد ننکرده‌اند بلکه پس از دستگیری سعادت (۴) طی اعلامیه‌ای به توجیه آن پرداخته‌اند (۵) عملاً صحیح! خوانند (۵) مجاهدین حتی مدعی شدند که تماس با شوروی جهت "مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا" را در گذشته نیز انجام داده‌اند و اندوخته‌ها کرده‌اند که در سال ۵۱ تمامینده‌ای از زمان مجاهدین همراه با یا سرعفات و با معرفی اوبه مسکو فرشته به سوه است! این را میگویند "عزید تر زگناه"! توجیه یک برداشت نادرست با یک داستان غلط چون قضیه روابط خارجی مجاهدین در آن سالها به برخی از رفقای ما منجمله رفیق ثواب حق شناس بر میگردد، ما پس از کسب اطلاع مجسدد اعلام میداریم که چنان تماس و مسافرتی هرگز صورت نگرفته و گذشته‌ها زمانی مجاهدین از اینگونه تماسها مبرا است.

ما ضمن حمایت از سازمان مجاهدین خلق ایران و اعلام تنفر از برخورد سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی نسبت به آنان و نیروهای کمونیست، ضمن محکوم شمردن محاکمه سعادت و رانی که علیه او در شده است خواستار رطبرد انحرافات و پاکیزگی هر چه بیشتر سیاسی ایدئولوژیک این سازمان هستیم.



(۳) در باره برخورد شوروی با جنبش اریتره در آبنده مطالبی خواهیم آورد.

(۴) ما در جاهای دیگر به ضد انقلابی بودن باز داشت و محاکمه سعادت و عدم ملاحیت این رژیم برای بررسی فعالیتها بی که به نیروهای انقلابی مربوط میشود، به حد کافی برخورد کرده‌ایم.

(۵) طبیعی است که انتقاد ما هیچ حقانیتی به سرمداران رژیم جمهوری اسلامی که این قضیه را وسیله تهمت و سرکوب مجاهدین قرار داده‌اند، نمیدهد.

بقیه از صفحه ۱۲ پیام...
زحمتکشان ایران و عراق!

در جنگ کنونی تنها و تنها امپریالیسم غرب و سوسیال امپریالیسم شوروی سود می‌برند. این جنگ به زحمتکشان تعلق ندارد و رفقای شومی است از سوی دولت‌های سرمایه‌داری حاکم بر ایران و عراق. بیش از این سرمایه‌داران حاکم بر دو کشور و ریزیونیستهای مطلق و چابلس بورژوازی اجازه ندهیم توده‌ها را به گوشت دم توپ منافع خود بدل سازند. در هر کجا که هستیم کارخانه، مزرعه، مدرسه، اداره و... مشکل و متحد شویم، توهم‌نا آگاهی را نسبت به حاکمیت و جنگ درهم شکنیم.

هستند نیروهای ما سندانها را رگرو زمیند - گان که شما را به دنیا لهری از دولت‌های ارتجاعی و شرکت در این جنگ فرامی‌خوانند. آنها در این جنگ عملابه بورژوازی خدمت میکنند و با پیدسیاستهای انحرافی و ریزیونیستی آنها را افشا کرده و برای مبارزه خود علیه این جنگ غیر عادلانه و سیستم سرمایه‌داری وابسته، ما مل اصلی فلاکت و کشتار زحمتکشان بپا خیزیم.

فریاد خود را بر علیه این جنگ ارتجاعی بلندتر کنیم! جنبش آوارگان جنگ برای بهبود وضع زندگیشان را متشکلتر کنیم! جنبشی اعترافی بر علیه گرانی، کمپایی و فلاکت زحمتکشان را سازمان دهیم! مبارزه علیه جنگ را به هر می برای گسترش انقلاب بدل کنیم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
۵۹/۸/۲۷

بقیه از صفحه ۴ تبلیغ...

شمیدهند و عملاً توده‌ها را زیر آماج تبلیغات بورژوازی رها میکنند. نتیجه یکی است: توده‌ها زیر نفوذ و سیطره ایدئولوژیک سیاسی بورژوازی قرار میگیرند، بورژوازی که نیک میداند باید تبلیغات را وسیع‌تر توده‌ها نفوذ داد.

بدین ترتیب عدم پیوند توده‌های وسیع از طریق تبلیغ گسترده، تنها و تنها بسود بورژوازی و مبلغین پراکانتش تمام میشود. ادا مه دارد.

بقیه از صفحه ۲ راهپیمایی...

از ۳۰۰۰۰ دانشجوی کمونیست و مبارز برگزار گردید. دانشجویان انقلابی قصد داشتند به سفارت امپریالیسم آمریکا حمله کرده و آنرا با تش بکشند، اما پلیس مرتجع یونان از سفارت یا تکی‌ها به شدت حمایت کرده و با حمله خود به صفوف دانشجویان حداقل یک دختر را شجو کرده، کشته، مدها نفر را زخمی و مدها تن را دستگیر نموده است.

گرامی باد خاطره ۴ پیکارگر شهید که در خوزستان جنگ زده بشهادت رسیده اند

مراسم بزرگداشت شهادت رفیق نورائی در پاریس

سازمان پاریس عضو اتحادیه جهانی دانش - آموزان و دانشجویان در خارج از کشور - هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - بنا سبت شهادت رفیق حسین نورائی، که عضو سابق این سازمان بود، مراسم بزرگداشتی برگزار نمود. در اینجا ما پیاپیهای سازمان پاریس - بنا سبت شهادت رفیق نورائی را درج مینماییم:

"تلگرام سازمان پاریس به خانواده پیکارگر شهید حسین نورائی"

سازمان پاریس عضو اتحادیه جهانی دانش - جویان و دانش آموزان در خارج از کشور هوادار سازمان پیکار، شهادت فرزند قهرمان شما، رفیق حسین نورائی را که خود را فدای آزادی خلقهای ایران نمود، بشما، پدر و مادر گرامی فرزند اینچنین راستین پرورنده ایدوبسه تمام زحماتش تسلیت گفته، باشد را گرامی داشته و به راهش ادامه دهیم.

۱۷ آبان ۵۹

"تلگرام به تشکلات هوادار پاریس در اهواز"

رفیق! رفیق شهید حسین نورائی، عضو سابق سازمان پاریس و هوادار پاریس، در اهواز جان خود را نثار آرمان زحمتکشان نمود. رفیق حسین مظهر تمام مبارزان راستینی بود که در این مرحله از انقلاب ایران خود را فدای تنها شعار صحیح: "جنگ ارتجاعی را تبدیل به جنگ علیه ارتجاع کنیم" میکنند است. همه او را بخاطر داریم. رفیق در تمام طول دوران مبارزاتش مظهر صداقت، صمیمیت و عشق به زحمتکشان و راه آنان بود و برآستی رفیق حسین کمونیست وایه شهادت رسید. آری "دره میان سوسالیسم و امپریالیسم را خاکستر کمونیستها پرخواهد کرد"

سازمان پاریس عضو اتحادیه جهانی محصلین ایرانی در خارج از کشور
هوادار پاریس.

شهادت رفیق پیکارگر شهید حسین نورائی را به تمام زحمتکشان و خلقهای ایران تسلیت گفته، باشد را گرامی و ورزش را پاریس میدارد.

سازمان پاریس هوادار پاریس

۱۷ آبان ۱۳۵۹

"تلگرام تسلیت به مادر و پدر مبارز رفیق حسین نورائی"

بقیه در صفحه ۲۴

نام: غلام
تولد: ۱۳۳۹ در یک خانواده کارگری در آبادان
شغل: کارگر، هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شهادت: ۱۰ آبان ماه ۵۹ در اثر ترکش
خوارههای ارتجاعی عراق - آبادان

جنگ ارتجاعی بین رژیمهای ایران و عراق هر روز بیش از روز پیش بروزهای زحمتکشان میهن ما می افزاید. این جنگ برای کارگران ایران جزئیستی و شدیداً ستیماً ریه های ندارد کارگران را کشتار میکند و توده های زحمتکش را بدنیستی میکشاند. رفیق پیکارگر غلام سقاظ یکی از کارگران آگاه است که در اثرها جسم ارتش بعث عراق، قلب سرخ که مالامال از کینه طبقاتی نسبت به دشمنان طبقاتی زحمتکشان بود و جز در راهها شای سرخ کارگران و زحمتکشان دیگر نمی طپید، از حرکت باز ایستاد. رفیق پیکارگر غلام بیست سال پیش در یک خانواده کارگری در آبادان چشم جهان گشود. بخاطر شرایط خانوادگی و محیط کارگری آبادان بسیار زود در دورج ناشی از استیما طبقاتی آشنا گشت. زندگی پدرش که کارگر صنعت نفت بود. واقعتهای تلخ زندگی زحمتکشان را در جامعه طبقاتی تحت سلطه برای او تصویر مینمود و دریچه تازهای از زندگی بر روی چشمان جستجوگر رفیق گشوده میشد. بخاطر نیاز مالی خانواده مجبور به ترک تحصیل و روی آوردن بسوی صیف کارگران گردید و علیرغم کمبای پرداختن بکار

بقیه در صفحه ۲۴

نام: بهرام
متولد: ۱۳۳۸ در شیراز
دبیلحه وظیفه هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
شهادت درجه به جنگ ارتجاعی

رفیق پیکارگر بهرام شاهوران در سال ۱۳۳۸ در شیراز زیندا آمد و در همانجا تحصیلاتش کرد. رفیق چند ماه پیش وارد تشکلات سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در شیراز گردید و به فراگیری آموزشهای سازمانی و غنی ترساختن آگاهی مارکسیستی - لنینیستی پرداخت و بعنوان عنصری فعال در جهت تبلیغ و ترویج مواضع انقلابی سازمان مشغول فعالیت شد. در گرما گرم جنگ ارتجاعی ایران و عراق رفیق بهرام بعنوان دبیلحه وظیفه در یادگان، ۲۰ اهواز مشغول کار بود. او طبق رهنمود سازمان برای تبلیغ سیاستهای سازمان در مورد جنگ غیر عادلانه کنونی عازم جبهه جنگ شد تا در حد توانش ایده های انقلابی را در میان سربازان نشر دهد و آنان را از ماهیت جنگ آگاه ساخته و با آنها بیاموزد که چگونه سرمایه داران با تبلیغات ارتجاعی و شونیستی جوانان میهن ما را به

بقیه در صفحه ۲۴

نام: حمید
تاریخ تولد: ۱۳۴۰ در اهواز، پیکارگر در راه آزادی طبقه کارگر
شهادت: ۶ آبان ۵۹ در راه انجام وظیفه تشکلاتی در برخورد با توصیل پاسداران سرمایه دار اهواز

پیکارگر شهید رفیق حمید رحمانی در سال ۱۳۴۰ در خانواده ای زحمتکش در یکی از محلات کارگر نشین اهواز زیندا آمد. زندگی در میان زحمتکشان او را با درد دورج آنان آشنا ساخت و از ستمهای طبقاتی و استثمار که زحمتکشان ما متحمل میشوند، آگاه شد. او در دبیرستان سعدی در کنار فرزندان کارگران و دیگر زحمتکشان تحصیل کرد و دیپلم گرفت. شور و شوق انقلابی رفیق او را بمیدان مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم منقور شاه سوق داد. رفیق در جریان مبارزات توفنده توده ها بر علیه رژیم ارتجاعی پهلوی با عشق به زحمتکشان در صفوف جنبش دانش آموزان انقلابی مبارزه ادامه داد. دویس از قیام بهمن ۵۷ نیز با نیروی بیشتر در پیکار خونین خلقهای زحمتکش ما شرکت نمود.

رفیق حمید در پانز سال گذشته از طریق نشریات سازمان با مواضع ما آشنا شد و با تکیه بر همنمودهای "پیکار" و دیگر نشریات سازمانی،

بقیه در صفحه ۲۴

گرامی باد خاطره شهدای بخش

منشعبان م.خ.ا



رفیق فاطمه فرتوت زاده

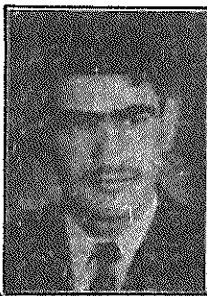
عضو بخش منشعبان م.خ.ا
شهادت در آذرماه ۵۴



رفیق صادق فرز دلغوی

عضو بخش منشعبان م.خ.ا
نقش فعال در بخش کارگری سازمان
دستگیری در نهم آذرماه ۵۵

شهادت در ۱۴ آذرماه ۵۵
شکنجه رژیم ناساواک



بقیه از صفحه ۲۳ رفیق حمید ...

بدون ارتباط تشکیلاتی بدلیل نظرسرا ت سازمان برداخته و نما منبروی خود را در خدمت رها نشی رحمتگان از جور و ستم ظیفانی فرار داد بیکار رگر شهید در تابستان ۵۹ سادک آسمن و انعبت که برای مبارزه انقلابی تشکیلات انقلابی لازمست و با جمع بندی از فعالیت های گذشته به تشکیلات هواداران سازمان بیکار پیوست و از مرداد ۵۹ مبارزه خود را در یکی از کمیته های محلات پیش برد. رفیق شهید ما بخاطر پشتکار و صداقت و تعهد انقلابی نسبت به آرمان ناریخما طبقه کارگر در انجام وظایف تشکیلاتی سخت کوشا بود و به همین خاطر نوانست مسدود تشکیلاتی را سر بعلی کرده و به عضویت "هسته مرکزی" محله ای که در آن فعالیت میکرد در آید رفیق حمید برای انجام وظایف تشکیلاتی و تبلیغ مواضع سازمان بویژه در مورد جنگ ارتجاعی کنونی در شهر مانده بود و در راه انجام ما موربت سازمانی در حین گذشتن از "چهار راه آبادان"، بر اثر ناشیکری راننده یکی از اتومبیل های کمیته انقلاب اسلامی "ودرا اثر تصادف با آن زندگی برافتخار ولی کوتا هشی بیایان رسید در حالیکه دیگر رفقای همزمش راه را دورا تا سرا شجا مپروز - مندش ادامه خواهند داد.

یادش گرامی و راهش بویبند باد!



بقیه از صفحه ۲۳ رفیق بهرام ...

جنگ میفرستند تا "گوشت دم نوب" آنان باشند. رفیق شهید ما علیرغم نریاضت جبهه های جنگ بطور جسمگیری در اشنای جنگ تحا و زکرا نه و غیر عادلانه بین رژیمهای ایران و عراق فعالیت کرد. رفیق بهرام به جبهه رفته بود تا ما هیبت جنگ ارتجاعی را میان سربازان برملا کند. او بر اساس تحلیل سازمان اعتقاد ی به شرکت در این جنگ نداشت. اما جبهه یکی از مراکز بود که در آن ارتجاع و جنگ اومی با یست انشا کرده. می با یست در سنگرها در میان سربازان که فرزندان زحمتگنانند تبلیغ خدجنگ نمود و آنها را برای انقلاب آماده ساخت. رفیق بهرام چنین کرد. او به جبهه رفت تا به سربازان بگوید که این جنگ متعلق به سرما یه داران است و کارگران و فرزندان زحمتگنان ایران و عراق نیاید یکدیگر را کشتار نمایند. اما دشمن اجازه نداد تا او با هم بیشتر ارتجاع ایران و عراق و ما هیبت تا عادلانه جنگ کنونی را افشا کند. او فعالیت انقلابی خود را در واحداثکی خودیسه پیش میبرد اما این واحد مورد هدف بمباران هوا بیما های عراقی قرار گرفت و بدین ترتیب رفیق بهرام در راه منافع رحمتگان توسط ارتجاع بخاک و خون کشیده شد.



بقیه از صفحه ۲۳ هراسیم ...

ما شرکت کنندگان در بزرگداشت بیکار رگر شهید حسین نورانی، که در روز شنبه ۱۷ آبان توسط سازمان باریس عفا و تحا دیه جها نسی

به رفقای شهید:

شکر الهه دانشیار
محمد اشرفی
منوچهر نیک اندام

سرخ

عشق از آنگونه که سینه را می دراند
بیش از آنکه صف تفنگها
نیم تن خون آلودش را
شنا ندرفته باشد

یادتان سرخ است یاران!
قلبی از آنگونه که شوفان میکند زخون
در بیکرد لاورش
بیش از آنکه به شلیکهای ناگهان
از خروش افتاده باشد
ناتوان سرخ است یاران!

مشتی بزرگ

- مثل همیشه -

مشتی بزرگ

برآمده از خشم دیربای مردم

که تا ره میکند به فتح

بیش از آنکه در تنها جمشیر

ویران شده باشد

راهتان سرخ است یاران!

حشمتی خیره

که به گفته، مغاف خود

بردوسوی

بدرخشم می افتاند

بیش از آنکه از آسمان سحرگانی

دور ما نوب باشد.

سرخ است یادتان!

سرخ است نامتان!

سرخ است راهتان!

سرخ است

برجعی که بر فراشتید

بر بلبلند غرور

تا باد

بردوسوی

عطر اهتزازش را

براکنده کند.

سرخ است راهتان

یاران!

هم از این روست که دیری نمی گذرد

تا تابارنج

بردوسوی بخواند

سرودتان

(سپهبد)

۵۹/۸/۱۸

بقیه از صفحه ۲۳ رفیق غلام ...

های سخت، رنج و ستم ظیفانی را که سرمایه داران بر آنان تخمیل میکنند با پوست و گوشت خود لمس کرد. در سال ۱۳۵۷ با اوج گیری جنبش نکوفنده توده های زحمتکش و برای درهم شکستن زنجیرهای بردگی به سیل خروشان مبارزات توده ای پیوست و از کلیه اشکال مبارزاتی، از شرکت در تظاهرات خیابانی تا اعتراضات و اعتصابات کارگری برای رهایی از سلطه بیگانگان و در راه سرنگونی رژیم وابسته به امپریالیسم شاه جلا داد سود می جست. در جریان این مبارزات توده ای، آگاهی سیاسی او به میزان ارزشمندی بالا رفت. پس از قیام با شکوه بهمن، با شناخت از واقعیات عینی جامعه و آشنائی با جهان بینی طبقه اش ما رکیسیم لنینیسم، مبارزات رفیق ایضا دگسترده ای بخود گرفت. او به کار آگاهانه و سازماندهی در میان کارگران برداخت و صداقت و بینش انقلابی او اعتماد کارگران مبارزان نسبت به رفیق غلام جلب کرده و وی بعنوان نماینده شوراهای کارگران اسکله ۷ برگزیده شد. رژیم جنجیوری اسلامی که از توانائی های انقلابی رفیق و نیز اطمینانی که کارگران با و داشتند آگاهی و وحشت داشت بیجا نه کمی سن از نمایندگی وی جلوگیری کرد. رفیق در مبارزات کارگران پیمانی نقش فعالی داشت و برای اینکه این کارگران زیر پوش صنعت نفت قرار بگیرند تلاش بسیار کرد. رفیق پس از آشنائی با سوسال لیسم علمی ابتدا در صفوف هواداران سازمان جریکهای فدائیی خلق قرار گرفت ولی مشی سازشکارانه و سازش طبقاتی آنان با روحیه و خصلت های طبقاتی رفیق هم آهنگی نداشت. رفیق غلام در جریان مبارزاتش با مواضع سازمان بیکار آشنا شد و برای پیشبرد اهداف کمونیستی به صفوف آن پیوست. و از مهر ۵۸ در ارتباط فعال با سازمان ما قرار گرفت. ویژگیهای انقلابی رفیق و خصلتهای بیرونتری او موجب شده که رفیق در تشکیلات سر بیا رده نماید. رفیق در انجام وظایف تشکیلاتی و مبارزاتی اش چنان شور و شوقی نشان میداد که رفقای پیش به او لقب "بشور" داده بودند. پس از آغاز جنگ تحمیلی و ارتجاعی کنونی رفیق غلام برای تبلیغ و ترویج سیاست سازمان در کنش رتوده های که اجبارا در مناطق جنگ زده مانده بودند باقی ماند و به انجام وظایف تشکیلاتی خود ادامه داد.

در روز دهم آبان ماه ۵۹، رفیق بیکار رگر غلام سقا ط در حالیکه بیش از ۲۰ سال نداشت در اثر ترکش خمباره های ارتش مرتجع عراق شهادت رسید.

رفیق شهید ما، علاوه بر کار فعال و آگاهگرانه در میان کارگران، مقالات و اشعار زیادی نیز تهیه کرده بود و گزارشات زیادی را برای نشریات "بیکار" و "تفکر به پیش" فراهم آورده بود. یادش گرامی و آرزویش جا بیدار!



دانش آموزان و دانشجویان در خارج از کشور
هوادارین ب. برگزار شد، شهادت رفیق حسین،
فرزند راستینتان را که در راه آرمان زحمتگنان
جان خود را نثار کرد، به شما عزیزان او، رفقا و
نهاد دوستانش تسلیم گفته، یادش را زنده و
رزمش را با یه ارمیداریم. ۱۷ آبان ۱۳۵۹

جنگ و رادپوهای ضد انقلابی

ملاحظات کوتاه

میداننداری بنی صدر

این روزها بنی صدر، سردسته لیبرالها چه در میدان آزادی و چه در حسینیه، رشادتها متلاش خود را بکار برده تا همه بدبختیها و فلاکتها ی مردم را بسه گردن رقبای خود در حزب جمهوری اسلامی بیاندازد و خود را بعنوان آلترنا تیو پاک و حلال مشکلات معرفی نماید. توگوشی از ابتدا با همان حضرات همگام نبوده است. او امروز میگوید چرا دشمن علم هستی و میگوید ما متخصصی احتیاج نداریم و تلوویحا تعطیل دانشگاهها را تقصیر رقبای میسارند و گمان میکنند مردم سخترانی او را در دوم اردیبهشت که پس از یورش منول و اربابان دانشگاهها برآوردند فرا موش کرده اند که چرا جاسد کشتگان دانشگاه گفت: امروز، روز پیروزی ما ست و دولتی استقرایا فت! او میگوید هیچکس از ما معصوم بی خطا نیست فقط "ا ما ما یب" معصوم است ولی گمان میکنند که مردم را زبا دبرده اند که او در باره آیت الله خمینی چه ها که نمیگفت. او از بگیر و ببندها و زندان و شکنجه و هفت - تیرکشی گله و پر خاش میکند ولی وقتی که کردها و ترکمن ها و اعراب خوزستان، کمونیستها و مجاهدین را کشتار روزندانی میکردند او رای می داد که "اگر من هم بودم همین حکم را میدادم". او ضریحا به رقبایش میگوید که اگر میخواهید با شما وحدت کنیم، با یدها طلبی و انحراف مقامات را کنار بگذارید و با یدبین هم تقسیم کنیم ولی یکی دود تیفه بعد میگوید در مکتب ما برخلاف مکتب دیگرگرا را برای خدا با ید کرد (؟). و اصلا بین ما قدرت ظلمی مطرح نیست!

خلاصه اگر بخوای پشتک و او را بوسین را بشماری به آخر نمیرسی. دجال بنی صدر امر تازه ای نیست ولی ورشکستگی حزب جمهوری اسلامی راه را برای ما نور و میداننداری لیبرالها با زکذا رده است. آنها را افشا کنیم و دست مجرم را در حین ارتکاب جرم بگیریم.

ما شاء الله قصاب، همکار خلی!

مردم مبارز ایران با ما شاء الله قصاب و کارهای او نا آشنا نیستند. وی و کمیته مشهور ضد انقلابی اش که از طرف رژیم جمهوری اسلامی در سفارت سابق آمریکا مستقر شده بودند، با استفاده از روشهای ساواک و سیا و بکارگیری مهره های سازمان "امنیت" تا به مبارز انقلابیون می برداختند. دستگیری مجاهد سیرسا دتی از "شاهکار" های او و مزدوران مسلح باند او بقیه در صفحه ۱۴

"صدای آزادیبران"، رادپوی سلطنت طلبان صراری با دفاع از اسرارش "ساده مدام حسین" در الجزایر (سال ۱۹۷۵)، گناه آغاز جنگ را بسد کردن رژیم جمهوری اسلامی می اندازد و تلوویحا جانب رژیم ارتجاعی عراق را گرفته و با دفاع از "ارتش جمهوری اسلامی" که میدانند "خودی" است و بزرگ کردن نقش آن، تقصیر شکست ها را متوجه "باصداران" و "خوندها" مینماید. این مرتجعین فراری گمان میکنند که با سعی در جدا کردن ارتش از کل نظام چاکم خواهند توانست آب رفته را بجوی بازگردانند. ولی مردم قهرمان ایران بانیان کشتارهای ۱۷ شهریور - ها، ۱۳، ۱۴، ۱۵ آبان ها و ۱۶ آذرها و... را هرگز فراموش نخواهند کرد.

دار و دسته بختیار خاشن با برنامه های "رادپوایران" خود با سوء استفاده از نفرت روزافزون اقشار مختلف مردم از رژیم جمهوری اسلامی سعی میکنند تقصیر تمامنا بسا مانی های جامعه همچین عوارض هستی بر بادده و فلاکت با جنگ ارتجاعی کنونی را به متوجه جناحی از رژیم نموده و با حمله به "ملاها" و در رأس آن "خمینی" ارتش ارتجاعی را شطرنج کرده و مقام و مت بحق مردم در مقابل لیبرالها و ارتش را از اعتراف و مبارزه توده ها بر علیه کل رژیم و هیکت چاکمه جدا کرده و با تکیه به عناصر لیبرال و ارتش ارتجاعی جای باثنی برای خود در جا معبا ز نمایند. بختیار رژیم دور که درستگر کلیه دشمنان خلق ما و از حمله رژیم مرتجع عراق، بر علیه خلقهای میهن ما توطئه میکند، در رادپوی ضد انقلابی اش با تبلیغ "دفاع از میهن" سعی میکند فریبکاران را به دسیسه ها و توطئه های بی را بپوشاند. اما او جز قشر محدودی از "لیبرالهای" وابسته و عناصر خاشن ارتش و قشری از رده های بالای بوروکراتها و کارمندان وابسته به رژیم سابق، پایهای در جا معبا نخواهد یافت.

"رادپوسکو" صدای سوسیال امپریالیست های روس، فریبکاران خواهدان "خاتمه جنگ" می باشد. اما با ید از این روبه رفتن بر سید چه کسانی رژیم مرتجع عراق را مسلح میکنند تا زحمتکشان میهن ما را بخاک و خون بکشانند؟ چه کسانی به صدا محسین اجاز میدهند که توپوف های روسی که بر اساس قرارداد انظما می فقط علیه اسرائیل با ید بکار گرفته شوند، اینک مردم بی دفاع ما را بمباران کنند؟ جواب روشن است این برژنف و شرکای خاشن اش می باشند که ید مدام اجاز میدهند.

سوسیال امپریالیسم روس این جنگ را "تضعیف نیروهای شرقی خواه" میدانند (رویزونیست های شوروی هر دو رژیم ایران و عراق را "فد امپریالیست" میدانند!) و در رادپوسکو در همان زمان که فریاد میکند "این جنگ شیرجان دو بقیه در صفحه ۱۸

ما در گذشته نقش ضد انقلابی برخی از رادپو های امپریالیستی و ارتجاعی را افشاء کرده ایم. بخاطر سانسور اخبار از سوی رژیم جمهوری اسلامی و سیاست تبلیغاتی ارتجاعی، "صدای سیمای" ارتجاعی چاکم بیش از پیش اعتماد خود را در میان توده های مردم از دست داده و میدهد و در نتیجه مردمیکه طالب اخبار صحیح هستند ناچاراً به رادپوهای بیگانه کشیده میشوند و این کشش بویژه پس از شروع جنگ تحمیلی و تاجا و زکارانه رژیمهای ایران و عراق افزایش یافته و موقعیت مناسی بدست امپریالیستها و نیرو های ارتجاعی منطقه داده است تا با سوء استفاده از خله حاصل از نبود اخبار صحیح سیاستهای ضد مردمی خود را از طریق بلندگوهای خود پیاده نمایند:

رادپو "بی بی سی" سخنگوی امپریالیست های انگلیسی در آغاز جنگ و همزمان با حملات وسیع ارتش عراق بیشتر جانت دولت بعثتی عراق را میگرفت، ولی بخاطر ترس می که در سیاست جمهوری اسلامی نسبت به "غرب" یدید آمد (بویژه دنیا از رژیم به تسلیمات و توجهیزات جنگی) و از جمله مطرح شدن مسئله گروگانهای آمریکائی، لحن این بلندگوی امپریالیستی تغییر یافته و اغلب اخبار را به نقل از رادپوی جمهوری اسلامی بخش مینماید.

رادپو "صدای آمریکا" نیز که روزانه چندین ساعت برنامه به زبان فارسی بخش مینماید از آغاز جنگ بطور محسوس از رژیم جمهوری اسلامی طرفداری مینماید. و این طرفداری با اعلام شرایط آزادی گروگانها از سوی مجلس اسلامی بوضوح افزایش یافته است. امپریالیستهای آمریکائی از سیاست گرایش به غرب جمهوری اسلامی که بویژه از طرف لیبرالها تقویت میشود و نیز نقش و اهمیتی که ارتش دست پرورده امپریا - لیسیم آمریکا در جا معبا مییابد، خوشحال است و این رضایت را با اعلام اینکه "ایالات متحده از تمامیت ارضی ایران دفاع میکند" و نیز "اما دگی ارسال تسلیحات (که بنا بر اخبار موقت اخیرا به ایران رسیده است) و پشتیبانی از "گرایشات واقع بینانه رژیم جمهوری اسلامی و... بیان مینماید. پس از سفر نخست وزیر "مکتبی" به نیویورک و نشان دادن "در باغ سیز" از سوی اولحن "صدای آمریکا" دوستانه تر گذشته است.

"رادپو اسرائیل" بلندگوی تبلیغاتی صهیونیستهای اشغالگر فلسطین نیز همیسن سیاست رادنیال میکند. بویژه بخاطر تائیری که پیشروی رژیم ارتجاعی عراق در این جنگ در دامن زدن به احساسات خفته و یدبارنا سیونالیستی اعراب و در درجه نخست اعراب مناطقی تحت اشغال فلسطین خواهدگذشت آشکارا از رژیم جمهوری اسلامی حمایت میکند.

بخیه از صفحه ۲۸ تشدید ...

که علیرغم این تضاد، همچنان وحدت خود را در مقابل انقلاب، وحدت خود را برای بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته و سرکوب جنش حفظ کرده - اند و در عین حال که این جنک قدرت در حد تصرف تدریجی مواضع قدرت و نیز افسانگری علییه یکدیگر برای جذب پایه های توده ای طرف مقابل با قیامنده و به مرحله حاد سرکوشی دیگری نرسیده است (مثلا آنچه در بین جناح های رقیب در افغانستان روی داده است)، آنها همچنان میکوشند ضمن عقب راندن تدریجی یکدیگر، فعلا وحدتشان را در مقابل انقلاب حفظ کنند

ثانیا: آیت الله خمینی بدون پرده پوشی در جنک قدرت شرکت میکند

یکی دیگر از ویژگیهای اوچکیری مبارزه طبقاتی اینست که طبقات بدون پرده پوشی و ظاهرفریمی مجبور میشوند با حدت مبارزه طبقاتی روبرو شوند. آن برده های تقدس، انسان دوستی انقلابیکرایی و... که میتوان در دوران آرام و راکد بدون جنش توده ای بدور خود کشید و برای دیدن این نقاب دروغین، سالها وقت لازم است، در دوران اعتلا، خود این طبقات مجبور میشوند این نقاب را بپوشانند و با چهره آشکار طبقاتی در صحنه ظاهر شوند. یکی از این نقابها نقش آیت الله خمینی در هیئت حاکمه است رژیم و حتی نیروهای مانند مجاهدین خلق، می - کوشیدند آیت الله خمینی را بعنوان فردی در ماوراء هیئت حاکمه، بدون طبقه و تمام خلقی، کسی که فقط به "اسلام" و "مردمی" اندیشد و به قدرت و جاه و مقام و... جلوه دهند آنها میکوشیدند تا با برکنار کردن آیت الله خمینی، توده ها را دچار توهم سازند که گویا اقدامات رژیم ربی به وی ندارد و در دوران آیت الله خمینی، هاله ای از تقدس میکشیدند و به او شانی بالاتر از دخالت در دعواها بر سر قدرت و حمایت از یک جناح میدادند. اما اوچکیری مبارزه طبقاتی آنچنان بود که جناح رقیب لیبرالها مجبور شد آخرین تکخال خود را رو کنند و آیت الله خمینی را به میدان نبرد قدرت درون هیئت حاکمه، کاملا علنی و بدون پرده پوشی بکشاند دیگر سخنان دو - سهلوی آیت الله به دفاع از حزب جمهوری کافی نبود، با پیدا و بطور مشخص از حزب جمهوری دفاع میکرد، سخنان منتظری و خامنه ای و محمد یزدی در نمازهای جمعه ۲۳ آبان در مقابل تعرض سیاسی لیبرالها سودی نبخشیده بود و حزب جمهوری مجبور شده بود، به آخرین حربه اش یعنی آیت الله روی آورد، در این میان تعرض لیبرالها به دوپایه اساسی "حزب"، یعنی بازار و قم که بهیچوجه نمیتوانست برای آنان قائل حمل باشد، بعنوان مهمترین عامل برای هراس "حزب" از تعرض لیبرالها و متقاعد شدن به روی آوردن به آخرین تکخالشان، باید محاسب آید.

آیت الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی نمیتوانستند تحمل کنند، معبودشان "بازار" از دست برود، بقول آیت الله این برای ایشان مصیبت بود:

"اگر بازاری قم، بازاری تهران با این حرف موافق است، (یعنی با انحلال حزب جمهوری و کاهش قدرت روحانیون این حزب - سکار) مصیبت بسیار زیاد است." (جمهوری اسلامی ۲۶ آبان)

آری برای طرفداران سرمایه داران اردست دادن با یگانه میان بازاریان مصیبت بسیار زیادی است و چنین است که خود برای تعرض به لیبرالها برای حفظ بازار دست به تعرض می - رستند و روزی بازارهای تهران و شهرستانها می بینند.

براستی آیا هیچ تردیدی در این مورد که آیت الله خمینی نیز در کنار دیگر جناح های حکومت طرفدار سرمایه داران بازار است میتواند وجود داشته باشد؟

براستی آیا هیچ تردیدی در این مورد که آیت الله خمینی مدافع حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی است و در جنک قدرت جناح های رقیب یک - پای قضیه است میتواند وجود داشته باشد؟ آیا میتوان تزلزلات لیبرالی مجاهدین را بپذیرفت که خودش "خوب" است، اطرافیانش "بد" هستند!؟ بفرصت آیت الله خمینی عربیان و آشکار به میدان آمدند و در مقابل لیبرالها و دفاع از حزب، صف آرائی کردند در این میان مسئله عاشورا و ناسوعا و استفادای که هم بنی صدر و هم آیت الله خمینی از آن میخواستند میکنند، در انتخاب لحظه این "عربان تر شدن" مؤثر بود (ارتباط محرم با سخنان آیت الله خمینی را هاشمی رفسنجانی در مصاحبه اش، با اطلاعات ۲۹ آبان رومیکند). آیت الله خمینی می اندیشید با تنها جنش به لیبرالها، آنها را ساکت کرده و به اعتباریایه توده ای میخواستند تعرض لیبرالها را به عقب بنشانند، اما لیبرالها این بار واضح و آشکار در مقابل خمینی ایستادند و شمشیر تندوسیت خمینی "برآنها کارگرفتند."

ثالثا: نطق عاشورای بنی صدر، بیان شدت جنک قدرت میان جناح های رقیب

طبعاً حزب جمهوری همانطور که در نوار آیت ذکر شد، میخواستند بنی صدر تنها یک مقام تشریفاتی باشد و با بهر صورت در میان ارگانهای متقوات قدرت حزب کم شود و نتواند سیاست خاص خویش را به پیش برد. حزب که ریاست جمهوری بنی صدر موی دماغی برایش محسوب میشود، میکوشد آنرا تحت الشعاع ارگانهای قدرت خویش در آورد. در این میان نطق بهشتی در ناسوعا قابل استناد است (اطلاعات ۲۹ آبان) وی اداره کننده اصلی جمهوری اسلامی را رهبر (ولایت فقیه) و فقیهای شورای نگهبان میدانند و پس از آن معتقد است آنها در هبری وجود دارد که هر یک وظایف خاصی

خودشان را دارند (و نه بر عهده بنی صدر یک نیا در هبری آنچیز ریاست جمهوری!)، نهاد های رهبری از دید بهشتی عبارتند از: "رئیس جمهوری، نخست وزیر و وزرا، مجلس شورای عالی قضائی" و معتقد است اگر هر یک به سیم خود قانع باشند، دیگر اختلافی باقی نمی ماند، و جدال از همین - حاشروع میشود که هر جناح میکوشد سرکردگی حکومت را کاملا در اختیار خود گرفته دیگری را از قدرت عقب براند اگر حزب جمهوری برکلهای سر نهاده اش ولایت فقیه، مجلس، نخست وزیر و وزرا و شورای عالی قضائی و سایر یاسداران است، لیبرالها نیز بدستهای مهمی از قدرت اجرائی و مخصوص ارتش تکیه دارند و با لیبرال نمائی و تریا دو آزاد سخاوی دروغین میکوشند با طلب توده ها در مقابل رقیب باستند، اتفاقاً نطق بنی صدر حاوی همین دو نکته اساسی است:

۱ - بنی صدر در نطق خود قسمت بسیار مهمی را به تقویت و شطه ارتش ضد خلقی شانها می دست - پرورد آفرینکا اختصاص داد، ارتشی که جبهه در زمان شاه خائن و جبهه پس از آن (۱۵ خردادها، ۱۷ شهریورها ۱۳ آبان ها، اول محرمها و بهمن ۵۷ ها و نیز در کردستان و ترکمن صحرا) به قتل عام توده ها - برداخته و چیزی جز جفا قمرک آفرین سرمایه - داری وابسته نبوده است بنی صدر کوشید این ارگان ضد خلقی را ناجی توده ها بنما بدو به بهانه شرایط جنگی، هرگونه افسانگری بر علیه این جفا قمرکوب را قذف کرده، توده ها را نسبت به این ارتش جفا بشکار، خوش بین سازد، شرایط جنگی بهانه مناسبی شد تا لیبرالها بکوشند توده ها را که بحق از این جفا قمرکوب متنفر بودند، به آن متوهم سازند و بدین ترتیب بسا تقویت این ارگان سرکوب سرمایه داری وابسته گامی محکم بسوی بازسازی کامل سیستم وابسته بردارند این مسئله گذشته از نیا رژیم به سرکوب توده ها توسط ارتشی منسجم، در جهت تقویت موضع لیبرالها در هیئت حاکمه نیز هست، چرا که از ارتش میتوان بعنوان عاملی نیرومند در جنک قدرت جناح های رقیب بسود خود استفاده کرد

۲ - بنی صدر به مظلوم نمائی و آرا دیخواهی دروغین پرداخت، او کوشید بروج ناراضی بنی شده ها از اقدامات سرکوبگرانه رژیم سوار شود و خود را آلترنا تیوی در مقابل بریدن توده ها از جناح حزب و آیت الله خمینی قرار دهد. او کوشید خود را مخالف سرکوب آزادبها بنما بدو برای اینکه از زندانها و شکنجه ها نیز نماند، اما واقعیت چیست؟

بقیه از صفحه ۲۸ عاشورا...

اولین مشخصه این اسطوره‌ها که به آستان پیوندی عمیق با توده‌ها می‌بخشد، وجه مشترک آنها با زندگی برادر دورنخ توده‌هاست: رنجی که می‌برند، ستمی که بنا حق به آنها تحمیل میشود، ظلمی که حقان نیست و نا مردمان بر آنان روا میدارند، شکنجه‌هایی که درد آوروی- پایان است، مسیح مطلوب میشود و آنهم پس از شکنجه‌هایی دردناک. سیا ووش از پدر و میهن رانده میشود، بنا حق بدنا میگردد و سپس دور از میهن با توطئه و نیرنگ به نهادت میرسد و شهادت حسین نیز بسیار دلخراش است. دستان برادرش عباس قطع میشود، فرزندان و برادر و یاران و حتی کودکان اش و خود او در حال تشنگی بیرحمانه کشته میشوند و زنا نشان اسیر میگردند. در اسطوره‌ها شخصیت‌های اسطوره‌ای همواره مظلوم بیگناه و پاکند، مثلا مسیح در عمرش هیچ گناهی نگردده است و سیا ووش آنقدر پاک است که از آتش میگذرد و نمیسوزد، آنها برای شریکدی دیگران به شهادت میرسند، یهودای حاسوس مسیح را لو میدهد، سیا ووش اسیر توطئه‌های سودا بسه و نزدیکان افراسیاب میگردد و اهل کوفه به حسین پشت میکنند و او را که بدعوتشان آمده، تنها بسا ۲۲ تن در مقابل هزاران تن از لشکریان تنهایی میگذارند.

اسطوره‌ها بیان آرمان گزاشی توده‌هاست، در نزد توده‌ها اسطوره‌ها قهرمانند، دارای همان خصوصیات هستند که توده‌ها میخواهند، شخصیت‌های اسطوره‌ای شجاعند و استوار و فداکار و مظلوم، بخصوص حسین که بی‌انگرس و روحیه خشم و اعتراض توده‌ها نیز هست (۱). حسین و سیا ووش پس از نبرد به شهادت میرسند و این نبرد با ظلم که بیان روحیه خشم توده‌ها بر علیه ظلم و بیگناه است، آنان را بسیار عزیز و دوست داشتنی میکند گرامی داشت سیا ووش در ایران باستان مراسم عزادارانه بوده که توده‌ها به تلخی بر رنج سیا ووش میگریستند. در شهادت حسین نیز نغمه تنهایی ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی همسال یکبار تمام موجود بر شهادت

(۱) - در اینجا یادیده این مساله‌ها را که کنیم که جنبشهای دهقانی در میهنمان بر علیه فئودالها در قریبهای خود از تشیع و بخصوص شهادت حسین سودجسته و خود را بیرو حین دانسته‌اند. این مساله خودنیا ز به تحقیق جدا گانه دارد، ریشه در این واقعیت مسلم دارد که جنبشهای دهقانی، ایدئولوژی ای جز مذهب برای مبارزات خود در دست نداشتند. جنبشهای دهقانی در اروپا با جلوه‌ای از مسیحیت و جنبشهای دهقانی در ایران با تشیع و حمایت از حسین مجهز میشدند و این را با یادرزات جنبشهای دهقانی جست که بجز مذهب قادر به تبیین خواستهای خود از طریق ایدئولوژی دیگری نبودند. بهر حال در جنبشهای دهقانی ایران، توده‌ها برای این روحیه خشم و طغیان حسین نیز انگشت میگذاشته‌اند.

حسن میگیرند.

توده‌ها رنج حسین را بیاد میاورند و رنجش طبقا تی خود را در مقابل آن نا چیزی می‌بینند و تسکین می‌یابند. آنها قهرمانها و دلایرهای حسین را می‌بینند و در یاد آن دلایرهای خود را تسکین می‌بخشند و عشق به صفات خوب انسانی را در خود ارضا میکنند و از همه مهمتر با زدن خویش با گریه کرده‌ها، آن شورا انقلابی بسیاری را که ستم طبقا تی در آنان ذخیره کرده است بر سر میدهند. ستمی را که با بدبیرسینده است تمام رگران بگویند به سینه خود می‌کوبند و ارضا میشوند و آن کینه و نفرتی که ستم طبقا تی بر آنان انباشته است را با گریستن از خود دور میکنند خود را راحت میکنند و تسکین مییابند، این جنبه تخیلی روحی اسطوره‌ها است. اما در کنار این جنبه تخیلی، روح عظیم توده‌ها را میتوان دید. عشق به شهادت در راه هدیکران، عشق به آزادی و آزادیخواهی، عشق به ایثار، عشق به فداکاری، دوستی و وفاداری دشمنی با ظلم و ظالم، این جنبه مثبت اسطوره‌ها اسطوره‌ها است.

دومین مشخصه این اسطوره‌ها، در آنجا است که بیشتر و بیشتر در خدمت تقویت روحیه تسلیم، رکود و رفاقت به آنچه مثبت الهی است در میآید و توده‌ها را به مظلوم بودن دعوت میگرد و برای مظلومیت، قدوسیت و احترامی خدائی قائل میشود. این خصوصیت اسطوره‌ها وسیله مناسبی برای بهره‌گیری طبقا ت است و رگرا است. این اسطوره‌ها از سوی طبقا ت ارتجاعی بصورت عاملی برای تخیلی توده‌ها در می‌آیند. این طبقا ت میگویند تا آنان را آزار نکنند، با شرح درد رنج خدایان و اما ما نشان، درد رنج طبقا تی را برایشان قایل پذیرش نمایند و روحیه خشم و طغیان را و اعتراض را خاموش سازند.

مسیح، سیا ووش و حسین مناسبتین نمایندگان اسطوره‌ها برای شناخت روحیات توده‌ها و چگونگی استفاده طبقا ت است و رگرا از این روحیات است بهره‌گیری رژیم جمهوری اسلامی از اسطوره‌ها یکی از موازین رفرمیسم است. روحیات توده‌هاست. رژیم میگوید قرار دادن رنج حسین در برابر ستمی که به توده‌ها وارد میشود، جوی بوجود آوردن توده‌هاست و ستم و استعمار طبقا تی را فراموش کنند. رژیم میگوید توده‌ها، مبارزه آنان را علیه حاکمیت تخفیف داده و بیساخته‌ها را بر جسته‌کردن جنبه‌های منفی اسطوره‌ها، از دلایر، پاک، مهربانی، صداقت، عشق، فداکاری، ایثار و توده‌ها در جهت تحکیم حاکمیت طبقا تی خود بهره‌جویند. آنان دوسلح برای تسکین حکومت دارند: یکی سرکوب و دیگری تحمیل آنان در همان زمان که حقان را تشدید میکنند و به سرکوب خونین دست میزنند، در میان توده‌ها به اساطیر ایده‌آلیسم می‌پردازند. آنان میگویند آیا جامعه‌ای که خوشبخت، بدون رنج و ستم می‌خواهد؟ با ید رنج این دنیا را تحمل کنید تا در دنیا نی دیگری و دان بدان دست یابید و روحیه

قهرمانی، دلایر، از خودگذشتگی بخاطر منافعیان میخواهید؟ در روی زمین حق ندادن را جلوه گر سازید. اما در آسمان میتوانید بدنیبال خدایانی با این خصائل برگردید و تا آن قهرمانان نیز با یستی بیشتر و بیشتر با روحیات تسلیم و رکود و ستم شما منطبق کرده‌اند. آنها بکنه بر خشم و اعتراض و طغیان تان دامن بزنند.

همچنانکه در زمان شاهان، توده‌ها با عزاداریهای روز عا سورا، آتشفشان خشمشان را تسکین می‌بخشیدند، در زمان جمهوری اسلامی نیز توده‌ها خود را میزنند و میگریزند تا شورا نباشند شده حاصل از ستم طبقا تی بهبود رود. طبقا ت است و رگرموار در جهت تخیلی توده‌ها آگوشیده‌اند. اما ما کمونیستها نمی‌توانیم نسبت به روحیات توده‌ها بی‌اعتنا بمانیم. اسطوره‌ها قهرمانهاست که در ذهن توده‌ها خانه دارند. نمی‌توان و نسا ید به این اسطوره‌ها اعلان جنگ داد.

(همچون آنا ریستیا) نمیتوان و نسا ید بدنیبال توده‌ها افتنا دوبر تفکرات با قیما نده از سطله سالها ستم طبقا تی صحت گذاشت. (مانند) رویزیونیستها که با تا ئیدکامل این اسطوره‌ها، بر تخیلی توده‌ها صحت میگذارد. رجوع شود به "مردم" (۲۶ آبان)، عطف توجه ما به این اسطوره‌ها برای شناخت نقاط قوت و ضعف توده‌ها و در نظر گرفتن روحیه آنها و برخورد اصولی و متناسب با این روحیه است. ما با بد روحیات توده‌ها را بیسنا سیم و با روحیه تسلیم، رفا و رکودشان بسه مقابله بر خیزیم. اما همه اینها را در بطن مبارزه طبقا تی باید انجام داد و توده‌ها مقابله بر علیه "مذهب" و "اسطوره‌ها یان".

مذهب توده‌ها برای ما امری شخصی است و برای دولت آینده کمونیستها نیز امری شخصی (البته نه برای حزب طبقه کارگر) خواهد بود، اما با اینهمه ما موظفیم به توده‌ها بگوئیم که چگونه از احساسات و روحیات آنها، طبقا ت است و رگرمو می‌جویند و چگونه روحیات آرمانخواهانه آنها را برای تخیلی توده‌ها به سلازی میگیرند. باید بگوئیم که مظلوم نسا ید بود، همانطور که ظالم نسا ید شد، بلکه با یدقا طمانه و شجاعانه در ستم طبقا تی را بر انداخت و همه چیز را که خواست توده‌هاست در روی زمین تحقق بخشید باید بگوئیم که رنج محتوم و ابندی نیست و می‌توان در روی زمین آنرا بر انداخت و همه اینها را با ید در بطن مبارزه طبقا تی به توده‌ها نشان داد، باید کوشید طبقا ت است و رگرا در نزد توده‌ها بعنوان شیادانی که از احساسات و آرمانخواهی‌های پاکشان سوء استفاده میکنند، افشا کرد و شورا نباشته شده انقلابی را در خدمت انقلاب بکار گرفت. و نگذاشت که بهبود بر سرود. با ید روحیه آرمانخواهی و خشم و طغیان را در جهت نابودی طبقا ت سوق داد. و با هر آنچه روحیه تسلیم و رکود توده‌ها را تبلیغ میکند، با شیوه‌های علمی مبارزه کرد و توجه داشت که تنها در آستانه رسیدن انسان به کمونیسم، دیگر از نفوذ این اسطوره‌ها در توده‌ها خبری نخواهد بود.

تشدید مبارزه طبقاتی

■ جناحهای رژیم را ■
بجان هم انداخته است

اولاً دعوا چرا آغاز شد و جدال بر سر چیست؟

سندت گیری مبارزه طبقاتی در درون جاسد اشکاستن را در درون حکومتها بصورت شکار غیبا و اختلافها نمایان میکند. حرکات انقلابی بوده - ها، بایه های قدرت حاکمیت را به تکان می آورد جنب و جوش توده ها در "بالاترین"، "بالاترین" راه شکار پوردمی آورد. اعتلا انقلابی حتی در مدارج پائینی اش شاهد ارتجاع را می آرزود "خطر" انقلاب و نا بودی شان را جلوی چشمشان می آورد و آنگاه "بالاترین" بتدریج به جان هم می افتند استثمات توده ها دیگر مانند سابق راحت نیست، توده ها را به آسانی نمیتوان فریب داد دویی سر و صداسرکوبشان کرد. توده ها آرام آرام زمین زیر پای بالاترینها را داغ میکنند و آرام آرام بالاترینها را بهم می زنند و حاکمیت آن میمونهای قفس تکرار میشود که با همه محبت بیگدیگری چون قفس آهنی شان را داغ کردند، میگویند نه سرای در - امان ماندن از گرما، بر روی دیگران بنشینند دیگران را انداختند تا خود نجات با بند ایا این مسئله در میان تمام حکومتها، حتی آنها نیکه ترکیب یک دست تری نیز ندارد، امری است که املا قانومند، چه برسد به رژیم جمهوری اسلامی.

بخاطر داریم باورش اولین نسیمهای اعتلا در زمان شاه خاکن، پیش از آنکه این نسیم به طوفانی سهمگین بدل شود، چگونه جناحهای مختلف درون رژیم شاه که همگی شان نیز مزدور امپریالیسم آمریکا بودند، دچار اختلاف شده بودند هر کدام میگویند نه تقصیر را به گردن دیگری بیاندازند و سیاست خاص خویش را برای سرکوب جنبش توده ای بعنوان تنها راه درمان بیماری رژیم سرما به داری وابسته شاه خاکن، بر حکومت غالب گردانند. ما رکسیم - لنینیسم حکم میکنند که ضد انقلاب برای مقابله با انقلاب بتدریج میگویند تا فشرده تر کرد و در این راه با یستی حتما و حتما با یک سیاست یگانه حکم

براند، ششمت و اختلاف که خود نتیجه طبیعی حرکت انقلابی توده ها است، با یستی بسودیک جناح خاتمه یابد و همین مسئله نیز خود جناحهای رقیب را برای غلبه بخشدن به سیاستهای خود، درگیر جدال و دعوا میسازد و این روند به آنجا میرسد که یا دیگران را بالاترینها به لبره می افتد و دورانی میرسد که توده ها دیتیریا لاتیها را نمیتوانند تحمل کنند و بالاترینها نیز نمیتوانند حکومت

یادداشتهای سیاسی هفتگانه

کسند، یعنی اعتلا انقلابی به موقعیت انقلابی بدل میشود و با یک جناح میتواند قدرت را بطور کامل قبضه کرده و ارتجاع را بهم فشرده ساخته و انقلاب را درهم گوید. این فاشیسمی انعکاس جنبش توده ای در صفوف دشمن است.

امروز جناحهای رقیب رژیم در مقابل رسوا شدن تدریجی شان در نزد توده ها بدست و پیا افتاده میگویند، جناح مقابل را مقصر جلوه دهند و از سوی دیگر گذشته را جرم را بگردن یکدیگر انداختن، یک مسئله سیاسی اساسی بعنوان بهترین عامل وجود اختلافات، جلوه گراست و آن اینکه در جناح دوشیوه متفاوت سرکوب توده ها را برای بازسازی کامل سرمایه داری وابسته دنبال میکنند، بورژوازی لیبرال خواهان سیاست جناح و نان شیرینی است: "رسمیهای محدود و رخصتی برای فریب بختیاش از توده ها و بیخونی نیروهای دموکرات، سرکوب بخشیدن بدروابط عادی و علی با امپریالیسم غرب و سرکوب جنبش توده ای"، در حالیکه خرده - بورژوازی رفره نسبی و جناح بورژوازی حزب جمهوری اسلامی برای بازسازی سیستم سرما به داری وابسته سیاست سرکوب کامل و بستن بر ما به منظم را دنبال میکنند آنها به علت خصال طبقاتی شان فاقد آن دوراندیشی و برنامهریزی منظم لیبرالها برای سرکوب توده ها هستند، هر دومی اندیشند که سیاست طرف مقابل به اهداف طبقاتی شان ضربه زده و موجب شکستشان را فراهم میکند، و دیگری بیشتر جنبش توده ها، آنها را برای اتخاذ یک سیاست روشن و واحد، بیشتر به جان هم می اندازد. آنها در هنگام برخورد با هر مسئله دچار تضاد در اختلاف شیوه میشوند و این از بهم فشرده شدن ارتجاع برای سرکوب انقلاب جلوه میگردد. پس بناچار در جناح برای یکسف آوردن کامل قدرت برای اعمال سیاست متفاوت و نشان بجان یکدیگر می افتد، در عین حال بقیه در صفحه ۲۶

رفقا! اعضا، هواداران!

هما نظور که در گذشته تا کید کردیم، رفقایا بد کوشش کنند مقالات و مطالبی را که در نشریه بیکا زیا علامت سه ستاره در انتهای آنها مشخص میشود، تکثیر و پخش نمایند.

پیروز با شیدا

عاشورا: نمونه ای از خدمت گرفتن تخفیف تضادهای طبقاتی

بی شک اسطوره ها، آئینهای از روحیات توده ها هستند. در اسطوره ها، آرزوها، خشمهای شروخته و رنجهای کهنسال و دیرینه شان را می توان ما تشدید گنج از بس خروارها خاک بیرون کشید. توده ها، زاینندگان واقعی این اسطوره ها روحیات خویش را در آن آمیخته اند و چون خود "مادر" این اسطوره ها هستند، آن را چون فرزندی در دامنشان می برورند و همه کمی ها و کاسیما همه قوتیهای خود را در آن جای میدهند. مسدا اسطوره ها میتوانند، حادثه ای در یک گوشه جهان با شدویا حتی صرفاً از آرزوهای توده ها برخاسته باشد، اما حتی اگر مسدا اسطوره ها واقعیت نیز داشته باشد، آن چیزی که توده ها از آن میسازند بسیار متفاوت از آن چیزی است که روی داده است. توده ها خود را با آن درهم می آمیزند و آن غرابر دوگانگی یعنی روحیه تسلیم، خمسودی و تظلم زبکسو و خمشوار وطنیان را از سوی دیگر در آن پنهان میکنند. توده ها آرزوها و روحیات و احساسات خود را که در طی قرنها نسیم طبقاتی در آنها بیدار شده است، در اسطوره ها جا و دان میکنند. اما اگر این توده ها هستند که اسطوره ها را میسازند، طبقات استثمات رگسرو اندیشمندان شان در طی تاریخ، اسطوره ها را آنچنان که بسودا استثمات رگران عمل کند، فرم و شکل دلخواهی بخشد، حکومت بر توده های ستمکش بدون نفوذ معنوی در آنان و قبولانیدن ستم طبقاتی و جا و دانگی ظلم و رنج تا با بیان این دنیا و طلوع دنیای سر از مرگ، محال بوده است. و از اینرو طبقات استثمات رگسرو اندیشمندان شان همواره بر روحیات، احساسات و غرایز توده ها سوار میشوند و توده اسطوره های مدهی را مسدا بیدار و تفکر توده ها سوی منافع طبقاتی خویش گانالیزه میگردد. در میان اسطوره های مذهبی، بی شک شخصیت - هاشی چون مسیح، سیاوش و حسین بن علی بی مانندند.

توده ها این شخصیتها را چنان برورا نداند که میتوان روحیات توده ها را در بس غیر رقرنها کهنگی بروستی و وضوح دید، این شخصیتها غرابر طبقاتی توده ها را بر بیان آشکار میکنند و از آن مهتر، میتوان آنچه را که در این اسطوره ها برای طبقات استثمات رگسرو میندود واقع میدهند است، بروستی و واضع دید.

بقیه در صفحه ۲۷

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست